

سورة التين
بسم الله الرحمن الرحيم
التين والذكر والبنينا

والتين والذكر والبنينا

عزيمه

تأليف

آية الله محمد باقر الخليلي

ميرزا حسين موسوي ارومي

مترجم به عربي فاحشي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي وعدنا رجعة الأئمة ، وبشرنا رجوعهم بالسلطنة الكاملة ، وأخبرنا ظهورهم بالرياسة المطلقة ، وضمن لهم النصر والغلبة على الأديان الباطلة ، وأظهر دينهم وشريعتهم في جميع البرية ، واعلاء كلمتهم وآثارهم في كل الامكنة . والصلاة والسلام على خاتم الرسالة وسيد الانبياء وصفوة النبوة ، الذي جاء بالقرآن المخبر بالرجعة . وعلى آله واولاده الذين هم حفاظ الشريعة ، المكملين ما اندرس من الدين في زمان الغيبة ، المظهرين ما خفي من الشرع في وقت الرجعة ، المنتقمين من اعداء الاسلام انتقاماً يوجب عزة الاسلامية ، واللعنة على ظالمهم من الان الى يوم القيامة .

وبعد : چنین گوید حقیرقانی (حسین بن نصرالله بن صادق الموسوی الحسينی الارومی) ایسن وجیزه ایست در اثبات رجعت ائمه علیهم السلام از خصوص آیات قرآن ودر حق بودن ظهور المهدي المنتظر القائم من آل محمد صلی الله علیه وآله از تفسیر فرقان ، ونامیده شده (بتحفة الشيعة در اثبات رجعت و ظهور ائمه) .

وینای حقیرقانی کتاب نقل تفسیر آیات و تأویل محکمات قرآن است

که در خصوص رجعت ائمه و ظهور امام غائب نازل شده است، و آن هم بترتیب آیات و سوره قرآن و تا بحال احدی از علماء ابدال در ظهور امام قائم و رجعت ائمه علیهم سلام الله الملك المتعال باین نظم و ترتیب کتابی جمع نکرده ، زیرا که علماء اعلام هر چندیکه کتابهای بسیار در این خصوص تصنیف نموده اند و لکن جمیع آیات را نقل نکرده اند و بترتیب نیز تألیف ننموده اند ، و نظر ایشان در نقل احادیث بوده .

و قبل از شروع بمقصد لابد است از مقدمه ای تا آنکه اصل مقصد واضح و روشن تر گردد ، پس میگویم بعون الله تعالی و ببرکت ائمه هدی :

مقدمة مهمة

(در اثبات مطلق رجعت)

و بیان وقوع آن در اتم سابقه وقرون ماضیه است، و رفع استبعاد آن و دفع شبهه از آن، و آنکه رجعت ممکن است. و دلیل بر این قطع نظر از احادیث معتبره و اضحه صحیحه چند آیه صریحه الدلالة است.

(آیه اول) قوله تبارك وتعالى « واذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الصاعقة وانتم تنظرون ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون »^(۱) یعنی آن زمانیکه گفتید ای بنی اسرائیل بحضرت موسی که ما ایمان نمیآوریم بتو تا آنکه خدا را آشکار و عیاناً مشاهده نمائیم پس از جهت این مخالفت اخذ نمود و دریافت کرد شما را برق سوزنده و حال آنکه شما نظر میکردید و دیدید که برق شما را سوخت پس شما را بعد از مردن شما زنده کردیم و بعد از سوخته شدن احیاء نمودیم، شاید که شما شکر این نعمت را بکنید و متشکر باشید.

پس این آیه مبارکه دلالت و اضحه نمود بر زنده شدن جمعی از بنی اسرائیل

بعد از مردن و سوخته شدن ایشان ، و این قصه در کتب اخبار و تفاسیر تفصیل دارد و ما ملخص و ما حصل آن را از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام نقل میکنیم تا آنکه دلالت آیه واضحتر گردد .

و ترجمه آنچه که در تفسیر امام است اینست : بدرستی که موسی علیه السلام وقتیکه اراده نمود بر اینکه اخذ کند بر قوم خود عهد و پیمان را بر محمد^(۱) صلی

(۱) حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اسم شریفش محمد و احمد و محمود و غیر اینها که علماء تاریخ در محل خود ذکر کرده اند ، القاب شریفه آنحضرت مصطفی و مختار و امین و بشیر و نذیر و غیر ذلک که تفصیلا در ذکتر حالات شریفه آنجناب مذکور است .

مشهور بین علماء شیعه در روز جمعه هفدهم ماه ربیع المولود عام الفیل در زمانیکه همه دنیا را جهل و نادانی گرفته بود پابغرضه دنیا نهاد ، در ایام طفولیت آنجناب بسینار خوارق العادات و محیر العقول رخ داد و از نوجوانی بامانت و درستکاری معروف و مشهور بود که مردم او را «امین» می گفتند در چهل سالگی به رسالت از طرف خداوند مبعوث و از آنوقت به زحمات و مشقات طاقت فرسا متحمل گشت چنانچه خود فرماید: «ما اودی نبی مثل ما اودیت» هیچ پیامبری مثل من اذیت نشد .

پس از دست دادن دو حامی ستوه ناپذیر حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه نتوانست در زادگاه خود مکه معظمه بماند ، روز پنجمشنبه غره ربیع الاول بعد از ۱۳ سال از بعثت و ۵۳ از عام الفیل که از بهار عمر آنجناب ۵۳ سال می گذشت بطرف مدینه طیبه هجرت و روز دوشنبه ۱۱ همان ماه بمدینه طیبه وارد شد و اسم مدینه «یثرب» بود ،

پس از آمدن حضرت نبوی به مدینه طیبه - شهر پاکیزه - تغییر نام داده شد

بعد از آن دین مقدس اسلام روزبه روز ترقی نمود و از اطراف و اکناف فوج فوج برای اسلام آوردن بحضور آنحضرت شرفیاب می گشتند ، هفتاد و شش و بقولی هشتاد غزوه که در ۲۶ آنها خود آنجناب فرمانده لشکر بودند انجام دادند در سال دهم هجرت بسن ۶۳ سالگی و ۶۳ سال پس از عام الفیل در ۲۸ ماه صفر آفتاب عمر آنحضرت غروب فرمود :

جنات المخلود ص ۱۴ ، اعلام الوری ص ۵ .

(عام الفیل یعنی سال فیل ، عربها چون مبدأ تاریخ ثابت نداشتند هر اتفاق مهمی که رخ می داد او را مبدأ تاریخ قرار می دادند و عام الفیل همان واقعه مشهور است که قرآن مجید هم از او یاد کرده .

علت آن واقعه چنین است که : ابرهه که از طرف سلطان حبشه یمن را بحیطه تصرف خود آورد متوجه شد که عربها هر سال بزیارت کعبه میروند و بآنجا بسیار احترام می گذارند امر کرد در صنعا مثل او خانه بنا کردند بس زیبا و مردم را امر کرد که عوض کعبه به زیارت آنجا بروند «نفیل» نامی از عرب روزی بعنوان زایر بآنجا رفت چون شب شد به خدام گفت من نذر کرده ام که شب اینجا بخوابم اجازه خواب باو دادند چون شب همه خوابیدند وی قبلاً خود را آماده کرده بود همه دیوار و فرش و غیره را ملوث کرد چون صبح آمدند درهارا باز کردند نفیل فرار کرد ابرهه از عمل مرد عرب مطلع شد نائره غضب شعله ور گشت امر به تخریب کعبه نمود بالشکر بی شمار سوار فیل شده طرف کعبه روی آوردند ولی صاحب بیت چنانچه حضرت عبدالمطلب فرمود : انا رب الابل و للیبت رب : من صاحب شترم و بیت را صاحب هست ، کید ابرهه را در نطفه خفه کرد ، خدا لشکری از طیور مأمور ساخته که آنان را با سنگریزه تیره

الله علیه و آله نبوت و از برای علی و ائمه علیهم السلام بامامت ، پس گفتند قوم او که ما ایمان نیاوریم بر اینکه این امر و فرمان از خدای تو است تا آنکه ما خدا را عیاناً و آشکارا مشاهده نمائیم و خودش بما خبر بدهد بر این امر و خدا خودش بما بگوید که اقرار کنید بر نبوت محمد و امامت علی و ائمه از اولاد او . پس ناگاه اخذ نمود ایشان را برق سوزنده و علانیة و آشکار و سوختند آنکسانیکه این را گفته بودند ، پس موسی بباقی ماندگان ایشان فرمود آیا قبول و اعتراف میکنید شما یا نه و اگر قبول نکنید نبوت و امامت ایشان را پس شما نیز مثل آنها سوخته خواهید شد ، پس گفتند باقی ماندگان که ما نمیدانیم برایشان چه گذشته و بر سر آنها چه بلاها آمده ، پس ای موسی هر گاه بوده است سوخته شدن ایشان از جهت رد آنها و قبول نکردن ایشان نبوت و امامت علی «ع» و اولاد او را پس سؤال کن از خدای خود بحق محمد «ص» و آل او که ایشان را زنده نماید تا آنکه ما از آنها سؤال نمائیم از سبب سوختن ایشان .

پس موسی دعا کرد و خدا را بمحمد و آل او قسم داد پس خداوند ایشان را زنده کرد و از آنها سؤال نمودند از سبب سوختن آنها ، پس ایشان گفتند که جهت بلای ما و سوخته شدن ماها عدم اعتقاد ما بود بر امامت علی و اولاد او بعد از نبوت محمد «ص» پس دیدیم بعد از مردن و سوختن خودمان ملکوت خداوند را از آسمانها و حجابها و عرش و کرسی و جنان و دوزخ ، پس ما ندیدیم در آنها کسی را که امر او و فرمان او نافذتر باشد و سلطنت او بزرگتر گردد از محمد

باران کرده و از بین بردند . روضة الصفا ج ۲ ص ۱۶ .

و عرب برای اهمیت واقعه او را مبدأ تاریخ قرار دادند و حضرت نبی اکرم در این سال پر میمنت با قدم خود دنیا را منور گردانید .

وعلی وفاطمه وحسن وحسین ، و بدرستیکه وقتیکه ما مردیم بر همین صاعقه و برق سوزنده بردند ما را بسوی دوزخ پس ندا نمود محمد وعلی مالک دوزخ را که آنها را از عذاب آتش دوزخ نگهدارید و برایشان عذاب نکنید زیرا که آنها زنده میشوند بسؤال یک سؤال کننده که قسم میدهد خداوند عزوجل را بحق ما و بحق اولاد طاهرین ما .

پس خداوند عالمیان در این آیه خطاب فرمود باهل زمان محمد صلی الله الله علیه و آله که : ای بنی اسرائیل پس وقتیکه پدران سوخته و مرده شماها سوختند بسبب انکار ولایت و امامت علی و اولاد طاهرین او و زنده شدند بسبب دعا و شفاعت محمد و آله الطاهرین «ع» پس واجب است بر شما که متعرض نشوید بآنچه پدران شما انکار نمودند و هلاک شدند و دوباره زنده گردیدند به شفاعت ایشان^(۱) . تمام شد تفسیر امام علیه السلام .

پس این آیه وافی هدایه و این تفسیر شریف دلالت واضحه کرد بر وقوع رجعت و زنده شدن بعد از مردن و بلکه بعد از سوختن و پراکنده شدن و متفرق بودن اجزاء انسان و خاکستر او بر عالم، و دلالت از این واضحه نمیشود و برهان از این لائحه تر و روشن تر نمیباشد .

(آیه دوم) قوله تعالى « الهم ترالی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم »^(۲) یعنی آیا نگاه نمیکنی بسوی آنکسانیکه خارج و بیرون شدند از خانه های خود از خوف مرگ و ایشان چند هزار بودند پس خداوند فرمود بآنها که بمیرید و ایشان مردند پس بعد از زمانها آنها را زنده نمود .

(۱) تفسیر برهان ج ۱ ص ۶۳ .

(۲) البقرة : ۲۴۳ .

و این آیه شریفه نیز دلالت کرد بر زنده شدن بعد از مردن ، و حاصل این قصه اینست که در اصول کافی ثقة الاسلام کلینی اعلی الله مقامه نقل نموده :
 از حضرت امام محمد باقر^(۱) و امام جعفر صادق علیهما السلام بدرستی که این جماعت از اهل یک شهر بودند از شهرهای شام و هفتاد هزار خانه و اربودند و در هر سال طاعون در میان ایشان ظاهر میشد ، پس در اول بروز طاعون اغنیاء از شهر بیرون میشدند و فقراء از جهت عدم تمکن باقی میماندند پس فقراء زیادتر میمردند و اغنیاء کمتر ، پس فقراء میگفتند : اگر ما نیز بیرون میشدیم کمتر می مردیم و اغنیاء هم میگفتند اگر ما نیز میماندیم زیادتر میمردیم ، پس در سالی رأی آنها متفق گردید که اگر طاعون در میان ایشان بروز نماید اغنیاء برفقراء اعانت کنند و همه اهل آن شهر بیرون روند ، پس در اول احساس طاعون در آن سال جمیع اهل شهر بیرون رفتند و از محل طاعون دور شدند و سفر نمودند ببلاد

(۱) محمد بن علی ملقب از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به « باقر العلوم » و مکنی به ابو جعفر در روز جمعه یا شنبه اول یا ۲۲ رجب و بقولی روز سوم صفر سال ۵۷ یا ۵۸ هجری متولد گردید و والده ما جده آنجناب ام عبدالله دختر سبط اول حضرت امام حسن مجتبی است ، و آن حضرت اول کسی است که نسل حسنین علیهما السلام را جمع نمود چنانچه تمام فضائل و مناقب آنان را بارث برده بود . روز دوشنبه هفتم ماه ذی حجه یا ربیع الاول و بقولی ربیع الثانی در مدینه طیبه دواخانه خود بعلت زهری که ابراهیم بن ولید والی مدینه در میان طعام بآنحضرت خورانیده بود که حضرت سخت مریض شده و بعد از چند روز از دنیا رفتند و بقولی هشام بن عبدالملک آنحضرت را مسموم گردانید در سن ۵۷ سالگی در سال ۱۱۴ رحلت فرمودند ، جنات المخلود ص ۲۶ و ارشاد ص ۲۶۱ .

واطراف آنقدر که خداوند خواسته بود ، پس مرور کردند و گذرایشان بشهر خراب افتاد که اهل آن شهر را نیز طاعون هلاک و متفرق نموده بود ، پس نزول کردند در آن خرابه و رحل اقامت انداختند و برقرار شدند پس خدای قهار بر آنها فرمود که بمیرید جمیعاً پس همهٔ ایشان در یک ساعت مردند و پوسیده و استخوان آنها رمیم شد .

و چونکه استخوانهای ایشان در سر راه مردم و اهل قافله و کاروان بود از این جهت اهل کاروانها استخوانهای آنها را جمع نمودند و در یک طرف گذاشتند پس گذریکی از انبیاء بنی اسرائیل بر استخوانهای ایشان افتاد که نام او (حزقیل) بود پس وقتی که دید آن استخوانها را گریه کرد و عبرت گرفت پس عرض نمود: ای خداوند عالمیان همچنانکه این جماعت را در یک ساعت میرانده و همه را در یکدم هلاک نموده ای قادری که همهٔ ایشان را در یک آن زنده نمائی تا آنکه بعد از زنده شدن مملکت و بلاد تو را آباد بکنند و بندگان تو از اینها متولد شوند و اینها نیز ترا عبادت کنند مثل سائر بندگان تو .

پس خداوند عالم وحی فرمود بآن پیغمبر که: آیا دوست میداری که ایشانرا زنده کنم؟ عرض کرد: بلی ای خدای من ، پس خداوند اسم اعظم را باوحی نمود که بگویند، پس وقتی که حزقیل گفت آنچه را که خداوند باو یاد داده بود نظر نمود بسوی آن استخوانها دید که آنها بحرکت آمدند و بعضی از آنها بسوی بعضی دیگر طیران نمودند پس همهٔ آنها زنده شدند و نظر نمودند ایشان بطرف همدیگر و تکبیر و تهلیل و تقدیس گفتند بر خدا ، پس حزقیل در این وقت گفت: شهادت میدهم بر اینکه خداوند بر همه چیز قادر است و قدرتش بر جمیع کاینات شامل است . پس حضرت صادق «ع» فرمود که این آیه در حق آنجماعت فازل شده^(۱) تمام شد تفسیر آیه ،

پس آیه شریفه و این تفسیر منقول دلالت واضحی نمود بر رجعت و زنده شدن مرده‌ها و عیش آنها بعد از زنده شدن پس استبعاد رجعت رفع شد و وقوع آن ثابت گردید .

(آیه سیم) قوله تعالی «او کالذی مر علی قریة وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاما ته الله مائة عام ثم بعثه»^(۱) یعنی یا مثل آن کسیکه مرور نمود بیک قریه و دهی که آن خراب شده بود اهل آن قریه همه مرده بودند و گفت چطور زنده میکند اینها را خداوند بعد از مردن آنها یعنی از فهمیدن کیفیت زنده شدن و زنده نمودن بعد از مردن عاجز ماند و اعتراف بعجز خود نمود ، پس خداوند او را میراند و صد سال مرده و بسدن او ماند ، و بعد از صد سال او را زنده نمود و خر او را که مرده بود نیز زنده کرد و بعد از پوسیده شدن و متفرق بودن اجزاء خر زنده شد .

و حاصل این قضیه از قراریکه صاحب تفسیر قمی و عیاشی از حضرت صادق علیه السلام نقل نمودند چنانست که بعد از آنکه (بختنصر)^(۲) تمام بنی اسرائیل

(۱) البقره : ۲۵۹ .

(۲) بخت نصر به ضم باء و سکون خاء و فتح نون و فتح و تشدید صاد اسم پادشاه ظالم و جبار معروف است .

شمس الدین سامی در قاموس الاعلام گوید : دونفر آثوری باین نام سلطنت کرده اند :

اولی از تاریخ ۶۶۷ تا ۶۴۷ قبل از میلاد مسیح بوده که در «نینوی» حکومت داشته سپس «میدیا» - عراق عجمی و آذربایجان - را بعد از قتل «ارفخشاد» حاکم آنها بحیثه تصرف خود آورد و وزیر خود «هلوفرن» را بالشکر جرار بتصرف سوریه و فلسطین مأمور کرد وی در محاصره شهر «بتولیه» بادست یک دختر

را کشت حتی يك عجزه مانده بود او را نیز پیدا کرد و کشت ، و در آخر امر خود بختنصر کشته شد و جسد های مرده ها در بیابان ماند ، پس بیرون شد

یهودی کشته شد ، بعد از این واقعه ستاره بخت نصر افول کرد و در یکی از جنگها مقتول گردید .

دومی بخت نصر بزرگ است که آثوریه را با بلستان متحد نموده حاکم اینها گشت و در تاریخ ۶۰۶ قبل از میلاد به فلسطین سوق الجیش کرده «یهویا قیم» حاکم فلسطین در خود یارای مقاومت ندیده طوق اطاعت او را در گردن نهاد ، مأمورین که او را به پیش بخت نصر می آوردند در بین راه از ترس زهره چاک شد و مرد بخت نصر پسر او «یحینو» را بجای او نصب کرد بعد از صد روز او را با احبار و علماء یهود و حضرت دانیال و حزقیل اسیر کرده به بابل انتقال داد و عموی وی « صدقیا » را بحکومت بنی اسرائیل منصوب کرد ، بعد از نه سال صدقیا یاغی شده خروج نمود بخت نصر دوباره بطرف فلسطین عسکر فرستاد بقولی بعد از دو سال محاصره بیت المقدس را تصرف کرده و آنجا را خراب کرده و آتش زد و عموم بنی اسرائیل را اسیر کرده به بابل برد و پس از آن شهر صور را نیز متصرف شد و سپس بمصر لشکر کشی کرده مصر سفلی را مقهور و مغلوب خود ساخته و از آنجا غنایم بی شمار بدست آورد بابل را خیلی آباد کرد این قهر و غلبه روز افزون در افکار وی اثر گذاشت بداعیه الوهیت افتاده امر نمود هر جا مجسمه های او را نصب کرده سجده نمایند ، بالاخره این اعمال باعث شد نعمت بزرگ الهی «عقل» را ازدست داد خود را گاو خیال می کرد به بیابانها افتاد در این مدت زن او مملکت را اداره می کرد ، بعد از هفت سال عاقبت پیدا کرده از این عمل بد خود پشیمان و دوباره مشغول سلطنت شده در تاریخ ۵۶۲ قبل از میلاد و بقول دائرة المعارف وجدی در ۵۵۱ وفات کرد .

حضرت ارمیا پیغمبر بنی اسرائیل و سوار شد بخر خود و با او بود يك قدر کاه برای خر و يك قدری طعام و شربت برای خود پس نظر کرد بسوی مرده ها که در بیت المقدس و اطراف آنها از دهات کشته شده بودند، پس دید که درنده های بیابان و درنده های دریا و هوا این بدنهارا میخورند ، پس يك ساعت در نفس خود فکر نمود و بعد از آن گفت چگونه اینها را زنده میکند خداوند و درنده ها این جثه ها را خورده اند ، پس خداوند او را در آن مکان میراند ، و اینست قول خدای تعالی «او کالذی مر علی قریة وهی خاویة» الایة .

پس وقتی که خداوند رحم کرد بر بنی اسرائیل و هلاک نمود بختنصر را رد فرمود بنی اسرائیل را بر دنیا و جمعی از ایشان را بدنیای برگردانید ، و زمانی که خداوند قهار مسلط گردانیده بود بختنصر را بر بنی اسرائیل حضرت عزیر پیغمبر گریخته بود و داخل شده بر چشمه و غائب شده بود در آن و باقی ماند ، ارمیا در حالتیکه مرده و میت بود صدسال پس بعد از صدسال خداوند قادر او را زنده کرد ، پس اول چیزیکه از او زنده نمود چشمهای او بود مثل سفیدی تخم مرغ ، پس نظر کرد ارمیا و وحی نمود بر او خداوند که چقدر مکث کردی؟ عرض نمود : يك روز پس نظر بآفتاب کرد دید که آفتاب بلند شده عرض کرد: یا بعض از روز . پس خداوند فرمود : بلکه مکث کردی صدسال پس نظر کن بسوی طعام و شربت خود که تغییر نکرده و نظر کن بخر خود و هر آینه میگردانم این طور زنده شدن ترا آیه برای مردم و نظر نما باستخوانهای پوسیده چطور آنها را از جای ریخته شده بلند میکنیم و آنها را روی همدیگر میگذاریم و زنده میکنیم و بعد از آن گوشت بر روی آنها میکشیم ، پس ارمیا نظر میکرد باستخوانهای پوسیده متفرقه که جمع میشد باو و نظر مینمود بگوشت همچنانکه خورده بود آنها را درنده ها که میآمد بسوی استخوانها از این طرف و از آن طرف

و میچسبید با استخوانهای او تا آنکه خودش و خرش هر دو بر خاسته پس گفت که میدانم خداوند بر هر چیزی قادر است^(۱) تمام شد تفسیر قمی و تفسیر عیاشی .
 و در احتجاج و کمال الدین نیز این قصه را بارمیا نسبت داده اند مثل دو تفسیر سابق ، و لکن در سه و چهار خبر دیگر این قضیه را بحضرت عزیر نسبت داده اند ، و بعضی علماء در بین این احادیث منافات خیال نمودند و در نظر حقیر ایداً تنیافی نیست ، زیرا که این طور قضیه هم برای ارمیا و هم برای عزیر اتفاق افتاده اما ارمیا از جهت تعجب او از کشته های بختنصر چنانکه شنیدی و اما عزیر از جهت تعجب نمودن او از مردن قوم خودش جمیعاً در یک روز ، چنانکه بر این تصریح فرموده محدث کاشانی^(۲) اعلی الله مقامه .

بر هر تقدیر این آیه و این احادیث بسیار که در تفسیر آیه وارد شده دلیل واضح و برهان لائح است بر امکان وقوع رجعت در ارم سابقه و اتفاق زنده شدن مردها در قرون ماضیه .

(آیه چهارم) قوله تعالی حکایة عن عیسی «وابریء الاکمه والابرص واحی الموتی باذن الله»^(۳) یعنی من شفامیدهم کور مادرزاد را و شخص برص گرفته را و زنده میکنم مردها را باذن خداوند ، و معنی موتی مردهها است یعنی قدرت من که خدا بمن داده آنست که هر قدر مرده خواسته باشید و هر وقت که میل داشته باشید زنده میکنم باذن خدا .

و از این آیه معلوم میگردد که حضرت عیسی بسیار از مردهها را زنده کرده ، چنانکه از کتب اخبار و قصص انبیاء مستفاد می شود ، و در تفسیر عیاشی نقل کرده

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۴۰ و تفسیر قمی ج ۱ ص ۸۶ .

(۲) تفسیر صافی ص ۷ طبع تبریز .

(۳) آل عمران : ۴۹ .

که اصحاب حضرت عیسی از او سؤال نمودند که برای ایشان يك مرده زنده کند، پس آنها را آورد بقبر سام پسر حضرت نوح «ع» پس فرمود برخیز باذن خدا ای سام بن نوح ، پس قبرا و منشق شد بعد از آن کلام خود را اعاده نمود پس حرکت نمود سام و باز کلام را اعاده نمود ، پس بیرون شد سام از قبر پس حضرت عیسی باو فرمود : کدام يك از برای تو خوب است که بمانی و زندگانی نمائی یا آنکه برگردی بقبر خود ؟ عرض نمود : یاروح الله بلکه برمیگردم بدرستی که من میبایم سوزش مړك را در قلب خودم تا امروز ^(۱) تمام شد حدیث. پس این آیه شریفه و تفسیر مذکور دلیل واضح شد بر وقوع رجعت و برگشتن مرده ها بدنیا در این نشأت و بر امکان زنده شدن در دنیا و دفع نمود استبعاد رجعت را و انکار زنده شدن را .

(آیه پنجم) قوله سبحانه و تعالی «و تبریء الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

الموتی باذنی» ^(۲) یعنی بخاطر بیسور آن نعمت مراد آن روزیکه باذن من شفامیدادی کورمادرزادرا و شخص مبتلابرص را و آن روز که بیرون میکردی مرده ها را از قبرها و زنده مینمودی ایشان را باذن من .

پس این آیه شریفه دلالت تام دارد بر زنده شدن مرده ، بلکه لفظ « تخرج الموتی » دلیل واضح است بر اینکه شغل حضرت عیسی زنده کردن مرده ها بود زیرا که موتی جمع میت است ، « و تخرج » مضارع است و معنی مضارع تجدد و حدوث آن معنی است و شغل فاعل و متلبس بودن او بفعل است ، و این معنی در اصول فقه مبرهن است و حقیر توضیح و تفصیل آن را در کتب فقه خود بیان نموده مثل درة البیضاء و مسائل النجفیة و درة الغریبه و اثنا عشریه

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۷۴ .

(۲) المائده : ۱۱۰ .

هر که بیکی از آنها رجوع نماید .

و حاصل اینست که آیه شریفه دلیل واضح است بر اینکه حضرت عیسی «ع» بسیار وقت از اوقات مرده زنده میکرد و اکثر از آنها در دنیا میماندند و زندگانی میکردند و از آنها اولاد میشد و زن میگرفتند ، چنانکه در تفسیر عیاشی و در کافی از حضرت امام جعفر صادق «ع»^(۱) نقل شده که از آنحضرت سؤال نمودند که آیا زنده کرد حضرت عیسی کسی را که او بخورد و او مدتی بماند و از او اولاد بوده باشد؟ پس حضرت فرمود: بلی این واقع شده ، بدرستیکه حضرت عیسی یک صدیق و دوست داشت و بمنزل او میرفت و نزول میکرد و یک زمانی از او غائب شد و بعد از زمانی بمنزل او رفت تا باو سلام نماید مادر او بیرون شد و از او سؤال نمود، مادرش عرض نمود که او مرد ، عیسی فرمود آیا دوست می داری که او را دیده باشی؟ عرض کرد: بلی ، حضرت فرمود: فردا می آیم و او را زنده میکنم . پس فردا آمد و فرمود ب مادر او که بیا بامن برویم بسر قبر او ، و چون آمدند پس حضرت دعا کرد و او زنده شد و مادر او او را دید و گریه کرد، پس حضرت عیسی بر مادر او ترحم نمود و فرمود باو که: دوست میداری با مادرت زنده بمانی؟ پسر عرض کرد: یانبی الله باقی ماندن من با خورد و خوراک و روزی و مدت خواهد بود یا بدون خوردن و آشامیدن و مدت

(۱) در ارشاد گوید: بعد از حضرت امام محمد باقر علیه السلام حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام خلیفه و جانشین او گردید و وی در بین اولاد پدرش انبه و اجل و اعظم آنها و در علم و فضل یگانه عصر خود بود . مولد آنحضرت روز یکشنبه و بقولی دوشنبه ۱۷ ماه ربیع الاول در سال ۸۳ و بقول اصح هشتماد هجرت است و روز یکشنبه یادوشنبه ۲۵ شوال یا ۲۵ رجب سال ۱۴۸ بسن شصت و پنج یا ۶۸ از دنیا رحلت فرمودند . ارشاد ص ۲۷۰ جنات الخلود ص ۲۸.

خواهد شد. عیسی فرمود: بلکه میخوری و زندگانی می کنی و مدت بیست سال میمانی و زن میگیری و از برای تو اولاد میشود. پس عرض کرد: قبول میکنم باقی ماندن را پس او را داد بمادرش و او بیست سال زندگانی و عیش نمود و از او اولاد متولد گردید^(۱) تمام شد حدیث.

و از این قبیل احادیث بسیار است، چنانکه در حیاة القلوب و بحار نقل فرمودند، بلکه این نحو قضایا از برای پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله بسیار اتفاق افتاده، یکی از آنها آن حدیث است که در احتجاج از حضرت سید الشهداء نقل کرده و در کتاب توحید از حضرت امام رضا علیهما السلام منقول شده که اجتماع نمودند جماعت قریش در نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس عرض کردند که: مرده‌های ما را زنده کن. پس آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با ایشان فرستاد و فرمود بآنحضرت که: با اینها بروی بجبانه پس ندا کن بصوت بلند باسم ایشان که آنها را زنده میخوانند و بگو ای فلان و ای فلان و ای فلان محمد «ص» بشما میگوید که برخیزید باذن خدا. پس حضرت امیر المؤمنین چنان کرد پس ایشان زنده شدند و برخاستند در حالی که خاک از سر آنها میریخت، پس قریش آمدند و از مرده‌های خود احوال پرسیدند و بعد از گفتگوهای ایشان مرده‌ها خبر دادند بقریش که محمد پیغمبری مبعوث شده و گفتند آن مرده‌ها که ما آرزوی کنیم که کاش زمان او را درک میکردیم و باو ایمان می آوردیم. پس حضرت رضا «ع» فرمود که: هر آینه آنحضرت شفا داد کور مادرزاد را و شخص بیرص مبتلا شده را و دیوانه شدگان را و با آنحضرت حیوانات تکلم نمود و مرغها و جن و شیاطین با آنحضرت سخن گفت^(۲) تمام شد.

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۷۴ تفسیر برهان ج ۱ ص ۳۱۱.

(۲) توحید صدوق ص ۳۰۶ ط مصطفوی.

واحادیث در این مقام بسیار است و ذکر آنها باعث تطویل است ، و حاصل این آیات شریفه واضحه الدلاله است بروقوع رجعت در زمان سابقه وزنده شدن جمعی از مرده‌ها در قرون ماضیه ، واحادیث که در تفاسیر این آیات است دلالت آنها واضحت و برهان بودن آنها روشن تر است بروقوع رجعت ، و هر چیزیکه در حد نفس خود ممکن الوقوع باشد و بودن او محال نباشد انکار آن کار عاقل نیست بلکه انکار آن کاشف است از نبودن عقل و سفاقت و بلاغت صرفه و عدم شعور بالمره . و اگر بر چیز ممکن خبر دهد يك شخص صادق بلکه يك معصوم و خصوصاً خبر بدهد بوقوع آن خالق معصوم پس انکار آن کفر محض خواهد بود و زندقه صرف خواهد شد .

و این قاعده کلیه است در تمام اصول الدین و فروع آن ، پس در اینجا نیز چنین است زیرا که رجعت وزنده شدن مرده امر ممکن است و وقوع آن عقلاً محال نیست و مخبر صادق که پیغمبر و امام باشد بآن خبر دادند و خالق عصمت و معصوم نیز در قرآن در آیات سابقه بآن خبر داده و بروقوع آن اخبار فرموده . پس عقل بطور یقین میداند که آن صحیح است و موافق واقع است و منکر آن انکار ضروری می کند و آن هم کافر و مخلد در دوزخ است زیرا که اگر کسی منکر ضرورت و بدیهی عقل شود از زمره عقلا خارج و داخل در نوع حیوانات خواهد گشت و این کس قابلیت ندارد که با عقلا و دانایان داخل بهشت گردد بلکه باید او را بجای مناسب شأن او ببرند و او را در محل جهل جحیم و در محبس عناد جهنم حبس کنند تا با عدالت واقعیه درست باشد و با میزان واقعی موافق گردد .

اینست که منکر ضروری دین و انکار بدیهی عقل و یقین در جهنم مخلد و دائم خواهد شد و در دنیا کافر و در زمره سك و خوك نجس می گردد ، زیرا

که نجاست عبارت است از خباثت واقعی و کثافت معنوی و آن انکار ضروری و عناد با امر عقلی و یقینی است و عدم انقیاد به فرمایش صاحب شرع است ، و از این جهت است نجاست کفار زیرا که ایشان منکر نبوت هستند با آنکه نبوت پیغمبر ما از اقوای ضروریات و ابده بدیهیات است ، و چونکه آنها انکار نبوت نمودند و از مقتضای عقل و یقین خارج شدند صاحب شرع حکم فرمود نجاست ایشان در آیات و اخبار متواترات ، چنانکه این مطلب را با تفصیل در کتاب طریق صواب بیان کردیم و پرده را برداشتیم .

و علت نجاست منکر ضروری دین و انکار کننده عقل و یقین در نظر صاحب شرع اینست که این قسم اشخاص را و این نحو آدم را اهل دین بمیان خود راه ندهند و از آنها اجتناب نمایند و با آنها معاشرت و مباشرت نکنند و ایشان را مثل بول و سگ نجس بدانند تا آنکه اهل دین و عقل و یقین از شر و فساد آنها محفوظ باشند ، و تا آنها متدینین را و صاحبان عقل و یقین را ضایع و از دین بیرون نکنند و کسی نیز از اهل ایمان بآن اعتقاد نباشد . و ذکر تفصیل این مطلب در اینجا مناسب نیست و مقصود اشاره بود بآن فی الجمله .

و حاصل اینست که مسئله رجعت در شرع انور ضروری است و قرآن بر آن دلالت کرده و اخبار آل اطهار بآن ناطق شده با وجود آنکه خود رجعت ممکن است و در عقل محال نیست ، و وقتیکه قرآن بر آن ناطق گردید پس آن ضروری می شود ، و آیات داله بر رجعت واقعه در امام سابقه زیاد بود و لکن ما اکتفاء نمودیم بر همین پنج آیه مذکوره زیرا که در آنچه ذکر شد کفایت است از برای اهل بصیرت ، و قضیه زنده شدن مرغها در دست حضرت ابراهیم از این قبیل است ، و زنده شدن اصحاب کهف را بعد از سیصد و نه سال مرحوم صدوق بر رجعت حمل کرده و بزنده شدن آنها بعد از مردن قائل شده و از علماء

عامه نقل فرموده که ایشان گفتند نزول عیسی در آخر الزمان و نماز کردن او با مهدی صاحب الزمان رجعت او است .

وما بعد از آیات سابقه احتیاج باین فرمایش نداریم پس وقتیکه مقدمه واضح گردید و رجعت فی الجمله و لودرامم سابقه ثابت شد ، پس معلوم میشود وقوع آن در این امت بدون شبهه زیرا که بدلیل واضح معلوم شد که زنده شدن محال نیست و رجعت ممکن است ، و چیزیکه ممکن شد وقوع آن اشکال ندارد و وقتیکه مخبر صادق مثل پیغمبر ما خبر داد بر وقوع آن پس یقین کامل برای شخص عاقل حاصل می شود بوقوع رجعت و زنده شدن بعد از مردن در این امت نیز .

اما خبر دادن حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوقوع آن و غیر آن در این امت پس آن حدیث متواتر است در میان عامه و خاصه که احدی در صدور آن شبهه نکرده از اهل اسلام و آن حدیث اینست که فرمود: می باشد در این امت مثل آنچه در امام سابقه واقع شده است مانند موافقت دوتای نعل و پره های تیر بایکدیگر . تمام شد .

پس از این حدیث معلوم می شود رجعت در این امت از محتومات است و لابد است از وقوع آن .

آیات رجعت

(حضرات ائمه معصومین علیهم السلام)

والحاصل مقدمه معلوم شد شروع نمائیم باصل مقصود و آن بیان آیات است که تفسیر شده بظهور حضرت مهدی قائم و رجعت ائمه طاهرین «ع» و اثبات این مطلب ، پس می گویم بعون الله تعالی و ببرکت ائمه هدی .
(آیه اول) در جزو ثانی از سوره بقره قوله تعالی «اینما تكونوا آیات بکم الله جمیعاً»^(۱) یعنی در هر جا بوده باشید خداوند عالمیان تمامی شما را می آورد و حاضر می کند .

در تفسیر صافی فرموده که : در اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام وارد شده که مراد از این آیه وافی هدایه اصحاب حضرت مهدی قائم حجة بن الحسن است در آخر الزمان^(۲) یعنی خدای قادر اصحاب آنحضرت را در یک زمان اندک همه ایشان را بحضور آنحضرت حاضر می کند .

و در تفسیر عیاشی و مجمع البیان در تفسیر این آیه از امام رضا علیه السلام

(۱) البقرة : ۱۴۸ .

(۲) الصافی ص ۵۰ .

نقل کرده که آن حضرت فرمودند: و هر گاه قائم شود و ظاهر گردد قائم ما اهل بیت پس البته جمع میکند خداوند عالم تمامی شیعیان ما را و حاضر می گرداند آنها را از جمیع شهرها و بلادها بخدمت آن حضرت و همه در حضور او میباشند^(۱).
 و در تفسیر عیاشی و کتاب کمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده اند که فرمود: بتحقیق نازل شده این آیه در اصحاب حضرت قائم حجة ابن الحسن «ع»، و بدرستی که اصحاب آن حضرت مفقود می شوند شب از فراش خود پس صبح می کنند در مکه و بعضی از ایشان در روز سیر می کنند در میان ابروما می شناسیم نام او را و نام پدر او را و نسب او را^(۲) تمام شد حدیث.

پس این احادیث دلالت واضحه نمود بر اینکه این آیه شریفه در خصوص اصحاب آن حضرت نازل شده، و مقصود خداوند از جمع شدن مردم جمع شدن در خدمت او است، و خدایتعالی بقدرت خود اصحاب آن بزرگوار را بدور او جمع می کند بدون زحمت بایشان بلکه همه آنها یابطنی الارض و یابابری می آیند بخدمت او.

(آیه دوم) در جزو ثانی از سوره بقره قوله سبحانه و تعالی «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابین»^(۳)
 یعنی البته اختبار و امتحان می کنیم شما را بچیزی از ترس و گرسنگی و ناقص شدن مالهای شما و نقصان نفس شما و کمی ثمرهای زراعت و اشجار شما تا از برای خود شما معلوم گردد که کدام یکی از شما از امتحان سالم بیرون میشود و بشارت بده در این وقت صبر کنندگان را. این حاصل ترجمه آیه بود.

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۶۶ مجمع البیان ج ۱ ص ۲۳۱.

(۲) عیاشی ج ۱ ص ۶۷.

(۳) البقره: ۱۵۵.

ودرا کمال الدین مرحوم صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در تفسیر این آیه شریفه که آن حضرت فرمود که : این علامات قبل از ظهور حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله واقع می شود ، و اینها از جانب خداوند بر مؤمنین وارد میگردد .

و فرمود : بچیزی از خوف و ترس از پادشاهان بنی امیه در آخر سلطنت آنها و گرسنگی بسبب گرانی نرخها در میان مردم و نقصانی مالهای مردم بفساد تجارت و کمی منفعت و نقصان در نفس مردم بمرک زرد و بمردن فاحش و کمی ثمرات و میوه ها بسبب قلت حاصل و کمی دخل زراعتها و بشارت بدهید بر صبر کنندگان در این وقت که همه اینها بوقوع رسید بتعجیل ظهور قائم آل محمد «ص» . پس بعد از این فرمود که : این تأویل آیه هست و تأویل آن را نمی داند مگر خدا و آنکسانیکه راسخ در علمند ^(۱) تمام شد حدیث .

ولکن این حدیث محتاج بیان است در چند فقره آن :

اول- فرمایش آن حضرت که فرمود ترس از پادشاهان بنی امیه و ظاهر امراد از ایشان بنی فلان باشد زیرا که ایشان از نسل بنی امیه هستند همچنانکه این را مورخ فرانسوی تفصیلاً نوشته و جناب مؤید الاسلام در جریده خود که در اول محرم سال هزار و سیصد و بیست و هشت نوشته از او نقل نمود هر که خواهد بآن جریده رجوع کند .

دوم- فرمایش آن حضرت که مردم بمرک زرد و موت فاش مرده میشوند که معنای موت ذریع ^(۲) روایت است ظاهراً مراد از این مرک و بائی باشد و یا مرک پی در پی باشد که بسیار مردم در اندک زمانی تلف می شودند یا بجنک و یا

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۶۴۹ .

(۲) ذریع مانند دروزن و معنی .

بغیر جنگ و مقصود زیاد شدن مرده‌ها است از متعارف .

سیم - فرمایش آن حضرت که این تأویل آیه است ، و مراد از این تأویل آخر تفسیر است که فرمود « بشر الصابرين بتعجيل ظهور القائم » یعنی متصل شدن بتعجيل ظهور القائم تأویل است نه تفسیر ، و این را غیر خداوند و راسخین کسی نمیداند . و حاصل اینست که این حدیث صحیح وارد در تفسیر آیه در مقام بیان بودن آیه هست در تعداد علامات ظهور حضرت قائم پس آیه مع تفسیر دلیل واضح است در بیان علامات ظهور آن حضرت و در خبر دادن از لابديه ظهور آنجناب .

(آیه سیم) در جزو دوم از سورة بقره قوله تعالى « وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ویكون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین » ^(۱) یعنی بکشید کفار را تا فتنه نباشد در زمین و شرک برداشته شود و بوده باشد دین خالص از برای خداوند پس اگر برگشتند و قبول اوامر و اطاعت خداوند نمودند پس عدوان نیست مگر بر ظالمان ، یعنی بعد از توبه از کفار دست برداشته می شود و از ظالمان برداشته نمی شود و ظالمان را می کشند و برایشان تعدی می شود . این حاصل ترجمه آیه .

و در اخبار معتبره وارد شده که مراد از ظالمان در این آیه اولاد قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام و بدست مبارک امام عصر عجل الله فرجه برایشان تعدی که جزاء اعمال و اعتقاد ایشان است خواهد شد و آنها را حضرت قائم می کشد ، چنانکه صدوق اعلی الله مقامه در علل الشرایع از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که از آن حضرت پرسیدند که چه میفرمائید در حدیثی که از حضرت صادق « ع » نقل شده که فرمودند : و تفتیکه قائم ما اهل بیت

ظاهر می شود می کشد اولاد قاتلان حضرت امام حسین را بسبب افعال و کردار پدران آنها . حضرت رضا فرمودند : حدیث صحیح است . پس عرض کردند : خداوند عالم می فرماید «ولاتزروا ذرّة و ذرّة و ذرّة اخرى»^(۱) یعنی کسی وزر و گناه و وبال کسی دیگر را برنمیدارد . حضرت فرمود : راست فرموده خداوند در جمیع اقوالش و فرمایشاتش ، و لکن اولاد قاتلان حضرت امام حسین «ع» راضی می شدند بکرده های پدران خود و فخر می کردند بآن کردار ایشان ، و هر کسیکه راضی باشد بچیزی می شود مثل آنکس که آن را نموده و هرگاه يك کسی کشته شود در مشرق پس راضی شود بمردن او در مغرب کسی پس در آینه می شود راضی بقتل او شريك آن قاتل در نزد خداوند عالم ، پس بدرستی که می کشد حضرت قائم آل محمد «ص» در وقت ظهورش اولاد قاتلان سید الشهداء را بسبب راضی بودن ایشان بکرده های پدران خود^(۲) .

و روایت نموده در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» در تفسیر «فلا عدوان الا علی الظالمین»^(۳) که فرمود : عدوان و تعدی نیست مگر بر اولاد قتله حضرت امام حسین یعنی در دست مبارك حضرت قائم در زمان ظهورش . و باز هم عیاشی در روایت دیگر نقل نموده از امام علیه السلام که خداوند قهار تعدی نمی فرماید و مجازات سخت نمی کند مگر بر اولاد قتله سید الشهداء^(۴) یعنی در وقت قیام حضرت قائم آل محمد «ص» . تمام شد حدیث .
پس از این احادیث معتبره معلوم شد که این آیه شریفه در دست حضرت

(۱) فاطر : ۱۸ .

(۲) علل الشرایع ج ۱ ص ۲۲۹ .

(۳) البقرة : ۱۹۳ .

(۴) عیاشی ج ۱ ص ۸۶ .

حجت عجل الله فرجه جاری خواهد شد و عدوان بر ظالمان در زمان ظهور آن حضرت واقع می شود و فتنه در وقت آن بزرگوار رفع شود و دین خالص از برای خداوند در آن زمان می گردد ، و واضح گردید که تفسیر این آیه یا تأویل آن در دست آنجناب ظاهر خواهد شد و آنچه ما ذکر نمودیم از این احادیث واضح است و محتاج بتأمل و تفکر نیست پس این آیه نیز در شان امام عصر حجة بن الحسن علیه السلام است .

(آیه چهارم) در جزو دوم از سوره بقره قوله سبحانه و تعالی «هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة وقضى الامر»^(۱) یعنی آیا نظر می کنند این قوم و منتظر می شوند این را که بیاید برایشان خداوند عالم در سایه هائی از ابر و بیاید ملائکه بر آنها و اگر ملائکه بیاید امر تمام می شود و مهلت به آنها داده نمی شود .

این ترجمه ظاهر آیه و در قرائت اهل بیت علیهم السلام آیه نحو دیگر است ، زیرا که حضرت امام رضا «ع» این نحو قرائت نموده «الا ان ياتيهم الله بالملائكة في ظلل من الغمام» چنانکه در تحفة الاخيار که در قرائت الائمة الابرار است این را نقل نمودم .

بهر تقدیر از تفسیر این آیه معلوم می شود که این آیه مبارکه در خصوص حضرت قائم آل محمد «ص» نازل شده و مراد از ملائکه که نازل می شود اعوان و انصار آن حضرت است که از آسمان بنصرت آنجناب می آیند ، چنانکه عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت کرده که آن حضرت فرمود : گویا بدرستی که من نگاه میکنم بقائم اهل بیت بتحقیق استعلا کرده بر نجف اشرف شما پس وقتیکه بر نجف شما آمد نشر می کند علم

حضرت پیغمبر را پس وقتیکه نشر نمود رایت آن حضرت را نازل می شود
بر حضرت قائم ملائکه بدر^(۱).

و حضرت باقر «ع» فرمود که: امام عصر عجل الله فرجه نازل میگردد در
قبه هائی از نور در وقتیکه نازل شود به پشت کوفه که نجف باشد و وارد میشود
در آنجا بفاروق که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است پس این در وقت
نزولش می شود، و اما «قضی الامر» پس مراد از آن داغ گذاشتن است بر خرطوم
کفار در روزیکه کافران را داغ میگذارند^(۲). تمام شد حدیث.

و ایضاً عیاشی از امام محمد باقر «ع» روایت کرده در تفسیر این آیه شریفه
که فرمود: نازل می شود حضرت قائم «ع» در هفت قبه از نور و معلوم نمی شود
که در کدام یکی است در وقت نزول آن حضرت در پشت کوفه پس این در
وقت نزولش می شود^(۳). تمام شد.

پس از این دو حدیث معلوم شد که مراد از آیه آن حضرت است و مقصود
آمدن آنجناب است، و این بنا بر قرائت ائمه که ذکر شد موافق است، زیرا که
ترجمه آن اینست مگر آنکه بیاورد خداوند برایشان ملائکه را در ظلها و پرده های
ابریعی منتظر آن روز هستند که خداوند ملائکه را در سایبانهای ابر برایشان می آورد.
و این معنی موافق همان دو حدیث سابق است، پس قرائت ائمه با تفسیر
آیه مطابق شد زیرا که در تفسیر فرمود که حضرت حجت عصر «ع» در قبه های
نور که عبارت باشد از سایبانهای ابر نازل می شود و باو ملائکه هم میشود،
و از همین جهت معلوم نشود که در کدام یکی است و در آیه نیز می فرماید که

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۰۳.

(۲) عیاشی ج ۱ ص ۱۰۳.

(۳) عیاشی ج ۱ ص ۱۰۳.

خداوند ملائکه را برایشان می‌آورد و حاصل این همان است . پس معلوم شد که این آیه در شأن آن حضرت نازل گردیده .

(آیه پنجم) در سوره آل عمران در جزو سیم قوله تعالی « وَاِذَا خَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ »^۱ یعنی آن وقتیکه خداوند عالم از پیغمبران عهد گرفت هر آینه آنچه بشما دادم و عطا نمودم از کتاب و حکمت و بعد از آن بیاید بشما پیغمبر که شما و آنچه چیز را که شما دارید و با شما است تصدیق نماید البته در این وقت بآن پیغمبر ایمان بیاورید و براو یاری کنید .

و در احادیث معتبره وارد شده که این آیه در رجعت واقع می‌شود و یاری و نصرت پیغمبران بر پیغمبر ما و وصی او در رجعت خواهد بود چنانکه در تفسیر قمی و عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کردند که فرمود : خداوند مبعوث نفرموده پیغمبر را از پیغمبران از زمان حضرت آدم تا حضرت نبی خاتم مگر آنکه از ایشان عهد گرفته که رجوع نمایند بدنیا و نصرت و یاری کنند امیر المؤمنین «ع» را ، و اینست معنی قوله تعالی «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» یعنی ایمان بیاورید بر رسول الله صلی الله علیه و آله و یاری کنید با امیر المؤمنین^۲ تمام شد .

و در بصائر الدرجات از حضرت صادق «ع» روایت کرده است که فرمود :

یعنی ایمان بر رسول خدا خواهند آورد و حضرت امیر «ع» را یاری خواهند کرد در رجعت . پس فرمود بخدا سوگند که هر پیغمبری که خدا مبعوث گردانیده است از آدم و هر که بعد از او است جمیع ایشان را بر میگرداند بدنیا تا قتال و جهاد کنند در پیش روی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام^۳ .

۱) آل عمران : ۸۱ .

۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۰۶ تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۱ .

۳) حضرت علی بن ابیطالب سلام الله علیه ابو الحسن و ابو تراب کنیه

در کتاب منتخب البصائر از کتاب واحده از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت کرده است که حضرت امیر «ع» فرمود تا آنجا که میگوید: و چون ارواح پیغمبران را خلق کرد عهد و پیمان از ایشان گرفت که بما ایمان آورند و ما را یاری کنند، پس حضرت این آیه را خواند و فرمود: یعنی ایمان بیاورید به محمد «ص» و یاری کنید وصی او را و همه پیغمبران یاری خواهند کرد، و بدرستی که حق تعالی گرفت پیمان مرا و پیمان محمدا که یاری یکدیگر بکنیم و بتحقیق که من یاری کردم محمدا و جهاد کردم در پیش روی او و کشتم دشمنان

داشت مفتخر به دامادی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شوهر سیده نساء عالمین و پدر سیدان جوانان اهل بهشت و خانه زاد خدا که این افتخار از خواص آن حضرت می باشد زیرا کسی قبل از او و بعد از او باین افتخار بزرگ نائل نگشته و نخواهد گشت حتی موقع زائیدن مریم عیسی روح الله علی نبینا و آله و علیه السلام را امر بخروج از بیت المقدس شد.

والده ماجده آنجناب فاطمه بنت اسد بن هاشم است و آنحضرت اول کسی است که ازدو هاشمی متولد شده و فاطمه بنت اسد مانند شوهرش حضرت ابوطالب به اسلام و پیغمبر اسلام خدمات بیشمار کرده.

خواص آن حضرت را احدی قادر بنوشتن و گفتن نیست، چطور امکان دارد در حالیکه پیغمبر خدا فرمود: یا علی خدا را غیر از من و تو کسی نشناخت و من را غیر از خدا و تو کسی نشناخت و تو را غیر از خدا و من احدی نشناخت روز جمعه ۱۳ ماه رجب سال ۳۰ پس از عام الفیل در کعبه «خانه خدا» متولد ۱۹ ماه رمضان المبارک در مسجد کوفه «خانه خدا» بادست شقی ترین اولین و آخرین ابن ملجم مضروب و در ۲۱ ماه مذکور در اثر همان ضربت بشهادت رسیدند.

اورا و وفا نمودم از برای خدا بآنچه گرفته است از من از میثاق و پیمان دریاری محمد، و هنوز یاری من نکرده اند احدی از پیغمبران و رسولان خدا و بعد از این در رجعت یاری من خواهند نمود و مابین مغرب و مشرق زمین از من خواهد بود همه، و البته خداهم را مبعوث خواهد کرد از آدم تا خاتم هر پیغمبری و رسولی که بوده باشد و در پیش روی من شمشیر خواهند زد بر سر زنده ها و مرده ها که زنده شده باشند از جن و انس و چه بسیار عجب است و چگونه تعجب نکنم از مرده هایی که خدا ایشان را زنده کند و گروه گروه از قبرها بیرون آیند لبیک گویند و صدابلند کنند که «لبیک لبیک یاد اعی الله» و در میان بازارهای کوفه روند و شمشیرهای برهنه بردوشهای خود گذاشته باشند و بر سر کافران و جباران و اتباع آنها زنند از جباران اولین و آخرین تا آنکه حقتعالی وفا کند بوعده که فرموده برایشان در قرآن که «وعد الله الذین آمنوا»^(۱) تا آخر آیه . تا آنکه فرمود : بدرستی که مرا بر گشتنی بعد از برگشتن و رجعتی از بعد رجعتی خواهد بود و منم صاحب رجعتها و برگشتنیها و صاحب حکمها و انتقام کشیدن آنها و دولتهای عجب و منم مانند شاخی از آهن و منم بنده خدا و برادر رسول خدا و من امین خدا و خازن علم خدا و صندوق سر خدا و حجاب خدا و وجه خدا^(۲) تا آخر حدیث که طولانی است .

پس این خبر شریف دلالت و اوضحه نمود بر اینکه این آیه شریفه در خصوص رجعت حضرت امیر المؤمنین «ع» است، و همچنین آن دو حدیث سابق که هر دو دلالت صریحه دارد در رجعت آن حضرت، و معلوم است که رجعت آن حضرت در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» خواهد شد، و در این

(۱) النور : ۵۵ .

(۲) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۳ و ج ۱ ص ۱۸۲ .

سه حدیث هر چندیکه از ظهور قائم اسم نبرده است ولکن از قراین و امارات معلوم است که رجعت ائمه بعد از ظهور آنجناب واقع خواهد شد .

و ختم کنیم این آیه را بذکر دو حدیث :

اول آنها - در مجمع البیان از امیر المؤمنین «ع» نقل کرده که : بدرستی که خداوند عالم پیمان گرفت از پیغمبران قبل از پیغمبر ما بر اینکه خبر بدهند و اخبار کنند بر امتهای خود ایشان بر مبعوث شدن او و بر تعریف و توصیف او و بشارت بدهند بر امتهای بآمدن او و مأمور شوند بتصدیق او ^(۱) .

دوم - باز هم از آن حضرت روایت نموده که فرمود : خداوند مبعوث نفرموده و ارسال نکرده هیچ پیغمبری را آدم باشد یا بعد از آدم مگر آنکه پیمان و عهد گرفته از آن بر اینکه هر گاه مبعوث فرمود خداوند حضرت محمد «ص» را و او زنده باشد البته باو ایمان بیاورد و بر او نصرت و یاری کند و امر فرموده خداوند بر این که آن پیغمبران پیمان بگیرند بر این امر از قوم خود و امت خودشان ^(۲) .

پس از این دو حدیث شریف معلوم شد که احدی از پیغمبران نیامده مگر آنکه برای اظهار شأن و نبوت و خاتمیت و افضلیت پیغمبر ما و بیان ولایت و امامت اوصیای او واجب کردن و ختم نمودن اطاعت و انقیاد ایشان را بر امتان خودشان، و حدیث دوم صریح است در واجب بودن حضرت و یاری پیغمبران و امتان ایشان بر آن حضرت .

پس از ۵۴ حدیث معتبره گذشته خصوصاً حدیثیکه از کتاب واحده نقل شده معلوم گردید که این آیه شریفه در خصوص رجعت ائمه علیهم السلام نازل

(۱) مجمع البیان ج ۱ ص ۴۶۸ .

(۲) مجمع البیان ج ۱ ص ۴۶۸ .

شده و در قرائت اهل بیت این آیه را بنحود دیگر قرائت فرموده اند چنانکه در تحفة الاخیار نوشته ام .

(آیه ششم) در جزو سیم از سوره آل عمران قوله تعالی «افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً و کرها»^(۱) یعنی آیا طلب می کنند غیر دین خدا را و حال آنکه برخدا و دین او سلم شده و گردن نهاده آنکس که در آسمانها و آنکس که در زمین است یا بر غبت و بطور دلخواهی و یا با اکراه و بطریق اجباری .

و در احادیث وارد شده که مضمون این آیه در زمان ظهور حضرت قائم خواهد شد ، و سلم شدن جمیع مردم طوعاً و کرها در وقت آنحضرت میشود و در زمان سلطنت آنجناب واقع میگردد ، چنانکه در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرموده این آیه شریفه نازل شده در خصوص حضرت قائم آل محمد^(۲) .

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل کرده که آنحضرت این آیه را تلاوت فرمود و بعد از آن فرمایش کردند که : زمانیکه قائم ما اهل بیت ظاهر شود نماوند يك قطعه از زمین مگر آنکه نداء میشود در آن بر شهداتین شهادت بر توحید و شهادت بر رسالت^(۳) .

و در مجمع البیان از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود: معنای این آیه اینست که مجبور میشوند اقوام و طوایف مردم بر اسلام و می آیند

(۱) آل عمران : ۸۳ .

(۲) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳ .

(۳) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳ .

قومهای متعدد باطوع و رغبت و جمعی با اکراه و از ترس شمشیر^(۱) .
 و در تفسیر صافی فرموده : یعنی در زمان حضرت قسائم آل محمد^(۲) پس
 از این احادیث معلوم شد که این آیه در شأن آنحضرت و در بیان وقت ظهور
 آن بزرگوار و بیان حالات آنجناب نازل شده است و این واضح است .
 (آیه هفتم) در جزو چهارم از سوره آل عمران قوله تعالی «ومن دخله
 کان آمناً»^(۳) یعنی هر کس که داخل شود بران او مأمون میشود و در امان و امن
 می گردد .

و در تفسیر وارد شده که مراد از امان و مأمون بودن در زمان حضرت قائم
 است ، چنانکه صدوق اعلی الله مقامه در علل الشرایع از حضرت صادق «ع»
 روایت کرده که آنحضرت بابوحنیفه فرمودند : خبر بده بمن از این آیه «ومن
 دخله کان آمناً» کدام زمین است این ؟ ابوحنیفه گفت : این کعبه است . حضرت
 فرمود : آیا میدانی که حجاج بن یوسف در وقتیکه منجنیق گذاشت بعدالله بن
 زبیر در کعبه پس او را کشت آیا او در امن و امان بود؟ پس ابوحنیفه ساکت شد
 و سخن نگفت ، پس از آنحضرت پرسیدند از جواب این و تفسیر این آیه پس
 فرمود : هر که بیعت بر قائم ما اهل بیت نماید و داخل شود در اصحاب او
 و مسح کند دست او را پس او در امان است^(۴) تمام شد .

پس واضح گردید که این آیه در شأن آنحضرت و در بیان زمان ظهور آن
 بزرگوار است ، و این حدیث منافات ندارد با احادیث معتبره بسیار که در بیان

(۱) مجمع البیان ج ۱ ص ۴۷۰ .

(۲) الصافی ص ۸۷ .

(۳) آل عمران : ۹۷ .

(۴) علل الشرایع ج ۱ ص ۹۰ .

معنی آیه وارد شده که مراد امنیت در حرم مکه و امان در اوست و حرام است که کسی را از حرم خدا بیرون برند هر چندیکه در خارج حرم آدم کشته باشد بعلت اینکه این حدیثها در معنای ظاهر آیه است و حدیث اول در تأویل آیه است ، و با آنکه اینها در تنزیل آیه است و آن در تأویل آیه شریفه و ابدأ در میان اینها منافات و تعارض نیست زیرا که از برای قرآن معنای بسیار و بطنهای بی شمار است چنانکه در اخبار وارد شده ، پس منافات در بین تفسیر و تأویل نیست و همچنین است در آیات سابقه و آیات که بعد ذکر میگردد .

(آیه هشتم) در جزو چهارم از سورة آل عمران قوله تعالی «یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین»^(۱) یعنی مدد و اعانت می کند بر شما خدا به پنج هزار از ملائکه که علامت شده بودند بر عمامهها .

و این آیه در جنگ بدر نازل شده و خداوند در آن جنگ بر مؤمنین نصرت کرد و ملائکه را بیاری ایشان فرستاد و تنزیل این در جنگ بدر است و تأویل آن در امام عصر و صاحب الامر «ع» است چنانکه عیاشی از امام محمد باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آنحضرت فرمود : بدرستیکه ملائکه که نصرت و یاری نمودند بحضرت پیغمبر «ص» در روز بدر بر آسمان صعود و عروج نکرده اند و نخواهند نمود تا آنکه یاری کنند حضرت صاحب الامر و آنها انتظار ظهور آن حضرت را دارند و ایشان پنج هزارند^(۲) .

پس این حدیث شریف دلالت نمود بر اینکه این آیه تأویل بآن حضرت شده و مراد او است و منافات در بین تأویل و تنزیل ندارد چنانکه ذکر شد و در جای خود معلوم گردیده .

(۱) آل عمران : ۱۲۵ .

(۲) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۹۷ .

(آیه نهم) در جزو پنجم از سوره نساء قوله سبحانه وتعالى «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم»^(۱) یعنی ای آنکسانی که ایمان آورده‌اید بخداوند عالم ویرسول و پیغمبر او اطاعت و انقیاد کنید بفرمایشات خداوند و بفرموده پیغمبر او و باو امر و فرموده های صاحبان امر که از شما هستند .

پس این آیه شریفه چنانکه اطاعت خداوند را و انقیاد پیغمبر را واجب نمود همچنین اطاعت و انقیاد صاحبان امر را نیز واجب گردانید بدون شبهه و من غیر ریه ، و مراد از صاحبان امر در این آیه وافی هدایه ائمه و اهل بیت علیهم السلام هستند بالضرورة و باخبار واضح و باحادیث صحیحه از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت قائم آل محمد «ص» ، چنانکه در کتاب اکمال الدین از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده که فرمود : وقتیکه این آیه نازل شد به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض نمودم : یا رسول الله ما شناختیم خداوند و پیغمبر او را پس اولی الامر کیانند و صاحبان امر کیستند که خداوند اطاعت ایشان را باطاعت واجبۀ تو مقارن و در یک آیه ذکر فرموده؟ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای جابر ایشان خلیفه های منند و ایشان امامان مسلمانان بعد از من هستند، و اول ایشان حضرت امیرالمؤمنین «ع» و بعد از او حضرت امام حسن و بعد از او حضرت امام حسین و بعد از او حضرت علی بن الحسین و بعد از او حضرت محمد بن علی که در توریة معروف است بیاقر و تو او را درک میکنی ای جابر، پس وقتیکه بخدمت اورسیدی پس سلام مرا باوبرساند و بعد از او حضرت امام صادق جعفر بن محمد و بعد از او حضرت موسی بن جعفر و بعد از او حضرت علی بن موسی و بعد از او حضرت محمد بن علی^(۲)

(۱) النساء : ۵۹ .

(۲) حضرت ابو جعفر محمد بن علی الجواد او را ابو جعفر الثانی میگفتند

وبعد از او علی بن محمد^(۱) وبعد از او حضرت حسن بن علی وبعد از او همنام زیرا حضرت امام محمد باقر سلام الله علیه ابو جعفر الاول بود در کودکی به امامت رسید (وعیسی علی نبینا وآله وعلیه السلام در مهدبه رسالت نائل گشت) خداوند هر چه را که اراده کرد می‌شود.

اسم مادر آنجناب سبیکه وبقولی خیزران بود. وگویند نسب باهل بیت ماریه قبطیه مادر ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌رساند وزنی بود در فضل یکانه عصر خود، ۸ ساله بود که پدر بزرگوارش بزهر جفا شهید شد در کودکی بابزرگان علماء ادیان در پیش مأمون خلیفه وقت مباحثاتی نمود و همه را مغلوب کرد.

فضائل و مناقب آن حضرت بیشمار در بیست و پنج سالگی بدست زوجه خود ام الفضل دختر مأمون بازهر شهید شد. در شب جمعه ۱۹ ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ متولد و در آخر ذی قعدة یا ششم ذی حجة سال ۲۲۰ هجری رحلت فرمودند.

سفینة البحار ج ۱ ص ۳۱۰، اثبات الوصیه ص ۱۶۳، کفایة الطالب ص ۴۵۸
 (۱) حضرت علی بن محمد النقی الهادی امام دهم ابو الحسن، کنیه آن حضرت بود هادی و ناصح و متوکل و متقی از جمله القاب شریفه آنجناب میباشد پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت جواد سلام الله علیه در سن ۱۲ سالگی به امامت رسید از آنحضرت مانند آباء امجادش مناقب و فضائل زیاد است که در کتب مفصّله ذکر شده است.

ما فقط برای تیمن و تبرک خواستیم اسامی ائمه معصومین را ذکر بنمائیم تا بلکه در روزی که «لاینفع مال ولا بنون» نه مال و ثروت و نه اولاد به فریاد انسان نمیرسند، متمسکی و حاجتی و بهانه‌ای در دست مابوده باشد.

من محمد و مکنی بحجة الله فی ارضه ، و باقی مانده خداوند در میان بندگان خود
 پس حضرت امام حسن عسکری، این همان کس است که خداوند قادر بدست
 او فتح میکند تمام روی زمین را از مشرق تا بمغرب و این همان کس است که
 غائب می شود از شیعه های خود و دوستان خودش يك غائب شدنی که ثابت
 نماند در آن غائب شدن او در امامت او مگر آنکسانیکه خداوند قلب آنها را
 بایمان امتحان کرده باشد .

جابر گوید : عرض نمودم بخدمت حضرت رسول خدا پس آیا از برای
 شیعه او انتفاع حاصل می شود از آن حضرت در زمان غائب بودن او ؟ پس
 فرمود: بلی قسم بآن خدائی که مرا بنبوت مبعوث فرموده بدرستی که شیعه های
 او روشنائی میابند بنور مبارک او و منتفع می شوند بولایت او در زمان غائب
 بودن او مثل منتفع شدن مردم بآفتاب که در زیر ابر بوده باشد ، ای جابر این
 از مکنون سر خدا و از مخزون علم خدا است پس این را مخفی بدار از غیر اهل آن^(۱) .
 و در تفسیر صافی بعد از نقل این حدیث فرموده که اخبار در این معنی
 در کتب متداوله معتبره از جهت بسیاری بحد و حصر نمی آید^(۲) تمام شد .

پس معلوم گردید که مراد از اولی الامر در این آیه حضرت قائم آل محمد با
 پدران خودش است و مراد خداوند چنانکه حضرت امیر و حسنین از آیه است

آنحضرت در روز پنجم ماه رجب یا سوم ماه مذکور و بقولی روز جمعه
 دوم رجب و بقول شهید در دروس نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ متولد و روز دوشنبه
 ۲۵ جمادی الاخری سال ۲۵۴ هجری در چهل سالگی رحلت فرمودند .

الفصول المهمة ص ۲۸۳ ، سفینه البحار ج ۱ ص ۲۳۹ .

(۱) تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۳۴ .

(۲) تفسیر الصافی ص ۱۱۳ ط تبریز .

همچنین است حضرت قائم و معلوم است که صاحب امر بودن آنحضرت بعد از ظهورش خواهد شد لا غیر .

(آیهٔ دهم) در جزو پنجم از سوره نساء قوله تعالى «الم تر الی الذین قبیل لهم کفوا ایدیکم قالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب» (۱) یعنی آیا نگاه نمیکنی بسوی آنکسانیکه گفته شد بایشان که نگاهدارید دست خود را از جنگ تا آنکه گفتند خدایا چرا واجب نوشته برای ما جنگ را و چرا ما را مؤخر نگردانیدی تا بوقت نزدیک .

و مراد از «اجل قریب» وقت ظهور حضرت قائم است در این آیه ، چنانکه در اصول کافی و در تفسیر عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت امام محمد باقر روایت کرده اند که فرمود : مراد از «کفوا ایدیکم» کف ید است با حضرت امام حسن ، و مراد از «کتب علیهم القتال» وجوب جهاد است با حضرت امام حسین ، و مراد از «الی اجل قریب» تأخیر است تا زمان ظهور حضرت قائم آل محمد پس بدرستی که باو است ظفر و مؤمنین در آن وقت غالب می شوند بردشمنان^(۲) تمام شد .

پس از این حدیث معلوم شد که این آیه در شأن آنحضرت است و مراد از تفسیر آن یا از تأویل آن آنجناب است و ظفر با او خواهد شد .

(آیهٔ یازدهم) در جزو ششم از سورهٔ نساء قوله تعالى «وان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته»^(۳) یعنی نیست احدی از اهل کتاب مگر آنکه او ایمان میآورد باو قبل از مردن او .

(۱) النساء : ۷۷ .

(۲) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۵۸ .

(۳) النساء : ۱۵۹ .

و در اخبار وارد شده که ایمان اهل کتاب در زمان ظهور حضرت قائم خواهد کردید ، و هر چندیکه تنزیل این آیه در خصوص اولاد و ذریه حضرت فاطمه علیها السلام است چنانکه عیاشی در تفسیر این از حضرت صادق «ع» روایت کرده که از آنحضرت پرسیدند از این آیه شریفه پس فرمودند که: آیه شریفه در شأن ما نازل شده خاصه بدرستیکه احدی نیست از اولاد حضرت فاطمه «ع» و نمیرد و از دنیا خارج نمی شود مگر آنکه اقرار میکند بر امامت ما اهل بیت همچنانکه اقرار نمودند اولاد حضرت یعقوب بر حضرت یوسف^(۱) تمام شد .

پس بنا بر تنزیل آیه مراد از اهل کتاب اولاد فاطمه است و مراد از «به» امام است ، و مراد از ضمیر «موته» باز هم اولاد فاطمه است . و اما تأویل این آیه بیان حالات زمان ظهور آنحضرت است ، چنانکه در تفسیر قمی از شهر بن حوشب نقل کرده که گفت مرا حجاج بن یوسف وقتی گفت یا شهر بک آیه ای در کتاب خدا است از فهم آن من عاجز شده ام پس من گفتم آن کدام آیه است ای امیر گفت آیه «وان من اهل الکتاب» زیرا که من امر میکنم گردن یهود و نصرانی را میزنند و ابداً لب آنها حرکت نمیکند و ایمان نمیآورند تا آنکه مرده میشود . گفتم : خداوند امیر را اصلاح کند این نحو نیست که تو تأویل نمودی . گفت : تأویل آیه بچه نحو است . گفتم : بدرستیکه حضرت عیسی «ع» نازل میشود از آسمان قبل از روز قیامت بروی زمین پس نمیماند هیچ اهل ملت از یهود و نصاری و غیر آنها مگر آنکه ایمان میآورند بحضرت عیسی قبل از مردن او و حضرت عیسی نماز میکند در پشت سر حضرت مهدی آخر الزمان . حجاج گفت : وای بر تو این را از که یاد گرفته ای و از کجا آورده ای . پس گفتم : این را از حضرت امام محمد باقر «ع» یاد گرفتم . پس گفت : از چشمه صاف

و پاکیزه آورده‌ای^(۱) تمام شد .

پس معلوم شد که تأویل این آیه در زمان حضرت قائم آل محمد «ص» ظاهر خواهد گردید ، و معلوم گردید که این حدیث در تأویل آیه است و حدیث اول در تنزیل او است ، زیرا که در حدیث اول حضرت صادق فرمود که این در خصوص اولاد حضرت فاطمه نازل شده و در این حدیث که از حضرت امام محمد باقر نقل نموده فرموده که تأویل این آیه بآن نحو نیست که تو میگوئی و بعد از آن تأویل آیه را ذکر نمود .

پس بنابراین حدیث اول تنزیل است و حدیث دوم تأویل یا آنکه هر دو حدیث تأویل است و تأویل مراتب دارد ، چنانکه تفسیر نیز مراتب دارد و هر کدام از معانی وارده حمل میشود بر یک مرتبه از تفسیر و یا از تأویل و ابدأ منافات ندارد ، بعلمت آنکه از برای قرآن هفت بطن و یا هفتاد بطن است همچنانکه اخبار بسیار در این معنی از معدن وحی و تنزیل وارد شده و آنچه شنیده‌ای که استعمال يك لفظ در دو معنی جایز نیست پس آن در غیر قرآن است چنانکه از تفاسیر معلوم میشود .

(آیه دوازدهم) در جزوه هفتم از سوره مائده قوله تعالی «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا فان توليتهم فانا على رسولنا البلاغ المبين»^(۲) یعنی اطاعت کنید بر خداوند و انقیاد نمائید بر پیغمبر او و حذر کنید پس هر گاه پشت نمائید بر فرمایشات خدا و رسول او و اطاعت و انقیاد نکنید پس بدرستی که نیست بر پیغمبر ما مگر آشکار رساندن، یعنی بعد از «تولی» شما بر شما عذاب درد دنیا نخواهد شد و بر شما مهلت شده .

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۵۸ .

(۲) المائده : ۹۲ .

و در اصول کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آنحضرت فرمود: آگاه باشید سوگند بخدا هلاک نشد آنکسانیکه قبل از شما بودند و هلاک نشد کسیکه هلاک شد بعد از آنها تا آنکه ظهور کند قائم ما اهل بیت مگر بسبب ترك ولایت ما و انکار کردن حق ما، و حضرت رسول از دنیا رفت تا آنکه لازم کرد برگردن تمام این امت حق امامت ما را و خداوند هدایت کند هر کس را که خواهد بسوی راه راست^(۱) تمام شد.

پس از این حدیث معلوم شد که مراد از مهلت که از آیه مستفاد شد تا زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است و تا آنحضرت ظهور نکرده خداوند بر گناهکاران و کافران مهلت داده و در وقت ظهور آنحضرت مهلت داده نمیشود برایشان، و اگر معنی آیه این نحو نباشد این حدیث در تفسیر این آیه مناسب نیست و حال آنکه بغیر از این حدیث تفسیر دیگری ندارد پس معلوم میشود آنچه ما ذکر کردیم که این آیه نیز اشاره است بزمان ظهور آنحضرت.

(آیه سیزدهم) در جزو هفتم از سوره انعام قوله تعالی « فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم ملبسون^(۲) » یعنی پس وقتی که نسیان کردند آنچه را که متذکر شده بودند بآن پس گشادیم برایشان درهای همه چیزها را تا آن وقتیکه شاد شدند بآن چیزیکه عطا شدند گرفتیم ایشان را ناگهان پس آن زمان آنها مأیوس شدند.

و این آیه تاویل شده بلکه تفسیر شده بظهور حضرت قائم آل محمد «ص» چنانکه در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت

(۱) الصافی ص ۱۴۶ ط تبریز.

(۲) الانعام: ۴۴.

کرده که آنحضرت فرمود: پس وقتیکه نسیان نمودند آنچه را که متذکر شده بودند یعنی پس وقتیکه ترك کردند ولایت امیر المؤمنین «ع» را و حال آنکه مأمور شده بودند بآن گشادیم بر آنها درهای همه چیزها را از دولت درد دنیا و آنچه بر آنها بسط و وسعت شده بود درد دنیا پس اخذ کردیم آنها را ناگهان یعنی اخذ میکنم ایشان را بقیام حضرت قائم آل محمد گویا که از برای آنها پادشاه نبوده هرگز^(۱). تمام شد.

پس این حدیث شریف دلالت کرد بر اینکه مراد از «اخذناهم بغتة» ظهور حضرت قائم است بدون شبهه در این.

(آیه چهاردهم) در جزو هشتم از سوره انعام قوله تعالی «یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنتم من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً»^(۲) یعنی روزیکه میآید بعض علامتهای خداوند تو نفع نمیدهد و فائده نمیکند هیچ نفس را ایمان او که از اول ایمان نیآورده بود یا در ایمان خود خیر را کسب نکرده بود.

و این آیه شریفه در شأن حضرت قائم است، زیرا که مراد از بعض آیات در این آیه وافی هدایه آنحضرت است، و یا آنکه علامات ظهور آنحضرت است، چنانکه در کتاب اکمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود: مراد از این آیه ظهور قائم منتظر است.

و باز هم در آن کتاب از آنحضرت روایت نموده که مراد از آیات ائمه هستند و مراد از این آیه انتظار شده حضرت قائم منتظر است پس در آن روز

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۰۰.

(۲) الانعام: ۱۵۸.

نفع نمیدهد هیچ نفس را ایمان او که از اول نبوده^(۱). تمام شد .

ومراد از بودن ایمان قبل از آن روز بودن ایمان است در میثاق ، چنانکه در کافی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که مراد از «آمنت من قبل» روز میثاق است^(۲).

ودر احادیث بسیار این آیه تفسیر شده بطلوع آفتاب از مغرب ، چنانکه در کتاب توحید و در احتجاج طبرسی و در تفسیر قمی و در کتاب خصال و در کافی^(۳) نقل کرده اند و ابداً منافات در بین این اخبار نیست بعلمت اینکه مراد از طلوع آفتاب از مغرب ظهور آنحضرت است ، چنانکه صعصعه در حدیث مفصل گفته و در تفسیر صافی نیز نقل کرده زیرا که گفته بعد از نقل حدیث پس صعصعه تفسیر نموده طلوع آفتاب از مغرب را بظهور قائم . تمام شد .

پس معلوم شد که این آیه در خصوص آنحضرت نازل شده بدون ربه . (آیه پانزدهم) در جزوه هشتم از سوره اعراف قوله تعالی «هل ینظرون الا تاویلہ یوم یاتی تاویلہ»^(۴) یعنی آیا نظر میکنند مگر بر تأویل آن و روزیکه میآید تأویل آن .

ومراد آنست که منتظر میشوند بر تأویل قرآن که ادیان مرتفع شود وهمه مبدل بردین اسلام گردد و یک روز تأویل آن میآید . و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی که روایاتش منسوب بحضرت صادق علیه السلام فرموده که تأویل آن که

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۳۳۶ .

(۲) الصافی ص ۱۶۷ طبع تبریز .

(۳) الصافی ص ۱۶۷ .

(۴) الاعراف : ۵۳ .

خواهد آمد ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است و مراد از تأویل آنحضرت است.^(۱)

(آیه شانزدهم) در جزو نهم از سوره اعراف قوله تعالی «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین»^(۲) یعنی بدرستی که روی تمام زمین از برای خداوند است و میدهد زمین را و در آن قائم مقام میکند آنکسی را که خواهد از بندگان خود و عاقبت از برای پر دیز کاران است.

و در تفسیر این آیه وارد شده که مراد از این آیه و از «من یشاء من عباده» امام قائم آل محمد است، چنانکه در تفسیر عیاشی از حضرت امام محمد باقر روایت کرده که آنحضرت فرمود: یافتیم در کتاب امیر المؤمنین «ع» که این آیه را ذکر کرده بود، و بعد از آن فرموده بود که: من و اهل بیت من هستیم که خداوند عالم زمین را بما داده و مائیم متقیان و تمام روی زمین از برای ما است، پس هر کس از مسلمانان احیاء کند و زنده و تعمیر نماید یک قطعه زمین را و زراعت کند در آن پس باید ادا نماید خراج و زکات آن را بر امام از اهل بیت من و بعد از این از برای او است آنچه میخورد، و اگر بعد از تعمیر خراب کند و خرابه گذارد آن زمین را پس کس دیگر از مسلمانان آن را تعمیر کند و آباد نماید پس آنکس احق و اولی است بر آن زمین پس واجب است بر او که ادا کند زکات و خراج آن را بر امام از اهل بیت من و بعد از آن از برای او حلال است آنچه از آن زمین میخورد تا آنکه ظاهر شود قائم اهل بیت من باشمشیر، پس حضرت قائم آل محمد «ص» اخذ میکند و مالک شود روی زمین را و منع میکند مردم را و ایشان را از زمین خارج نماید چنانکه پیغمبر «ص» مالک شد و منع کرد مردم را از زمین حضرت قائم آل محمد نیز چنان خواهد نمود مگر آن زمینهایی که در

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۳۵.

(۲) الاعراف: ۱۲۸.

دست شیعیان ما بوده باشد پس حضرت قائم آل محمد مقاطعه میکند باشیعیان ما وزمین را در دست ایشان میگذارد و از آنها نمیگیرد مگر زکات را^(۱). تمام شد. پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه شریفه در شأن آنحضرت نازل شده و مراد از «من یشاء من عباده» حضرت قائم آل محمد است و زمین را آنحضرت مالک خواهد شد، و اگر قائم آل محمد زمین را مالک نشود این آیه معنی پیدا نخواهد کرد زیرا که احدی از ائمه «ع» تمام روی زمین را مالک نشده و در زمان خود بسلطنت نرسیدند بالضرورة. و احادیث که دلالت میکند بر بودن تمام روی زمین از برای امام با این حدیث در کتاب مسائل النجفیه که در خمس نوشته ام بیان کردیم و این مسئله را برهانی و واضح نمودیم.

(آیه هفدهم) در سوره انفال قوله تعالی «**وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كَلِمَةً تَلَّهَا**»^(۲) یعنی بکشید کافران را تا آنکه نباشد شرك و کفر بوده باشد تمامی دینها از برای خداوند عالم.

و این آیه شریفه در شأن حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، چنانکه در تفسیر مجمع البیان و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق روایت کردند که آنحضرت فرمود که تأویل این آیه وافی هدایه هنوز نیامده، و اگر بتحقیق قائم ما اهل بیت ظهور کند زود باشد که درک نماید تأویل این آیه را که کسی در آن زمان بوده باشد و البته میرسد دین حضرت پیغمبر «ص» تا آنجا که شب میرسد یعنی هر جا که شب و روز میشود دین پیغمبر در آنجا جاری میشود و ظاهر میگردد و فرمود تا آنکه نماید شرك و کفر در روی زمین چنانکه خداوند

(۱) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۵.

(۲) الانفال: ۳۹.

فرموده «بعبدوننی ولا یشرکون بی شیئاً»^(۱). یعنی عبادت میکنند بر من و بر من شریک قرار نمیدهند هیچ چیزی را .

ودراصول کافی از حضرت امام محمد باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آنحضرت فرمود: تأویل این آیه هنوز نیامده، بدرستی که پیغمبر رخصت بر کفارداد و از آنها جزیه قبول کرد بجهت حاجت خود و حاجت اصحاب خود پس هر گاه بتحقیق بیاید تأویل این آیه قبول نمیشود از آنها جزیه و لکن آنها کشته میشوند تا آنکه خداوند را واحد و بی شریک بدانند و اقرار بوحدانیت خدایتعالی نمایند تا آنکه نبوده باشد در روی زمین شرک^(۲). تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است و ما این آیه را با این حدیث در کتاب کشف الحجاب که در نجاست اهل کتاب است ذکر کردیم و مطلب را و اوضحتر از این بیان نمودیم و حجاب را کشف کردیم .

(آیه هجدهم) از سوره توبه قوله سبحانه و تعالی « یریدون ان یطفؤا نور الله بأفواههم ویأبی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون »^(۳) یعنی اراده میکنند بر اینکه خاموش نمایند نور خداوند را بدهان خود و منع میکنند خداوند مگر آنکه تمام نماید نور خود را و هر چندیکه مکروه میدارند کافران . و این آیه شریفه در شأن حضوت قائم آل محمد «ص» نازل شده بحسب تأویل اگر تنزیل آن در غیر آنحضرت باشد ، چنانکه در اكمال الدین در تفسیر این آیه روایت کرده که حضرت صادق «ع» فرمود: بتحقیق فرعون ملعون

(۱) تفسیر مجمع البیان ج ۲ ص ۵۴۳ .

(۲) الصافی ص ۱۹۸ طبع تبریز .

(۳) التوبه : ۳۳ .

پاره کرد شکمهای حامله‌ها را در بنی اسرائیل بجهت پیدا کردن حضرت موسی علیه السلام ، و همچنین بنو امیه و بنو عباس و قتیکه واقف و مطلع شدند بر اینکه بدرستی که زوال پادشاهی و سلطنت ایشان در دست قائم اهل بیت ما خواهد شد عداوت بر ما کردند و بر ما شمشیر کشیدند و اهل بیت پیغمبر را کشتند ، اینها همه بجهت طمع بود بر اینکه برسد بحضرت قائم و او را بکشند پس منع کرد خداوند از اینکه کشف کند امر او را بر یک نفر مکروه میدانند آن کافران ^(۱) .

پس از این تفسیر و تأویل معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد «ص» است و خداوند وعده تمام کردن امر امامت و سلطنت او را بر اهل بیت و شیعیان اوداده زیرا که ظلمه های بنو امیه و بنو عباس بر همه ائمه علیهم السلام دست یافتند و ایشان را کشتند و کسی از آنحضرات طاهرین باقی نمانده مگر وجود مبارک حضرت قائم آل محمد و اگر آنحضرت نیز بسلطنت و امامت مطلقه نرسد این آیه و همین حدیث صحیح معنی پیدا نمیکند ، پس واضح شد که این آیه در باره آنحضرت است و در غیر او نیست زیرا که نور غیر او از آباء طاهرین او و امامت ایشان تمام نشد و باخر نرسید و در اکثر اوقات در خوف و تقیه بودند .

(آیه نوزدهم) در سوره توبه قوله تعالی «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» ^(۲) یعنی خداوند آن وجود مقدس است که فرستاد پیغمبر خودش محمد بن عبدالله را به هدایت و واضحه و بادین حق و ثابت تا آنکه آنحضرت را ظاهر سازد و غلبه دهد بر تمام دینها و دین آنحضرت غالب شود بر جمیع ادیان و اگر چه مکروه دارند آنرا مشرکان .

(۱) انصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

(۲) التوبه : ۳۳ .

و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است ، چنانکه در تفسیر قمی فرموده که این آیه در حضرت قائم منتظر نازل شده ، و فرموده که تأویل این آیه بعد از تنزیل واقع خواهد بود . و در کتاب اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود : قسم بخداوند هنوز نازل نشده تأویل این آیه و نازل نمیشود تأویل آن حتی آنکه ظاهر شود قائم آل محمد ، پس وقتی که ظهور کرد حضرت قائم ما مانند کافری بخداوند بزرگ و نه مشرک بامام علیه السلام مگر آنکه مکروه میدارد ظهور آنحضرت را و کافران و مشرکان چنان کشته می شوند که اگر يك كافر و يك مشرک در جوف يك سنك باشد آن سنك صدا می کند که ای مؤمن در بطن من کافری است و مرا بشکن و آنرا بکش ^(۱) .

و در اصول کافی از حضرت امام موسی کاظم ^(۲) در تفسیر این آیه روایت کرده

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۰ .

(۲) حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام کنیه آنحضرت ابوالحسن و ابوابراهیم و ابوعلی بود و معروف به العبدالصالح و کاظم ، در ابواء بین مدینه و مکه ۷ صفر سال یکصد و بیست و هشت متولد و در ۲۵ ماه رجب سال ۱۸۳ در سن ۵۵ در زندان سندی بن شاهک رحلت فرمود در ۲۰ سالگی بامامت رسید و مدت امامت آنحضرت ۳۵ سال شد ، هارون الرشید آنجناب را مسموم کرد در بغداد در مقابر قریش مدفون گردید که فعلا به کاظمین معروف است «اللهم ارزقنا زیارتته» .

در جنات الخلود گوید : آنحضرت بلندقامت و ضعیف ترکیب و بسیار کندم گون مابین دندانهای پیشین و بین کتفین کشاده ، تا گوید سخی ترین مردم بود و کم روزی بود که بخشش نکند و کمتر ازدوازه هزار دینار بکسی ندادی

که فرمود خداوند آن واجب الوجود است که امر فرمود رسول خود را بولایت وصی خود و ولایت دین حق است تا آنکه غالب کند دین حق را بر تمام ادیان در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» و خداوند تمام کننده ولایت امام قائم است هر چندیکه مکروه بدانند کافران بولایت علی علیه السلام. و عرض کردند: آیا این تنزیل قرآن است؟ فرمود: بلی این کلام تنزیل است و اما غیر این کلام آخر پس او تأویل قرآن است^(۱).

و ایضاً در کافی در حدیث مناجات حضرت موسی «ع» نقل کرده که بتحقیق ذکر نمود خداوند حضرت محمد بن عبدالله را و فرمود: پس کلمات من تمام شد با و البته ظاهر میکنم دین او را بر جمیع ادیان و عبادت میکنند بر من در تمامی مکانها^(۲).

و در احتجاج طبرسی از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت نموده که فرمود: غائب میشود صاحب این امر امامت و ریاست تامه بجهت شامل بودن فتنه بر قلبها تا آنکه می شود اقرب خلق بر او اشد خلق بر او بحسب عداوت و در این وقت خداوند او را مدد و یاری میکند ببلشگری که آن را نمی بیند کسی و ظاهر میکند دین پیغمبر خود را در دست مبارک او بر جمیع ادیان و اگر چه مکروه دارند

و قبل از سلام سلام دادی و قبل از سؤال بخشش نمودی و اخلاق حمیده آنجناب بسیار است.

در ارشاد گوید: قرآن را باصوت زیبا قرائت می فرمود و شنوندگان تلاوت او محزون و بسا به گریه می افتادند.

ارشاد ص ۲۹۸، جنات الخلود ص ۳۰، اعلام الوری ص ۲۹۴.

(۱) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز.

(۲) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز.

مشرکان آن را^(۱) .

و در مجمع البیان در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود: بدرستی که غالب بودن دین پیغمبر ما «ص» بر تمام ادیان در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد می شود پس نماند احدی مگر آنکه اقرار میکند بدین حضرت محمد^(۲) .

و در تفسیر عیاشی نیز این حدیث را روایت نموده از آن حضرت و باز هم روایت کرده که فرمود: خداوند ظاهر میکند دین حضرت پیغمبر را بسائر ادیان در رجعت یعنی در رجعت ائمه و مؤمنین در وقت ظهور حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله^(۳) .

و ایضاً در تفسیر عیاشی از حضرت امیرالمؤمنین «ع» روایت نموده که آن حضرت از اصحاب خود پرسیدند که آیا خداوند ظاهر فرموده دین رسول خود را بر تمام ادیان . عرض کردند: بلی . حضرت فرمود: کلا و حاشا چنین نیست ، سوگند بخداوندیکه جان من در دست قدرت او است تا آنکه نماند قریبه و دهی مگر آنکه رسد میشود در آن «اشهد ان لا اله الا الله ، و اشهد ان محمداً رسول الله» در هر صبح و شام^(۴) .

و باز هم عیاشی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آن حضرت فرمود: وقتی که ظهور نماید قائم آل محمد باقی نماند کافری و نه

(۱) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

(۲) مجمع البیان ج ۳ ص ۲۵ .

(۳) عیاشی ج ۲ ص ۸۷ .

(۴) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

مشرکی بخداوند عظیم مگر آنکه مکروه دارد ظهور آنحضرت را^(۱).
 و در مجمع البیان در تفسیر این آیه از مقداد بن اسود روایت کرده که
 گفت: شنیدم از حضرت پیغمبر که میفرمود: باقی نماند در روی زمین یک خانه
 چه از گل و خاک باشد و چه از پشم و غیر آن باشد مگر آنکه داخل میکند خداوند
 اسلام را بر آن خانه یا عزت و یا بذلت، پس خدای تعالی عزیز میکند اهل اسلام را
 و قرار میدهد ایشان را از اهل آن و یا آنکه ذلیل میکند مردم را پس متدین میشوند
 به آن در حال ذلت و خواری^(۲).

و در کتاب اکمال الدین و تفسیر عیاشی از حضرت باقر «ع» روایت کرده اند
 که آنحضرت فرمود در تفسیر این آیه که: قائم ما اهل بیت از جانب خداوند
 نصرت داده شده بر عیب و ترس مردم از او و تأیید کرده شد بنصرت و غلبه بر
 دشمنان و کشیده میشود از برای اوزمین یعنی بطی الارض میرود، و ظاهر میکند
 زمین خزینه های خود را برای او و میرسد سلطنت او بمشرق و مغرب، و ظاهر
 میکند خداوند باودین خود را بر تمام ادیان، پس باقی نماند در روی زمین هیچ
 خرابه مگر آنکه معمور میکند آن را و نازل میشود حضرت عیسی بن مریم پس
 نماز میکند در پشت سراو. تمام شد^(۳).

و حاصل جمیع این احادیث اینست که مضمون این آیه که عبارت باشد
 از ظاهر بودن دین اسلام و بر طرف شدن تمام ادیان باطله از روی زمین در رجعت
 ائمه هدی و در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» خواهد بود.
 پس معلوم شد که این آیه در شأن آنحضرت و در بیان وقایع زمان ظهور

(۱) عیاشی ج ۲ ص ۸۷.

(۲) مجمع البیان ج ۳ ص ۲۵.

(۳) کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱.

آنجناب است بدون شبهه .

(آیه بیستم) ازسوره توبه قوله تعالی «والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»^(۱) یعنی آنکسانیکه خزینه میکنند طلا و نقره را و انفاق نمیکنند آنها را درراه خداوند پس بشارت بده بایشان بعذاب سخت و دردناک .

ودراحدیث وارد شده که این آیه درخصوص آنکسانی است واین عذاب دردناک درباره اشخاصی است که طلا و نقره را از حضرت قائم آل محمد «ص» مضایقه میکنند در زمان ظهور آنحضرت ، چنانکه در کافی و در تفسیر عیاشی از امام جعفر صادق «ع» روایت کردند که آن حضرت فرمود : وسعت داده شده شیعیان ما بر آنکه انفاق کنند از آنچه در دست ایشان است از طلا و نقره و خزینه بمعروف بدون اسراف پس وقتیکه ظاهر شود قائم ماحرام میشود بر هر صاحب خزینه خزینه اوتا آنکه بیاورد آن را بحضرت صاحب الامر «ع» ، پس آن حضرت استعانت میکند بآن بردشمن خودش^(۲) .

واینست معنی قول خداوند عالم که میفرماید «والذین یکنزون الذهب والفضة» الایه ، ومعنای حدیث واضح است احتیاج به بیان ندارد .

(آیه بیست و یکم) درسوره توبه قوله تعالی «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بأن لهم الجنة»^(۳) الایه یعنی خداوند از مؤمنان خرید نفس ایشان را ومالهای آنها را ودر عوض آن بایشان جنت را داد .
و در تفسیر عیاشی و قمی فرمودند که : این آیه در شأن ائمه است زیرا که

(۱) التوبه : ۳۴ .

(۲) العیاشی ج ۲ ص ۸۷ .

(۳) التوبه : ۱۱۱ .

وصف فرموده خداوند ایشان را بصفی که در غیر ایشان نیست بعلت آنکه فرموده «التائبون العابدون»^(۱) الایة . و در آخر کلام قمی فرموده و جائز نیست اینکه بوده باشد باین صفتها غیر از ائمه علیهم السلام^(۲).

و در تفسیر عیاشی روایت کرده که از حضرت باقر «ع» سؤال کردند از این آیه فرمود : خداوند خرید نفسها و مالهای مؤمنان را در میثاق ، پس قرائت نمود راوی آیه بعد را که «التائبون» الایة ، پس حضرت فرمود : نه این نحو نیست بخوانید «التائبین العابدین» تا آخر آیه ، و فرمود : زمانیکه می بینی ایشان را در رجعت که خریده خداوند از ایشان نفسها و مالهای آنها را و این دیدن تو ایشان را در رجعت خواهد بود^(۳) . تمام شد .

پس این حدیث دلالت نمود بر رجعت ائمه که در زمان ظهور حضرت قائم خواهد شد پس از اینجا معلوم میشود که این آیه در رجعت ائمه است و در بیان زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است بدون ریه .

(آیه بیست و دوم) در سوره یونس قوله تعالی «بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه ولما یأتهم تأویله»^(۴) یعنی بلکه تکذیب نمودند بآنچه احاطه نمیکنند بدانستن او و حال آنکه هنوز نیامده تأویل آن بر آنها .

و در تفسیر این آیه وارد شده که مراد از تأویل در این آیه رجعت ائمه است چنانکه علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این فرموده که : این آیه در خصوص رجعت نازل شده و تکذیب کردند بر رجعت که آن رجعت نمیشود^(۵).

(۱) العیاشی ج ۲ ص ۱۱۳ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۰۶ .

(۳) عیاشی ج ۲ ص ۱۱۲ .

(۴) یونس : ۳۹ .

(۵) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۱۲ .

و در تفسیر عیاشی از حضرت باقر «ع» روایت نموده که از آنحضرت پرسیدند از چیزهای بزرگ از رجعت و غیر آن ، پس فرمود : بدرستی که این چیزها که از من سؤال میکنید هنوز وقت آن نیامده و خدا فرموده « بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه »^(۱) الایه .

و ایضاً از حضرت صادق «ع» مثل این روایت را نقل نموده . پس از این روایات معلوم شد که در این آیه از رجعت خبر میدهد و مراد از تسأویل قرآن رجعت است و آن هم در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است چنانکه از توضیحات است .

(آیه بیست و سیم) قوله تعالى در سورة یونس « واما نوبینک بعض الذی نعدهم »^(۲) یعنی و یا آنکه بنمائیم بر تو بعض آنچه چیزها را که بایشان وعده داده ایم . و در تفسیر وارد شده که مراد از این رجعت و قیام قائم است ، چنانکه در تفسیر قمی در تفسیر « بعض الذی نعدهم » فرموده من الرجعة و قیام القائم ، یعنی بعض چیزهایی که خداوند بایشان وعده داده رجعت و ظهور امام قائم است^(۳) . پس این آیه دلالت نمود بر رجعت ائمه و ظهور امام غائب و این آیه بغیر از این تفسیر دیگر ندارد .

(آیه بیست و چهارم) در سورة یونس قوله تعالى « ولو ان لكل نفس ظلمت ما فی الارض لا فتدت به »^(۴) یعنی و هر گاه بوده باشد از برای هر نفس که ظلم کرده آنچه در زمین است هر آینه فدا کند آن را .

(۱) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۲۲ .

(۲) یونس : ۴۶ .

(۳) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۱۲ .

(۴) یونس : ۵۴ .

و در تفسیر این آیه قمی فرموده یعنی ظلم کرده بر حق آل محمد و فدا کند آنچه را که در زمین است در رجعت^(۱). تمام شد. پس معلوم میشود که این آیه در بیان رجعت است.

(آیه بیست و پنجم) در سوره یونس قوله تعالی «الان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون»^(۲) یعنی آگاه باشید بدرستی که دوستان خداوند عالم نه خوف بر ایشان است و نه ایشان محزون و غمناک میشوند.

در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که فرمود: طوبی از برای شیعیان قائم ما اهل بیت که منتظر میشوند بظهور او در ایام غائب شدن او و اطاعت میکنند بر او در وقت ظهور او و ایشان هستند اولیاء الله که نه خوف بر ایشان است و نه ایشان محزون میشوند^(۳). پس از این تفسیر واضح شد که این آیه در بیان حال اصحاب حضرت قائم است.

(آیه بیست و ششم) در سوره یونس قوله تعالی «لهم البشری فی الحیواة الدنیا و فی الآخرة»^(۴) یعنی از برای ایشان است بشارت در دنیا و بشارت در آخرت.

و در اصول کافی در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود: بشارت میدهد خداوند عالم بر ایشان بقیام قائم آل محمد و بظهور او و بکشتن دشمنان ایشان و نجات در آخرت و وارد شدن آنها بر محمد و اولاد صادقین او در حوض کوثر^(۵) تمام شد.

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۱۳.

(۲) یونس: ۶۲.

(۳) کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۷.

(۴) یونس: ۶۴.

(۵) کافی ج ۱ ص ۴۲۹.

پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه مبارکه در شأن شیعیان حضرت قائم و اصحاب آن بزرگوار است .

(آیه بیست و هفتم) در سوره هود قوله تعالی «وَلئنِ اٰخِرنا عنهم العذاب الی امة معدودة»^(۱) یعنی واگر بتأخیر بیندازیم ماعذاب را از ایشان بسوی امت معدوده یعنی ایشان را مهلت دادیم تا وقت وزمان امت معدوده .

و در تفسیر قمی از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود : مراد از امت معدوده و از جماعت شمرده شده اصحاب حضرت قائم آل محمد است و آنها سیصد و ده و زیاد است^(۲) .

و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که امت معدوده حضرت قائم آل محمد و اصحاب آنحضرت است^(۳) .

و باز هم عیاشی از آنحضرت روایت نموده که امت معدوده عدد ایشان بقدر عدد اصحاب بدر است^(۴) تمام شد .

و عدد اصحاب بدر سیصد و سیزده بوده با اتفاق تمام مسلمین .

و در تفسیر عیاشی از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : اصحاب قائم آل محمد سیصد و ده و چیزی زیاده است ، و ایشانند قسم بخداوند عالم امت معدوده که در قرآن خود فرموده ، و تلاوت کرد این آیه را و فرمود مجتمع میشوند اصحاب حضرت قائم آل محمد بخدمت او بشتاب مثل اجتماع نمودن ابرهای وقت پاییز در یکجا^(۵) .

(۱) هود : ۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۲۳ .

(۳) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۴۱ .

(۴) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۴۰ .

(۵) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۴۰ .

و در کافی و مجمع البیان^(۱) این حدیث را نیز نقل کردند .

و در تفسیر قمی در آخر این آیه فرموده : یعنی اگر ما بر مردم بدکار و اشرار مهلت بدهیم و نعمت بایشان کرامت بکنیم در این دنیا تا وقت ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» پس ایشان را برگردانیم و بر آنها عذاب میکنیم در آن زمان و ایشان میگویند چه چیز است که حبس میکند عذاب را از ما یعنی این را میگویند بطریق استهزاء که چرا قائم نمیشود و چرا او ظهور نمیکند^(۲) تمام شد .
پس این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده دلالت واضحه نمود بر اینکه این آیه در شان حضرت قائم آل محمد و اصحاب او نازل شده بدون شبهه و بدون احتیاج بیان .

(آیه بیست و هشتم) در سوره هود قوله تعالی «بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»^(۳) یعنی باقی مانده خداوند از برای شما خیر است اگر بوده باشید مؤمنان و بخدا و رسولش ایمان آورندگان .

و در اکمال الدین از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود : اول آن چیزیکه نطق میکند بآن حضرت قائم آل محمد «ص» در وقت ظهورش این آیه است ، و بعد از آن میفرماید که منم بقیت الله و حجت خداوند و خلیفه او بر شما پس سلام نمیکند بحضرت قائم سلام کننده مگر آنکه میگوید «السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه»^(۴) تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از بقیت الله در آیه شریفه حضرت

(۱) مجمع البیان ج ۳ ص ۱۴۴ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۲۲ .

(۳) هود : ۸۶ .

(۴) کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱ .

قائم آل محمد است بدون شبهه .

(آیه بیست و نهم) در سورة هود قوله تعالى «ولقد آتينا موسى الكتاب فاختلف فيه»^(۱) یعنی بتحقیق ما عطا کردیم بموسی کتاب را پس اختلاف شد در او. و در اصول کافی از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آن حضرت فرمود: اختلاف نمودند چنانکه این امت اختلاف کردند در کتاب خود ایشان و زود باشد که اختلاف کنند در آن کتابیکه با حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است همچنان کتابیکه بیاورد آن را بر مردم تا آنکه انکار کند آنرا جمعی از مردم پس آن حضرت ایشان را جدا کند و گردن ایشان را میزند^(۲) پس از این حدیث معلوم میشود که مراد از فاختلف فيه بحسب تأویل قرآن حضرت قائم آل محمد است هر چندیکه تنزیل آیه در کتاب حضرت موسی هست، زیرا که منافات در بین تنزیل و تأویل ندارد چنانکه حضرت فرمود که این امت اختلاف کردند در کتاب خودشان، پس اگر آیه مختص باشد بکتاب موسی پس کلام امام در این مقام معنی پیدا نمیکند، پس چنانکه اشاره باختلاف این امت در این قرآن تأویل است همچنین اختلاف در کتاب حضرت قائم نیز تأویل است و مراتب تأویل مختلف است.

(آیه سی ام) در سورة رعد قوله تعالى «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات طوبى لهم وحسن مآب»^(۳) یعنی بدرستی که آنکسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح نمودند از برای ایشان است طوبی و مرجع نیکو .

و در اصول کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که

(۱) هود : ۱۱۰ .

(۲) الصافی ص ۲۴۲ ط تبریز .

(۳) الرعد : ۲۹ .

فرمود : طوبی از برای کسی است که تمسك نماید با مرما اهل بیت در ایام غائب بودن قائم آل محمد «ص» پس قلب او میل به باطل نکند بعد از هدایت یافتن . پس عرض نمودند : طوبی چه چیز است . حضرت فرمود : طوبی درختی است در بهشت اصل آن در خانه حضرت امیر المؤمنین «ع» نیست هیچ مؤمن مگر آنکه در خانه او شاخی از شاخهای آن درخت است و اینست قول خداوند که میفرماید «طوبی لهم وحسن مأب»^(۱) .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در شأن شیعیان حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است و اگر تنزیلش در مطلق مؤمنان باشد تأویلش در اوست . (آیه سی و یکم) در سوره ابراهیم قوله تعالی «وذكرهم بأیام الله ان فی ذلك لآیات لكل صبار شكور»^(۲) یعنی متذکر کن آنها را با ایام خداوند بدرستی که در این ایام خداوند را هر آینه علامات است از برای هر صبر کننده شکر نماینده . و در کتاب خصال از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود ایام الله روز قیام قائم ما اهل بیت است و روز رجعت ائمه است و روز قیامت است^(۳) .

و در تفسیر قمی فرموده که : ایام الله سه روز است روز ظهور حضرت قائم و روز مړك و روز قیامت است^(۴) .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از ایام الله در این آیه روز ظهور آن حضرت است و زمان ریاست آن بزرگوار از این آیه مراد است چنانکه روز

(۱) الصافی ص ۲۶۱ ط تبریز .

(۲) ابراهیم : ۵ .

(۳) الصافی ص ۲۶۳ ط تبریز .

(۴) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۶۷ .

قیامت و روز رجعت و یا روز مرگ مراد است و منافات در بین این دو روایت ندارد زیرا که روز رجعت روز مرگ اکثر مردم است از کفار و فجار و اشرار. (آیه سی و دوم) در سوره حجر قوله تعالی «قال فانك من المنظورين الی یوم الوقت المعلوم»^۱ یعنی خداوند عالم فرمود بابلیس پس بدرستی که تو از مهلت شدگان هستی تا روز وقت معلوم و معین شده.

و مراد از وقت معلوم در آیه وقت ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است، چنانکه عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت نموده که از آنحضرت پرسیدند از معنی این آیه پس فرمود برای آیا تو گمان میکنی که مراد از یوم وقت معلوم روزی است که مردم در آن روز محشور میشوند، چنین نیست بدرستی که خداوند عالم مهلت داد بابلیس تا روزیکه قیام میکند در آن قائم ما اهل بیت، پس وقتیکه خدایتعالی برانگیخت قائم ما را میآید بمسجد کوفه و ابلیس ملعون بیاید بخدمت آنحضرت تا آنکه بزانو در آید در پیش او پس میگوید و او بلا از این روز پس آنحضرت میگیرد از پیشانی او پس گردن او را میزند پس این روز است یوم الوقت المعلوم^۲.

و در تفسیر قمی روایت کرده که یوم الوقت المعلوم روزی است که حضرت پیغمبر «ص» ابلیس را سر میبرد^۳.

و منافات در بین این دو حدیث ندارد زیرا که گردن زدن حضرت قائم ذبح کردن پیغمبر است پس از این تفسیر معلوم شد که یوم وقت معلوم ظهور آنحضرت است. و در بعضی اخبار وارد شده که مراد از روز وقت معلوم نفخة

(۱) الحجر: ۳۷ و ۳۸.

(۲) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۴۲.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۴۵.

صور است آن تقیه است زیرا که عامه این نحو تفسیر کردند و امام در آن حدیث تقیه کرده است .

(آیه سی و سیم) در سوره حجر قوله تعالی «ان فی ذلك لآیات للمتوسمین و انھا لبسیل مقیم»^(۱) یعنی بدرستی که در این هر آینه علامات است از برای اشخاص با فراست و بدرستی که آن علامتها در راه مقیم و در طریق و محل قوام است . و اخبار وارد است که مراد از متوسمین و سیل مقیم ائمه است ، و در بعض از آنها تفسیر بحضرت قائم آل محمد شده ، چنانکه در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : زمانیکه ظهور کند قائم ما اهل بیت نمی ایستد در پیش آنحضرت احدی از خلق خداوند مگر آنکه می شناسد او را که او مؤمن است و یا او بدکار و از اشرار است و در آنحضرت آیه است از برای متوسمین و او آیه است از برای متوسمین و او است سیل مقیم^(۲) .

پس از این حدیث معلوم گردید که مراد از سیل مقیم حضرت قائم آل محمد «ص» است ، و این حدیث یکی از مراتب تفسیر و یا تأویل است و منافات با احادیث دیگر ندارد که در آنها فرمودند که مراد مؤمنین و یا ائمه علیهم السلام است زیرا که تفسیر و تأویل مراتب دارد چنانکه بیان و معلوم گردید .

(آیه سی و چهارم) در سوره نحل قوله تعالی «او یأتی امر ربك» الی قوله سبحانه «و حاق بهم ما كانوا به یتهزؤن»^(۳) یعنی یا آنکه امر و فرمان خداوند تو تا آنجا که میفرماید و احاطه کرد بر ایشان آنچه یزیکه بر آن استهزاء میکردند . و در تفسیر قمی فرموده که مراد از «امر ربك» عذاب و مرک و ظهور حضرت

(۱) الحجر : ۷۵ و ۷۶ .

(۲) اکمال الدین ج ۲ ص ۶۷۱ .

(۳) النحل : ۳۳ و ۳۴ .

قائم آل محمد است و مراد از « یستهزؤن به » استهزاء کفار است بر عذاب در رجعت^(۱) تمام شد حاصل آن.

پس این آیه نیز دلالت بر ظهور حضرت قائم و رجعت کرد و مراد از این آیه بحسب تأویل آن حضرت شد.

(آیه‌سی و پنجم) در سوره نحل قوله تعالی «واقسموا بالله جهدايمانهم لایبعث الله من یموت بلی وعداً علیه حقاً ولکن اکثر الناس لا یعلمون* لیبین لهم الذی یختلفون فیه ولیعلم الذین کفروا انهم کانوا کاذبین»^(۲) یعنی قسم یاد کردند بخداوند قسمی با مبالغه و باجد و جهد آنکه خداوند زنده نمی‌کند آنکسی را که فوت می‌شود نه چنین نیست بلکه زنده کردن مرده‌ها وعده است بر خداوند حقیقه و لکن اکثر مردم نمی‌دانند و زنده میکند تا آنکه بیان کند برایشان آنچه‌یکه در آن اختلاف مینمایند و تا آنکه بدانند آنکسانیکه کافرنند بدرستی که آنها بوده‌اند دروغگویان.

و در تفسیر عیاشی و اصول کافی از حضرت صادق «ع» روایت کرده‌اند که آنحضرت بسابی بصیر فرمود: چه میگوئی در این آیه؟ ابو بصیر عرض نمود: مردم میگویند بدرستی که مشرکین اعتقاد میکنند و قسم یاد نمایند و عرض میکنند بحضرت رسول «ص» که خداوند مرده‌ها را زنده نمیکند. پس حضرت فرمود: تف باد بر کسیکه این را گفته، سؤال بکن از آنها آیا مشرکون بخدا قسم یاد میکنند یا بلات و عزی. ابو بصیر عرض کرد بخدمت حضرت: فدای توشوم حقیقت را بمن بفرما در معنی این آیه. حضرت فرمود: ای ابا بصیر بتحقیق هر گاه ظهور کند قائم ما اهل بیت زنده میکند خداوند قومی را از

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۸۵.

(۲) النحل: ۳۸ و ۳۹.

شیعیان ، پس حضرت قائم آل محمد «ص» از آنها بیعت میگیرد درحالتیکه شمشیر ایشان دردوش میشود ، پس این خبر میرسد بقوم دیگر از شیعیان ماکه نمرده‌اند پس با همدیگر میگویند زنده شده فلان و فلان و فلان کس و از قبرها برخاستند و درخدمت قائم آل محمد هستند ، وبعد ازاین پس خبرزنده شدن مرده‌ها میرسد بگوش دشمنان اهل بیت پس آنها میگویند ای طایفه شیعه چه قدردروغ میگوئید شما این دولت و سلطنت و ریاست شماست و با وجوداین شما نیزدروغ میگوئید و خبربا همدیگر میدید که مرده‌ها زنده شدند ، بخدا قسم مرده‌ها زنده نمیشوند تا روزقیامت ، پس خداوند قول آنها را درقرآن حکایت کرد و فرمود «واقسموا بالله جهد ايمانهم لايبعث الله من يموت»^۱ .

و در تفسیر قمی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : چه میگویند مردم در این آیه ؟ عرض کردند : میگویند این آیه نازل شده در کفار . حضرت فرمود : کفار قسم را بخداوند یاد نمیکنند ، و بد رستیکه این آیه نازل شده در امت محمد که بایشان گفته شد که شما زنده میشوید و قبل از قیامت رجعت میکنید ، پس ایشان قسم یاد میکنند که آنها رجعت نخواهند کرد . پس خداوند قول ایشان را رد نمود و فرمود «لیمین لهم الذی یختلفون فیه ولیعلم الذین کفروا انهم كانوا کاذبین» حضرت فرمود : یعنی در رجعت برمیگرداند آنها را پس میکشد ایشان را حضرت قائم آل محمد «ص» و شفا میدهد بسر سینه‌های مؤمنین^۲ .

و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : چه میگویند مردم در این آیه وافی هدایه ؟ عرض شد بخدمت او : میگویند که

(۱) الصافی ص ۲۷۶ و عیاشی ج ۲ ص ۲۵۹ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۸۵ .

قیامت وزنده شدن و نشر شدن نیست. فرمود: دروغ گفتند بخدا قسم بدرستی که این زنده شدن در آن زمان است که ظاهر شود قائم آل محمد و رجعت کند با او رجعت کنندگان ، پس آن وقت میگوید اهل خلاف شما بتحقیق ظاهر شده ای طایفه شیعه دولت شما و این ازدروغ گفتن شماست که میگوئید فلان و فلان رجعت کرده نه چنین نیست بخدا قسم « لا یبعث الله من یموت » آیا نمی بینی که خداوند فرموده « واقسموا بالله جهد ایمانهم » و بودند مشرکین اشد تعظیماً از برای لات و عزی از اینکه قسم یاد کنند بغیر آنها پس خداوند در جواب ایشان فرمود « بلی و عدأ علیه حقاً لیبین لهم الذی یختلفون فیه » تا آخر آیات^(۱). پس از این احادیث معتبره معلوم شد که این آیات شریفه در خصوص رجعت و ظهور حضرت قائم آل محمد است و در بیان حال زمان قیام قائم اهل بیت نازل شده است و محتاج بیان نیست بالبداهة .

(آیه سی و ششم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی « لتفسدن فی الارض مرتین ولتعلن علواً کبیراً * فاذا جاء وعد اولیہما بعثنا علیکم عبداً لنا اولی باس شدید فجاؤا خلال الدیار وکان وعداً مفعولاً »^(۲) یعنی البته فساد می کنید در زمین دو مرتبه و البته علو و طغیان مینمائید طغیان بزرگی پس وقتی که می آید وعده اول آن طغیان و علو و فساد مبعوث میکنم بر شما بندگان خود مرا که صاحب قوت شدیدند در جنگ ، پس شمارا طلب میکنند و در خانه های شما شما را بدست می آورند و از جهت قتل و کشتن شما را میگیرند و این وعده خواهد شد .

و در کافی و تفسیر عیاشی از حضرت صادق روایت کردند که آنحضرت در

(۱) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۵۹ .

(۲) بنی اسرائیل : ۴ و ۵ .

تفسیر این آیه چنین فرمودند که : مراد از فساد دو مرتبه یکی قتل حضرت امیر المؤمنین است و یکی زخم زدن بحضرت امام حسن^(۱) است ، و مراد از علو کبیر کشتن حضرت سید الشهداء است ، و مراد از عباد اولی باس شدید قومی است که خداوند مبعوث میکند ایشان را قبل از ظهور حضرت قائم آل محمد ، پس نمیگذارند خون آل محمد را مگر آنکه میگیرند و قاتلان ایشان را میکشند و مراد از وعده خداوند که «وعداً مفعولاً» باشد ظهور حضرت قائم آل محمد است^(۲).

(۱) حضرت امام حسن مجتبی امام دوم شیعیان سبط اول کنیه آنجناب ابو محمد بود در نیمه ماه رمضان المبارک سال ۳ از هجرت نبوی متولد شد روز هفتم بعد از تولد والده ماجده اش صدیقه کبری او را در حریر بهشتی که جبرئیل آورده بود پیچانده خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آورد آنجناب او را حسن نام گذاشت و گوسفندی برای او عقیقه نمود .

انس بن مالک گوید : کسی به رسول الله از حسن بن علی شبیه تر نبود .
بعد از پدر بزرگوارش بامامت رسید و در روز جمعه ۲۱ ماه رمضان المبارک سال ۴۰ هجرت مردم بآنحضرت بیعت کردند ولی به عهد و بیعت خود عمل نمودند در اثر دسیسه های معاویه بن ابوسفیان ملعون و وعده های او آن جناب را تنها گذاشته عده ای به معاویه لاحق شدند و جمعی دیگر به او نوشتند اگر می خواهی حسن بن علی را دستگیر کرده تحویل تو بدیم و آنحضرت را با خنجر زخمی کردند حضرت امام حسن علیه السلام مجبور بصلح گردید ، معاویه بوسیله جعده دختر اشعث بن قیس که زوجه آنحضرت بود آقارا مسموم کرد در روز پنجشنبه ۲۸ ماه صفر سال ۵۰ بسن ۴۸ رحلت فرمودند . ارشاد ص ۱۸۷ .

(۲) الصافی ص ۲۸۶ و عیاشی ج ۲ ص ۲۸۱ .

و در تفسیر عیاشی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود: مراد از عباد اولی باس شدید حضرت قائم آل محمد واصحاب آنحضرت است^(۱).
 و منافات در بین این دو حدیث نیست زیرا که مراد از قومی که قبل از ظهور حضرت قائم مبعوث میشوند اصحاب آنحضرت است که پیش از تشریف آوردن آنحضرت بکوفه بنی امیه را میکشند پس معلوم شد که این آیه در خصوص امام عصر عجل الله فرجه واصحاب او است و در شأن ایشان نازل شده.
 (آیه سی و هفتم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «ثم رددنا لکم الکرة علیهم و امددنا کم بأموال و بنین و جعلنا کم اکثر نفیراً»^(۲) یعنی پس رد کردیم بر شما دولت و غلبه را بر آنها و مدد کردیم بر شما با مالها و اولادها و قراردادیم عددتان را زیادتر.

و در این آیه خطاب بر بنی امیه است، چنانکه در تفسیر قمی فرموده در بیان معنی آیه: یعنی از برای بنی امیه بر اولاد پیغمبر و مدد کردیم بر شما باموال و اولاد و قراردادیم عدد شمارا زیادتر از حسن و حسین علیهما السلام واصحاب ایشان و اسیر کردند زنان آل محمد را^(۳).

و در کافی در تفسیر عیاشی فرموده «ورد الکرة علیهم» بظهور نمودن و رجعت کردن حضرت امام حسین است با هفتاد نفر از اصحاب خودش و در سرایشان طاس کلاه طلاباف میشود در زمانیکه بوده باشد حجت قائم آل محمد در بین ایشان و بعد از آن مالک میشود حضرت امام حسین^(۴) روی زمین را تا آنکه

(۱) عیاشی ج ۲ ص ۲۸۱.

(۲) بنی اسرائیل: ۶.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴.

(۴) پس از امام حسن سبط اول نوبت امامت به برادر گرامی او حضرت

واقع میشود ابروهایش برچشمهای او^(۱).

وایضاً عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آن حضرت فرمود اول آنکسیکه رجعت میکند بدنیا حضرت سیدالشهداء ویزید ابن معاویه واتباع او است ، پس حضرت آنها را میکشد چنانکه آنحضرت را کشته بودند و بعد از این این آیه را تلاوت فرمود «ثم ردنا لكم الكرة عليهم»^(۲). پس واضح شد که در این آیه اشاره بر رجعت ائمه و ظهور حضرت قائم آل محمد نموده، و این در شأن ایشان نازل گردیده و در خصوص حضرت قائم وجد بزرگوار اوست .

ابا عبدالله الحسین سبط ثانی رسید ، آنحضرت در شب پنجم ماه شعبان سال چهارم هجرت متولد شد وجد بزرگوارش نام او را حسین گذاشت .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم حسنین علیهما السلام را بسیار دوست می داشت و می گفت: خدایا من اینهارا دوست می دارم و هر که اینهارا دوست دارد او را هم دوست می دارم. و فرمود : هر که حسن و حسین را دوست دارد من او را دوست می دارم و هر که من او را دوست دارم خدا او را دوست می دارد و هر که خدا او را دوست دارد او را وارد بهشت می گرداند و هر که آنها را دشمن دارد من او را دشمن می دارم و هر که من او را دشمن داشتم خدا او را دشمن می دارد و هر که را که خدا دشمن داشت او را بجهنم می برد .

بدعوت اهل کوفه از مکه معظمه بقصد کوفه خارج لشکر ابن زیاد سر راه آنحضرت را گرفته از ورود بکوفه مانع شده و در دهم محرم سال ۶۱ او را لب تشنه شهید نمودند بابی انت وامی یا ابا عبدالله . ارشاد ص ۱۹۷ .

(۱) عیاشی ج ۲ ص ۲۸۱ .

(۲) عیاشی ج ۲ ص ۲۸۲ .

(آیه سی و هشتم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «فاذا جاء وعد الاخرة ليسوا واهل بيوتهم» الى قوله تعالی «وان عدتم عدنا»^(۱) یعنی وقتیکه بیاید وعده آخر مبعوث میکنیم بندگان خودمان را تا آنکه سیاه کنند روی شما را و اگر عود کنید شما ما نیز عود میکنیم .

و در تفسیر قمی فرموده که مراد از وعد الاخرة یعنی ظهور قائم آل محمد واصحاب آنحضرت است ، و مراد از عدتم یعنی اگر عود کنید بطغیان ای اولاد امیه بسفیانى ، پس عود میکنیم ما بظاهر کردن حضرت قائم آل محمد^(۲) .

پس این آیه نیز در شأن حضرت صاحب الزمان نازل شده بلاشبهه .

(آیه سی و نهم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً»^(۳) یعنی هر کسی کشته شود در حالتیکه او مظلوم است و بدون حق کشته شده است پس بتحقیق قراردادیم ما از برای ولی او سلطنت پس اسراف نکند در کشتن قاتل بدرستیکه آن ولی نصرت داده شده و ما باو نصرت داده ایم .

و در کافی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : این آیه در حق حضرت سید الشهداء نازل شده اگر تمامی اهل زمین کشته شوند بسبب کشته شدن آنحضرت اسراف نمیشود^(۴) .

و ولی او حضرت قائم آل محمد «ص» است که بنی امیه را میکشد ولی منصور عبارت از آنحضرت است ، چنانکه در روایت محمد بن حمران در کافی

(۱) بنی اسرائیل : ۷ و ۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴ .

(۳) بنی اسرائیل : ۳۳ .

(۴) الصافی ص ۲۸۹ ط تبریز .

از حضرت صادق وارد «فأقام الله لهم ظل القائم وقال بهذا انتقم لهذا»^(۱) یعنی خداوند برپانمود ظل و شبه حضرت قائم آل محمد را بر ملائکه ، و فرمود: با این شخص انتقام میکنم بر قاتلان سید الشهداء و بدست این میکشم آنها را ، پس ملائکه از ضجه و ناله ساکت شدند، پس معلوم گردید که آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است چنانکه مراد از مظلوم سید الشهداء است ، همچنین مراد از ولی منصور امام قائم آل محمد است .

(آیه چهارم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً»^(۲) یعنی حق آمد و رفت باطل و کفر و شرك بدرستیکه باطل که کفر و شرك باشد بعد از آمدن حق بوده است مضمحل و برطرف شده. در کافی در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود: زمان ظهور قائم ما اهل بیت سلطنت و ریاست باطله میرود و نابود میشود^(۳). و در خرائج از حکیمه خاتون روایت کرده که وقتیکه متولد شد حضرت قائم آل محمد «ص» بود نظیف و پاک و پاکیزه و در دست راستش نوشته شده بود از قدرت خدا «جاء الحق وزهق الباطل»^(۴) آیه.

پس معلوم شد که مراد از حق در این آیه حضرت قائم آل محمد و از آمدن حق مراد ظهور آنحضرت است و مراد از باطل ادیان فاسده و سلطنتهای باطله است. (آیه چهل و یکم) در سوره کهف قوله تعالی «فاذا جاء وعد ربی جعله دكاً و كان وعد ربی حقاً»^(۵) یعنی پس وقتیکه بیاید و عده خداوند من قرار میدهد

(۱) الکافی ج ۱ ص ۴۶۵ .

(۲) بنی اسرائیل : ۸۱ .

(۳) الصافی ص ۲۹۴ ط تبریز .

(۴) الخرائج و الجرایح ص ۶۶ ط بمبئی .

(۵) الکهف : ۹۸ .

آنرا یعنی آن سدرا خراب و بازمین یکسان و بوده است و عده خداوند من حق. و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده در معنی «اجعل بینکم و بینهم ردهماً»^(۱) که آن حضرت فرمود یعنی تقیه، پس قدرت ندارند بر مطلع بودن بر آن و قدرت ندارند بر نقب و خراب نمودن را بر آن، فرمود زمانیکه دانستی تقیه را قادر نمیشوند بر تو حيله کردن را و تقیه حصار محکم است و در بین تو و دشمنان خداست می شود تقیه که قدرت پیدا نمیکند بر نقب و خراب کردن او پس وقتیکه بیاید وعده خداوند من آن تقیه را خراب میکند و بر میدارد پس خداوند عالم از دشمنان دین انتقام می کشد و آنها را میکشد^(۲).

پس از این حدیث وارد در تفسیر این آیه معلوم شد که مراد از وعده خداوند عالم در این آیه شریفه ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است زیرا که از واضحات است که تقیه در زمان آن حضرت رفع می شود چنانکه از بعض آیات سابقه نیز معلوم شد و در آیات بعد از این نیز واضح خواهد گردید. پس از ملاحظه آیات و اخبار واضح می گردد که مراد از این آیه ظهور حضرت قائم آل محمد است و زیادتر از این محتاج بیان نیست.

(آیه چهل و دوم) قوله تعالى در سورة مریم «حتی اذا راوا ما یوعدون اما العذاب و اما الساعة فسیعلمون من هوشو مکاناً و اضعف جنداً * و یزید الله الذین اهدوا هدی»^(۳) یعنی تا زمانیکه دیدند آنچه را که وعده شده بودند از عذاب و یا از روز قیامت پس زود میدانند که کدام است بدتر از جهت مکان و جایگاه و ضعیف تر از جهت مدد و قوت و خداوند زیاد می کند هدایت آن

(۱) الکهف : ۹۵ .

(۲) عیاشی ج ۲ ص ۳۵۱ .

(۳) مریم : ۷۵ و ۷۶ .

کسانی را که طلب هدایت میکنند و هدایت میابند .
 در کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آن حضرت فرمود : اما قول خداوند « اذا رآوا مایوعدون » پس این ظهور حضرت قائم آل محمد است و اینست قیامت صغری و ساعت موعود بر آنها ، پس زود باشد که آن روز را میدانند و آنچه بر آنها نازل می شود میابند از خداوند در دست حضرت قائم آل محمد پس اینست قول خداوند « من هو شرمکناً » یعنی در نزد حضرت قائم آل محمد ، و معنی « یزید الله » یعنی زیاد میکند در این روز هدایت بالای هدایت بسبب تابع بودن ایشان بر حضرت قائم آل محمد زیرا که آنها اعراض نمیکنند از آنحضرت و او را انکار نمیکنند ^(۱) .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و در بیان ظهور و سلوک آنحضرت است بدون شبهه در این ، و مراد از « مایوعدون » و از عذاب و از ساعت آن چیز است که از دست حضرت قائم اهل بیت بدشمنان دین میرسد چنانکه هدایت زیادتر بر تابعان آنحضرت می رسد بلاریبه .

(آیه چهل و سیم) قوله تعالی در سورة طه « یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون به علماً » ^(۲) یعنی خداوند میداند آنچه را که مقدم است بر آنها و آنچه را که بعد از آنها خواهد آمد و احاطه نمی کنند بر خدا از جهت علم . در تفسیر قمی در این آیه فرموده یعنی خداوند میداند آنچه را که پیش ایشان است از اخبار ماضی از حالات انبیاء و اولیاء و گذشتگان و آنچه را که بعد از ایشان است از اخبار حضرت قائم آل محمد ^(۳) .

(۱) الکافی ج ۱ ص ۴۳۱ .

(۲) طه : ۱۱۰ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۶۵ .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از «ماخلفهم» حضرت قائم آل محمد است، زیرا که بناء تفسیر قمی بر اخبار است که از حضرت صادق «ع» وارد شده، پس واضح می شود آنچه ماذکر کردیم.

(آیهٔ چهل و چهارم) در سوره طه قوله تعالی « ولقد عهدنا الی آدم من قبل فنسی ولم نجدله عزماً^۱» یعنی هر آینه بتحقیق عهد کردیم ما بر آدم قبل از این پس نسیان نمود و نیافتیم از برای او عزم و جزم در آنچه ما عهد کردیم بر او در علل الشرایع و بصائر الدرجات از حضرت پیغمبر «ص» در تفسیر این آیه روایت کرده اند که خدایتعالی عهد کرد بر آدم در حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و در ائمه بعد از آن حضرت، پس آدم ترك نمود و نشد عزم از برای او در ائمه که آن بزرگواران چنان بودند و بدرستی که پیغمبران اولی العزم نامیده شدند زیرا که خداوند عهد کرد بر ایشان در حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای او و در حضرت مهدی قائم آل محمد بالخصوص و در سیرت او و در سلوک و کردار و رفتار او بعد از ظهورش پس عزم و جزم پیغمبران اولی العزم جمع شد بر اینکه محمد و اوصیای او و حضرت قائم بالخصوص همچنان است و اقرار نمودند بر این^۲.

و ایضاً در علل الشرایع از آنحضرت روایت کرده که فرمودند: خداوند اخذ نمود میثاق و عهد را از پیغمبران اولی العزم بر اینکه بدرستی که من خدای شما هستم و حضرت محمد رسول من است و حضرت علی امیر و پیشوای مؤمنان است از تمام مخلوقات و اوصیای او بعد از آن والی امر من و خزان علم من هستند، و بدرستی که بحضرت مهدی صاحب الزمان نصرت میکنم بر دین خودم

(۱) طه: ۱۱۵.

(۲) علل الشرایع ج ۱ ص ۱۲۲ و بصائر الدرجات ص ۷۰.

وبا اوظاهر میکنم سلطنت خودم را وبا او انتقام می کشم از دشمنان دین خودم
وبا او عبادت کرده میشوم طوعاً و کرهاً . پیغمبران عرض کردند: اقرار نمودیم
ای خداوند ما و شاهد شدیم و حضرت آدم اقرار نکرد و انکار نیز نمود ، پس
ثابت شد عزم در این پنج نفر از پیغمبران اولی العزم در خصوص حضرت
مهدی قائم آل محمد و نشد از برای آدم عزم بر اقرار بحضرت قائم ، و اینست
معنی قول خداوند «ولقد عهدنا الی آدم من قبل فنسی ولم نجد له عزماً» ، فرمود
بدرستی که معنی نسی ترك است یعنی آدم ترك کرد اقرار بحضرت قائم آل محمد را^(۱) .
پس از این تفسیر واضح گردید که این آیه در خصوص حضرت قائم و در
اخذ بیعت از برای آنحضرت است از انبیاء و پیغمبران اولی العزم بالبداهه .
(آیه چهل و پنجم) در سوره طه قوله تعالی «ومن اعرض عن ذکری
فان له معیشتة ضنکاً ونحشره یوم القيمة اعمی»^(۲) یعنی هر آنکسی که از ذکر
من اعراض کند پس بدرستی که از برای او است معیشت ضیق و محشور میکنیم
او را در روز قیامت کور. در تفسیر قمی از حضرت صادق روایت کرده که
فرمود معیشت ضنک از برای ناصبی ها است عرض کردند بآنحضرت که ما آنها را
در دنیا در کفایت و آسودگی مشاهده می کنیم تا آنکه می میرند حضرت فرمود:
این گفتم بخدا قسم در رجعت است و خوراک ایشان در رجعت عذرة انسان
خواهد شد^(۳) .

و دلیل بر اینکه این در رجعت می شود آخر آیه است که میفرماید : ما اورا
در روز قیامت کور محشور میکنیم پس از حدیث مذکور معلوم میشود که این آیه

(۱) الصافی ص ۳۲۴ .

(۲) طه : ۱۲۴ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۶۵ .

در رجعت ائمه و در بیان حال دشمنان ایشان است و در رجعت ایشان با حضرت قائم آل محمد یا بعد از آن حضرت .

(آیهٔ چهل و ششم) قوله تعالی در سورهٔ انبیاء «فلما احسوا بأسنا اذا هم منها یركضون * لا یركضوا وارجعوا الی ما اترفتهم فیہ و مساکنکم لعلکم تسئلون»^(۱) یعنی وقتیکه احساس کردند بآس و عذاب ما را در آن وقت از آن عذاب میگریزند گفته میشود بر آنها نگریزید و رجوع کنید بسوی آنچه بودید در آن از نعمت و لذت و مسکنها شاید که شما سؤال کرده شوید .

در کافی از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود : وقتیکه ظهور کند قائم آل محمد «ص» میفرستد جمعی را از اصحاب خود بطلب و دست آوردن بنی امیه بشام پس آنها از ترس و خوف میگریزند بروم پس اهل روم میگویند بر بنی امیه شما جاندارید و نخواهید داشت در ولایت ما تا آنکه بدین نصاری داخل شوید پس آنها تماماً نصرانی می شوند و صلیبها را بگردن خود نمایند بعد از آن نصاری آنها را جای می دهند پس زمانیکه اصحاب حضرت قائم آل محمد خبردار می شوند که بنی امیه بروم رفتند در عقب آنها خودشان را بروم میفرستند و وارد بروم و ولایت نصاری میشوند پس اهل روم و نصاری امان طلب میکنند و الا مان میگویند ، پس اصحاب قائم مهدی «ع» میفرمایند امان نیست تا آنکه بنی امیه را حاضر کنید و بدست ما بدهید اهل روم بنی امیه را تماماً برایشان تسلیم میکنند و اینست قوله تعالی «لا یركضوا» الی قوله «لعلکم تسئلون» یعنی حضرت قائم از خزینهها میبرد و حال آنکه خودش اعلم و داناتر است بر خزینهها از همه کس^(۲) .

(۱) الانبیاء : ۱۲ و ۱۳ .

(۲) الصافی ص ۳۲۶ .

و در تفسیر قمی این حدیث را نقل نموده و بعد فرموده : این آیه از آن آیات است که لفظ آن ماضی و معنای آن مستقبل و بعد خواهد شد و از آن آیات است که تأویلش بعد از تنزیل آن می شود^(۱) تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم میشود که این آیه در شأن حضرت قائم و اصحاب او و در بیان حال دشمنان او است، پس حاصل معنای آیه این می شود که زمانیکه احساس میکنند بنی امیه آمدن اصحاب حضرت قائم آل محمد «ص» را پس آنها بروم و ولایت نصاری میگریزند از ترس ایشان و بر بنی امیه بطور استهزاء می گویند که نگریزید و رجوع کنید بسوی نعمتهای خود و مسکنهای خودتان از شما سؤال خواهد شد و شمارا خواهند کشت .

(آیهٔ چهل و هفتم) در سورهٔ انبیاء قوله تعالی « و حرام علی قریه اهلکناها انهم لا يرجعون »^(۲) یعنی حرام است رجوع کردن بر هر قریه که ما آنرا هلاک کرده ایم و آن را بعد از کشته ایم .

در تفسیر قمی از حضرت باقر و صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمودند: هر قریه که خداوند آنرا هلاک نموده بعد از اهل آن قریه رجوع نمی کنند در رجعت^(۳) .

و در مجمع البیان از حضرت باقر روایت نموده که فرموده هر قریه که خداوند اهل آنرا بعد از هلاک نموده پس بدرستی که ایشان رجعت نمیکنند و قبل از قیامت آنها زنده نمیشوند^(۴) .

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۶۸ .

(۲) الانبیاء : ۹۵ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۷۶ .

(۴) مجمع البیان ج ۴ ص ۶۳ .

پس از این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده معلوم می‌شود که رجعت بر سائر مردم است و باقی مردمان رجعت خواهند نمود و معلوم است که رجعت خلق با ائمه «ع» خواهد گردید و رجعت مردم بجهت سلطنت ائمه است بدون شبهه. (آیهٔ چهل و هشتم) در سورهٔ انبیاء قوله تعالی «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^(۱) یعنی هر آینه بتحقیق نوشتیم در زبور حضرت داود بعد از تعلیم ذکر بر او این را که بدرستی که مالک میشود زمین را و قائم مقام میگردد در زمین کلا بندگان صالحان من .

و در تفسیر مجمع از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود که : مراد از «عبادی الصالحون» اصحاب حضرت قائم آل محمد است در آخر الزمان .

و خود صاحب مجمع فرموده : دلالت میکند بر این آنچه روایت نموده آن را شیعه و سنی از حضرت پیغمبر که فرمود اگر نمانده باشد از عمر دنیا مگر یک روز البته طولانی میکند خدا آن روز را تا مبعوث کند یک مرد بزرگوار را از اهل بیت من تا آنکه زمین را پراز عدل و داد خواهی کند چنانکه مملو شده بود از ظلم و تعدی^(۲) .

و در تفسیر قمی از حضرت صادق «ع» روایت نموده که فرمود : مراد از «عبادی الصالحون» حضرت قائم آل محمد و اصحاب او است و در زبور تحمید و تمجید و دعاء است^(۳) .

و در روایت دیگر از آنحضرت نقل نموده که فرمود : خداوند نازل کرد بر

(۱) الانبیاء : ۱۰۵ .

(۲) مجمع البیان ج ۳ ص ۶۶ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۷۷ .

داود «ع» زبور را و در آن بود توحید و تمجید و دعا و اخبار رسول الله و امیر المؤمنین و الائمه از اولاد ایشان و اخبار رجعت و ذکر حضرت قائم آل محمد . تمام شد .

پس از این اخبار معلوم شد که در این آیه مراد از صالحون حضرت قائم «ع» و اصحاب او است و ایشان وارث تمامی روی زمین میشوند از پادشاهان ، و مراد از ذکر در زبور توحید و محمد و ائمه و اخبار رجعت ایشان است .

پس بنابراین تفسیر حاصل معنای آیه این میشود که بتحقیق نوشتیم ما در زبور حضرت داود «ع» بعد از بیان توحید و ذکر محمد «ص» و وصی او و ائمه از نسل ایشان و بیان امامت و فضیلت ایشان و وجوب اطاعت ایشان بر جمیع خلق این را که بدرستی که مالک میشود بر زمین و سلطنت میکند در آن بندگان صالحان من که حضرت مهدی صاحب الزمان باشد و اصحاب او ، و اینست معنی آیه بحسب تفسیر .

(آیه جهل و نهم) قوله تعالى در سورة حج « اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا »^(۱) یعنی رخصت داده شدند آن کسانی که مقاتله میکنند با کفار بسبب آنکه بدرستی که ایشان مظلوم شده اند .

و در تفسیر مجمع از حضرت صادق روایت نموده که آنحضرت فرمود بدرستی که عامه میگویند که این آیه در حق پیغمبر نازل شده در آن وقتیکه قریش او را از مکه خارج کردند و حال آنکه در حق آنحضرت نازل نشده بلکه بدرستی که این آیه در حق حضرت قائم آل محمد نازل شده و قتیکه ظاهر میشود طلب نماید خون حضرت سید الشهداء را در حالتیکه آنحضرت میگوید ما ئیم صاحب

خون و اولیاء حضرت حسین علیه السلام^۱ تمام شد .

پس معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است ، پس حاصل معنای آیه این میشود بنابراین تفسیر که رخصت داده خداوند بحضرت قائم آل محمد که قتال کند با کفار و آنها را بکشد بجهت مظلوم شدن جدش حسین «ع» در دست آن کفار و فجار بد کردار .

(آیه پنجاهم) درسوره حج قوله تعالی «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور»^۲ یعنی اشخاصی هستند که اگر ما تمکین بدهیم ایشان را در زمین اقامه میکنند نماز را و ادا میکنند زکات را و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند و از برای خدا است عاقبت کارها .

در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود ، پس این آیه در خصوص آل محمد «ص» نازل شده تا آخر آیه و حضرت مهدی صاحب الزمان و اصحاب او را خداوند مالک میکند بر تمامی روی زمین از مشرق تا بمغرب و ظاهر میکند خداوند دین خود را بآنحضرت و محو میکند خداوند با او بدعتها را و باطلها را چنانکه اهل باطل و شقاوت حق را محو کرده بودند تا آنکه دیده نشود ظلم و جور در هیچ جای امر بمعروف و نهی از منکر میکنند^۳ تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۴ . و این حدیث شریف در تفسیر مجمع البیان یاد

نگشته است .

(۲) الحج : ۴۱ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۵ .

نازل شده و مراد از اشخاص تمکین داده شده و اشخاص امر بمعروف کننده و نهی از منکر نماینده آنحضرت و اصحاب آن بزرگوار است بدون شبهه .

(آیه پنجاه و یکم) در سوره حج قوله تعالی « و بئرمعطله وقصرمشید »^(۱) یعنی چاه مهجور شده هست و قصر بلند است .

و در اکمال الدین و کتاب معانی الاخبار از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود بئرمعطله امام صامت است و قصرمشید امام ناطق است^(۲) .
و این تفسیر را در کافی از حضرت امام موسی کاظم «ع» نقل کرده^(۳) .

و در تفسیر قمی فرموده که این آیه مثل است از برای آل محمد «ص» ، و بئر معطله آن چاه است که از آن آب نکشند و مراد از آن امامی است که بتحقیق غائب باشد و از علم او اقتباس نشود و از نور هدایت او روشنی نبرند تا وقت ظهور او و قصرمشید او مرتفع است ، و او مثل است از برای امیر المؤمنین «ع» و ائمه از اولاد او و از فضائل ایشان که منتشر است بر عالم و دنیا را پر کرده و آن اول یعنی امام غائب قول خداوند است « لیظهره علی الدین کله »^(۴) .

پس از تفسیرهای مزبور معلوم شد که مراد از بئرمعطله امام غائب است که صامت عبارت از او است پس بئرمعطله امام غائب شد که بعد ظاهر میشود که از این آیه مقصود او است .

(آیه پنجاه و دوم) قوله تعالی در سوره حج « ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرنه الله »^(۵) یعنی اینست و هر که عاقب و عذاب

(۱) الحج : ۴۵ .

(۲) معانی الاخبار ص ۱۱۱ .

(۳) الکافی ج ۱ ص ۴۲۷ .

(۴) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۵ .

(۵) الحج : ۶۰ .

نماید مثل آن عذابیکه بر او کرده بودند و بعد از آن باز ظلم شود بر او البته خداوند نصرت فرماید او را .

وقمی در تفسیر این آیه فرموده که آن عذاب کننده پیغمبر است زمانیکه بیرون کردند او را قریش از مکه و رفت بغار و طلب کردند او را تا بکشند او را ، پس خداوند عقاب کرد بردشمنان او در روز بدر بکشتن چند نفر از آنها ، پس زمانیکه رحلت فرمود رسول خدا قریش خون کشتگان خود را طلب نمودند و حضرت امام حسین «ع» را شهید کردند و بر اولاد رسول خدا ظلم و ستم نمودند و این قول یزید ملعون است که گفت لیت اشیاخی بیدر شهدوا - الی آخره . پس خداوند فرمود «ذلک و من عاقب» یعنی حضرت پیغمبر خدا «بمثل ما عوقب به» یعنی وقتیکه اراده نمودند که او را بکشند «ثم بغی علیه لینصرنه» بالقائم من ولده^(۱) یعنی البته نصرت و یاری میکند خداوند بحضرت رسول بقیام حضرت قائم آل محمد که از اولاد او است .

پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت امام مهدی صاحب الزمان است و مراد از نصرت خدایتعالی نصرت و یاری با آنحضرت است در زمان ظهور او .

(آیه پنجاه و سیم) قوله تعالی در سوره مؤمنون «حتی اذا فتحنا علیهم بابا اذا عذاب شدید»^(۲) یعنی تازمانیکه گشادیم بر آنها یک دری صاحب عذاب درد ناک .

و در مجمع در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۶ .

(۲) المؤمنون : ۷۷ .

فرمود که : این عذاب شدید بر کافران و ظالمان در رجعت خواهد بود^(۱).

پس از این حدیث معلوم میشود که این آیه در خصوص رجعت است ، و مراد از رجعت رجوع ائمه است با حضرت قائم آل محمد یا بعد از آنحضرت و عذاب شدید بر کفار و فجار در رجعت بدست قائم آل محمد خواهد شد ، چنانکه از تفسیر آیات سابقه معلوم گردید و بعد از آن واضح میگردد .

(آیه پنجاه و چهارم) قوله تعالی در سوره مؤمنون « قل رب اما ترینی ما یوعدون » الی قوله « وانا علی ان نریک ما نعدهم لقادرون »^(۲) یعنی بگوای خدای من هر گاه بنمائی بر من آنچه را که وعده بآنها شده . تا آنکه فرماید : و بدرستی که خداوند قادر است بر اینکه بنمایاند بر تو آنچه را که وعده بآنها داده است .

و در مجمع در سبب نزول این آیه از حضرت پیغمبر «ص» روایت کرده که آن حضرت در حجة الوداع در منی فرمود که : بعد از من کافر نشوید و بعضی از شما گردن بعضی دیگر را نزنید و قسم بخداوند اگر این کار را بکنید البته مرا می بینید در یک کتیبه و فوج بزرگی که شمارا گردن میزنند . راوی گفت پس دست حضرت رسول خدا فشرده شد پس التفات بطرف دیگر نمود و فرمود یاد دست علی شما را گردن میزنند پس در این وقت این آیه نازل شد^(۳).

و در بصائر الدرجات از جابر بن عبدالله روایت کرده که حضرت پیغمبر در مکه خطبه خواند و فرمود : ای مردم من شما را می شناسم که بعد از من کافر میشوید و بعضی گردن بعضی را میزند هر گاه این کار را بکنید من گردن شما را

(۱) مجمع البیان ج ۴ ص ۱۱۴ .

(۲) المؤمنون : ۹۴-۹۵-۹۶ .

(۳) مجمع البیان ج ۴ ص ۱۱۷ .

میزنم ، بعد التفات نمود و برگشت بطرف راست پس مردم گفتند که جبرئیل دست او را فشار داد پس جبرئیل گفت یا آنکه علی «ع» گردن شما را میزند . و از ابان بن تغلب روایت کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود : جبرئیل بر رسول خدا نازل شد پس عرض کرد یا محمد «ص» اگر خدا خواسته باشد تو آنها را گردن میزنی و یا آنکه علی گردن آنها را میزند و وعده گاه شما وادی السلام است . ابان گفت : عرض کردم بحضرت صادق «ع» که وادی السلام کجا است که خداوند وعده داده بر رسول خودش و بحضرت علی که ایشان در آنجا گردن کفار این امت را میزنند . حضرت فرمود : ای ابان وادی السلام پشت کوفه است^(۱) . تمام شد .

پس معلوم گردید که این آیه شریفه در خصوص رجعت است و خبر از رجعت میدهد ، و مراد از « ما یوعدون » و « ما نعدهم » رجعت و رجوع ائمه است ، و از این جهت است که حضرت رسول در اخبار سابقه فرمود گردن شمارا میزنم و یا آنکه علی گردن شما را میزند ، و حضرت صادق فرمود که وعده گاه ایشان در وادی السلام است که پشت کوفه باشد .

پس از این احادیث معلوم شد که این آیه در رجعت ائمه است و مراد از وادی السلام وادی السلام است که نجف باشد ، و از همین جهت است که در تفسیر صافی فرموده که مراد رجعت است و بلکه از مفسرین عامه نیز بیضاوی قائل شده است که این آیه در بیان رجعت است و معلوم است که رجعت ائمه بعد از ظهور حضرت قائم آل محمد خواهد گردید یا با او .

(آیه پنجاه و پنجم) در سوره نور قوله تعالی «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض» الی قوله «یعبدوننی لایشرون

(۱) الصافی ص ۳۴۵ در آنجا از مختصر بصائر الدرجات نقل کرده است .

بی شیئاً»^(۱) یعنی خداوند وعده داد آنکسانی را که ایمان آوردند از شما و عمل صالح کرده‌اند آنها که البته ایشان را در زمین خلیفه میکند همچنانکه خلیفه کرد آن اشخاصی را که قبل از ایشان بودند و البته متمکن میکند خداوند آنها را از اظهار دین که پسندیده است خداوند از برای ایشان و بدل میکند خوف و ترس ایشان را بر امن و آسودگی تا آنکه عبادت کنند خداوند را و بر خدا شریک قرار ندهند .

در کافی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که از آنحضرت سؤال نمودند از این آیه پس حضرت فرمود که ایشان ائمه علیهم السلام هستند و مراد خداوند ایشان است .

وایضاً در کافی از حضرت باقر «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود :
 بتحقیق فرموده است خداوند در کتاب خودش برائمه بعد از حضرت رسول خدا «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات» الایة ، میفرماید برایشان من شما را خلیفه میکنم از برای علم خودم و دین و عبادت خودم بعد از پیغمبر خود چنانکه خلیفه نمودم اوصیای حضرت آدم را بعد از او تا آنکه مبعوث گرداند پیغمبری بعد از او را «یعبدوننی و لایشركون بی شیئاً» میفرماید عبادت میکنند بر من بر اینکه پیغمبری نیست بعد از محمد بن عبدالله و دین غیر از دین او نیست پس هر کس غیر از این را بگوید پس او از فاسقان است و بتحقیق علم را داد برائمه بعد از پیغمبر خودش و ما ئیم آن ولات امر و ائمة الدین پس از ما سؤال کنید^(۲) .

و در کتاب واحده ایضاً از حضرت باقر «ع» روایت کرده در حدیث طولانی

(۱) النور: ۵۵ .

(۲) کافی ج ۱ ص ۲۵۰ .

که بعض از آن در سوره آل عمران ذکر شد که حضرت امیرالمؤمنین «ع» فرمود: تا آنکه خداوند بر آل محمد منجز نماید آنچه را که برایشان وعده داده است در فرمایش خودش «وعد الله الذین آمنوا» الی قوله تعالی «یعبدوننی ولایشرکون بی شیئاً» یعنی عبادت میکنند بر من در حال امنیت و عاقبت و نمیترسند از احدی در عبادت من و نباشد در نزد آنها تقیه، و مراد از شرک در این آیه تقیه است.^(۱)

و در تفسیر قمی فرموده که: این آیه در قوائم آل محمد نازل شده است.^(۲) و در تفسیر مجمع فرموده آنچه از اهل بیت روایت شده در این آیه اینست که آن در مهدی آل محمد نازل گردیده.^(۳)

و عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت امام زین العابدین^(۴) روایت نموده که

(۱) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۳.

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۰۸.

(۳) مجمع البیان ج ۴ ص ۱۵۲.

(۴) حضرت سیدالسادین علی بن الحسین بن علی علیهم السلام ابوالحسن و ابو محمد کنیه داشت زین العابدین و سید الساجدین و سجاد و ذوالثغفات از القاب شریفه آن حضرت بود و ذوالثغفات از آنجهت می گفتند که مواضع سجده آنجناب از کثرت بزمین خوردن برای سجده مانند زانوی شتر پینه گذاشته بودند.

روز جمعه بقولی روز پنجمشبه نیمه جمادی الاخرنهم شعبان المعظم سال ۳۸ بقولی ۳۶ و بقول دیگر ۳۷ هجری متولد گردید اسم مادر آنجناب شاه زنان یا شهر بانویه بود دختر یزد جرد سلطان ایران که با خواهر دیگرش خدمت حضرت امیرالمؤمنین آورده شد حضرت شهر بانویه را به امام حسین و آن یکی

آنحضرت فرمود : قسم بخداوند آنکسانیکه خوف ایشان تبدیل بامنیت و آسودگی میشود و تقیه از آنها برداشته میشود شیعیان ما هستند ، و اینها برای ایشان بدست مبارک یک مرد بزرگوار میشود از ما اهل بیت و آن مرد مهدی این امت است و او آنکس است که حضرت پیغمبر در حق او فرمود: اگر نمانده باشد از عمر دنیا مگر یک روز البته خداوند عالم طولانی کند آن روز را تا آنکه سلطنت نماید و پادشاهی تمام روی زمین را بکند یک مرد بزرگوار از عترت من که نام او نام من است که زمین را پر میکند از عدل و داد خواهی همچنانکه پر شده بود از ظلم و تعدی. و بعد عیاشی فرموده که مثل این از حضرت امام محمد باقرواز حضرت صادق «ع» نیز روایت گردیده^(۱).

و در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در قصه نوح و ذکر انتظار مؤمنین از قوم او فرج را تا آنکه خداوند نمایاند بر آنها خلیفه بحق خودش را و تمکین دین خود را تا آنکه فرمود و همچنین است حضرت قائم آل محمد «ص»، پس بدرستی که طول یابد غائب بودن او تا آنکه حق خالص شود و ایمان صاف گردد از کدر بمرتد شدن هر کسی که طینت او خبیث است از شیعه آنکسانیکه خوف

خواهر را به محمد بن ابی بکر تزویج فرمود که از او قاسم بن محمد بن ابی بکر بدنیا آمد .

پنجاه هفت و بقولی پنجاه و هشت سال عمر آنجناب بود روز شنبه و بقولی روز دوشنبه ۱۲ ماه محرم الحرام و بقولی ۱۸ و بقول دیگر ۲۵ ماه مذکور سال ۱۱۰ و بقولی سال نود و چهارم یانود و دوم هجرت رحلت فرمودند و آنسال را عام الفقهاء نام نهادند زیرا بسیاری از فقهاء در آنسال وفات نمودند .

جنات الخلود ص ۲۴ ، اعلام الوری ص ۲۵۶ .

(۱) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۴ .

نفاق در ایشان هست در وقتیکه احساس کنند ظهور خلیفه خداوند عالم را و متمکن شدن او و دین او در روی زمین و از برای جماعت شیعه خالص است امر و دین منتشر در عهد و زمان ظهور حضرت مهدی آل محمد، و این آیه در حق ایشان است که «وعد الله الذین آمنوا» باشد .

راوی عرض نمود بخدمت آنحضرت که : یا بن رسول الله ناصبها گمان می‌کنند که این آیه در حق ابی بکر و عمر و عثمان و علی نازل شده است؟ حضرت فرمود : خداوند ناصبها را هدایت و ارشاد نکند، چنین نیست چه وقت شد دین خداوند که آنرا اختیار نموده و رسولش آنرا پسندیده که منتشر باشد امر آن در این امت و چه وقت شد که خوف از قلب این امت رفع شود و شک مرتفع گردد از سینه آنها در عهد یکی از ابی بکر و یا عمر و یا عثمان و یا علی علیه السلام با همه آنکه چقدر از مردم در زمان ایشان مرتد شدند و چقدر فتنه‌ها در ایام خلافت ایشان واقع شد و چقدر جنگها در زمان ایشان در بین کفار و مسلمانان واقع گردید^(۱) .

و در احتجاج از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت کرده در حدیثی که عیوبات خلفا در آن بیان کرده و علت مهلت دادن خداوند را بر آنها ذکر نموده تا آنکه فرموده : همه این تحمل ائمه هدی این مصیبتها را بجهت اینست که تمام شود آن مهلت که خداوند بر ابلیس داده و حق شود قول بر کافران و نزدیک شود وعده حق خداوند همچنان وعده که خداوند آن را در کتاب خود بیان فرمود بقول خودش که «وعد الله الذین آمنوا» باشد و ظاهر شدن این وعده در آن زمان می‌شود که نماند از اسلام مگر اسم آن و نماند از قرآن مگر رسم آن و در این وقت خداوند قادر یاری میکند بر امام غائب شده بلسکرهائی که نمی‌بینند آنها را

و ظاهر میکند دین پیغمبر خود را در دست او و غالب میکند او را بر جمیع ادیان باطله^(۱). تمام شد .

پس از این احادیث بسیار واضح گردید که این آیه شریفه در خصوص حضرت قائم آل محمد و در بیان حال زمان ظهور آنحضرت نازل شده و در دلداری ائمه و ضعفای شیعه خداوند این آیه را بحیب خود فرستاد و در این آیه وعده نمود نصرت و یاری غیبی را بر آل محمد و تأیید دین خود را بقیام قائم آل محمد و باطل شدن ادیان باطله و مضمحل بودن اشخاص فاسد العقیده و رفع شدن ظلمه و فجره بظهور آنجناب .

و از ملاحظه تمام این احادیث معتبره کثیره علم قطعی حاصل میشود بر اینکه این آیه شریفه در بیان دولت حقّه حضرت قائم آل محمد و بیان حالات زمان ظهور آنحضرت است بلاشبهه .

پس حاصل ترجمه آیه وافی هدایه بنا بر این اخبار که در تفسیر آن وارد شده این میشود که خداوند عالم وعده داده است بر آنکسانیکه ایمان آوردند ایمان واقعی و عملهای صالح و نیکو کرده اند و از اعمال صالحه ابداً فروگذاری نکرده اند و از عملهای نیکو هیچ ترك نکرده اند و آن کسان هم که از آل محمد میباشند ایشان را البته در روی زمین خلیفه و جانشین خود نماید چنانکه خلیفه و پادشاه کرده در روی زمین جمعی از کسان سابق را مثل سلیمان و داود و ذوالقرنین و غیر ایشان و وعده داده است خداوند بر ایشان بعد از آنکه ایشانرا خلیفه نمود دین ایشان را که پسندیده است از برای ایشان متمکن نماید و غالب کند بر جمیع ادیان و البته مبدل کند خوف آل محمد را بر امنیت و عافیت و آسودگی تا آنکه شیعیان ایشان عبادت کنند بر خداوند بدون ترس و من غیر تقيه و بلاخوف از

کفار و فجار و اشرار.

(آیه پنجاه و ششم) قوله تعالی در سوره شعراء «ان نشأ فنزل علیهم من السماء آیه فضلت اعناقهم لها خاضعین»^۱ یعنی هر گاه خواسته باشیم نازل میکنیم از آسمان علامتی بر آنها پس ثابت میشود گردنهای آنها بر آن علامت خاضع و تواضع کننده.

و در کافی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود: بدرستیکه قائم آل محمد ظهور نمیکند تا آنکه منادی از آسمان ندا کند پس میشوند آن ندا را مخدرات در پس پرده‌ها و میشوند آن را اهل مشرق و اهل مغرب و در فائمه آل محمد نازل شده این آیه که «ان نشأ فنزل علیهم من السماء آیه» باشد^۲.

و در تفسیر قمی از آنحضرت روایت کرده در معنای این آیه که فرمود: دلیل میگردد گردنهای بنی امیه از برای آن علامت که از آسمان است و آن علامت صیحه‌ایست از آسمان با اسم حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه^۳.

و در ارشاد مفید از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که فرمود: زود باشد که خداوند آن علامت را از برای آنها ظاهر میکند. عرض کردند: آنها کدام اشخاص هستند؟ فرمود: بنی امیه و اتباع آنها هستند. عرض نمودند: آیه کدام است؟ فرمود: رکود آفتاب است در بین زوال تا وقت عصر و بیرون میشود سینه و روی در عین شمس و تعریف میکند حسب و نسب قائم آل محمد را و اینها در زمان سفیانی میشود و در وقت وقوع این علامتها بدرک رفتن سفیانی

(۱) الشعراء: ۴.

(۲) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۱۸.

و اتباع او واقع میگردد^(۱).

ودرا کمال الدین از حضرت رضا «ع»^(۲) روایت کرده در حدیثیکه در آن وصف میکند قائم آل محمد را تا آنکه فرمود و آن قائم ما اهل بیت آنکسی است که منادی ندا میکند از آسمان بدعوت و دلالت بر او و هدایت بسوی آن

(۱) الارشاد ص ۳۵۹.

(۲) حضرت امام رضا سلام الله علیه اسم مبارکش علی بود رضا و رضی و وفی و صابرو قبله هفتم بنا بگفته صاحب جنات الخلود از القاب شریفه آنجناب است ابوالحسن کنیه داشت در شمایل شبیه جد بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام بود هر چه سؤال کردند بدون تأخیر جواب می داد هر سه روز یک ختم قرآن میکرد و می فرمود زودتر هم می توانم ولی در هر آیه رحمت و غضب تأمل میکنم خدمتکاران را اذیت نمی داد و با آنها غذا میل می فرمود در خانه لباس کهنه می پوشید ولی در نظر مردم زینت می فرمود.

از کلمات قصار و در بار آنجناب است: قناعت آبروی آدم را حفظ کرده و قدر او را عزیز می گرداند و از بندگی اهل دنیا می رهاوند و کس قناعت می کند مرید آخرت و اجتناب کننده از لثیمان و پست فطرتان.

عمر شریف آن حضرت مشهور ۵۵ سال و بقولی ۵۱ و بقول دیگر ۴۹ سال و چند ماه بود که ۲۴ سال و دو ماه با پدر بزرگوار بود. روز سه شنبه یا پنجشنبه و بقولی روز جمعه ۱۱ ماه ذیحجه و بقولی ذیقعد و بقولی ۱۵ ذی قعد و بقول دیگر ذی حجه سال ۱۴۸ و بقولی ۱۵۳ هجرت متولد گردید و چون بزمین قدم مبارک گذاشت روی بقبله پیشانی بزمین گذاشته شهادتین ادا و به امامت آباء گرامی و امامت خود اقرار نمود و بقول مشهور در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ در اثر سم دادن مأمون شهید شد. جنات الخلود ص ۳۲.

حضرت که نداء را میشوند اهل زمین و در آن ندا منادی میگوید آگاه باشید ای مردم که بدرستی که حجت خداوند بتحقیق ظاهر شده در نزد بیت الله پس تابع شوید اورا پس بدرستی که حق با اوست و حق در اوست و اینست معنی فرمایش خداوند که میفرماید «ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه». تمام شد^(۱). پس از این احادیث معلوم شد که این آیه در شأن قائم آل محمد نازل شده و مراد از آیه و علامت ظهور آن بزرگوار است و مراد از خاضعین و تواضع کردن گردنها در این آیه شریفه خضوع و ذلت بنی امیه و اتباع ایشان بر حضرت قائم آل محمد و بعد از این تفسیرها معنای آیه واضح است.

(آیه پنجاه و هفتم) قوله تعالی در سورة نمل «امن یجیب المصطو اذا دعاه ویكشف السوء»^(۲) یعنی آیا کیست که اجابت نماید دعاء شخص مضطر را زمانیکه آن مضطر دعا کند و بگشاید و رفع نماید بدی را و بلا را.

وقمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود: این آیه نازل شده در شأن قائم آل محمد و قسم بخداوند او است، مراد از این مضطر زمانیکه نماز کند در مقام دورگمت و دعا کند و از خداوند سؤال نماید پس خداوند عالم دعاء اورا مستجاب میکند و کار اورا فراهم نماید و کشف سوء از آن حضرت کند و قرار میدهد اورا در زمین خلیفه و پادشاهی زمین را بر او عطا فرماید^(۳).

و در روایت دیگر فرمود: پس اول کسیکه بر او بیعت میکند جبرئیل میشود و بعد از او سیصد و سیزده نفر مرد بیعت میکنند بر آن حضرت. تمام شد.

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۲.

(۲) النمل: ۶۲.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۲۹.

پس از این تفسیر معلوم و واضح شد که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد نازل گردیده و مراد از مضطر در این آیه آنحضرت است بدون شبهه در این. (آیه پنجاه و هشتم) قوله تعالی در سورة نمل « وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اِنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَیُوقِنُونَ » (۱) یعنی وقتی که واقع میشود قول معهود معین و عده شده بر آنها - و مراد از این قول معهود و عده رجعت است در زمان ظهور قائم آل محمد چنانکه در تفسیر صافی نقل نموده - بیرون میکنیم از برای آنها از زمین دابه ای را که با آنها تکلم میکند آن دابه بدرستیکه مردم بوده اند بآیات ما و علامتهای و عده شده ما باور و یقین نمایند و بر آیات ما اعتقاد نکننده .

و مراد از دابه الارض در این آیه شریفه حضرت امیر المؤمنین است، چنانکه قمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت نموده که فرمود: يك روز حضرت پیغمبر «ص» رفت بمسجد و حضرت علی را دید که خوابیده است و يك قدرريك در زیر سرش جمع نموده پس پیغمبر «ص» اورا بپایش حرکت داد و فرمود براوقم یا دابه الارض یعنی بر خیز ای دابه الارض. پس يك نفر از اصحاب بآنحضرت عرض نمود: یا رسول الله ما نیز با همدیگر این نحو خطاب نمائیم؟ فرمود: نه بخدا قسم نیست این اسم مگر از برای او خاصه و او است دابه الارض همچنانکه خداوند اورا در قرآن ذکر فرموده بقول خودش «وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ» الایه . و بعد از آن فرمود: یا علی وقتی که آخر الزمان میشود خداوند عالم ترا بیرون میکند در خوشترین صورت و با تو باشد میسم که با آن داغ میکنی دشمنان خود را . تا آخر حدیث^(۲).

(۱) النمل : ۸۲ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰ .

پس از این تفسیر واضح شد که مراد از «وقع القول» رجعت است و مراد از آخر الزمان زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است .

وایضاً قمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق روایت نموده که يك مرد بعمار عرض کرد که : يك آیه در کتاب خداوند مرا بحیرت انداخته و قلب مرا فاسد نموده . پس عمار فرمود : کدام آیه است آن . عرض کرد آیه «اذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض» این دابه کیست و مراد از آن چیست پس عمار فرمود : قسم بخداوند نمیخورم و نمی نشینم تا آنکه دابة الارض را بتو نشان ندهم، پس عمار با آن شخص آمد بخدمت حضرت امیر المؤمنین «ع» در حالتیکه آنحضرت خرما و مسکه میخورد ، پس حضرت امیر بعمار فرمود که بیا تو هم بخور و عمار نیز قبول نمود و خورد ، پس آنکس تعجب کرد از قسم یاد کردن عمار و خوردن او، پس وقتیکه عمار برخاست آن شخص عرض کرد بعمار که تو قسم یاد کرده بودی که نخوری تا آنکه بمن نشان بدهی دابة الارض را . عمار فرمود : من ترا نشان دادم دابة الارض را و با او نیز خرما خوردم و آن حضرت بود دابة الارض اگر تو عقل داشته باشی^(۱) .

و در تفسیر عیاشی مثل این قضیه را از ابوذر نقل نموده^(۲) .

و در کافی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین فرمود : بتحقیق خداوند بمن عطا فرمود علم شش چیز را علم بلاها و علم مرگها و علم وصیتهای انبیاء و اولیاء و علم فصل الخطاب و سن صاحب رجعتها و صاحب دولة الدول هستم و منم صاحب عصا و میسم و دابة الارض همچنانیکه تکلم میکنم با مردم^(۳) .

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۱ .

(۲) الصافی ص ۳۷۴ .

(۳) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۸۰ .

و در اکمال الدین از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده در حدیث که ذکر فرمود در آن دجال را و کشته شدن او را و فرمود آگاه باشید بعد از کشته شدن دجال طامة الکبری ظاهر خواهد شد . عرض کردند : طامة الکبری چه چیز است یا امیر المؤمنین ؟ فرمود: بیرون شدن دابة الارض است از نزد صفا و مروه که با او باشد عصای موسی و خاتم سلیمان میگذارد خاتم را بروی هر مؤمن پس نقش میشود در روی او که او مؤمن است حقا و میگذارد آن را بروی هر کافری پس نوشته شود در او که این کافر است حقا . تا آخر حدیث ^(۱) .

پس از این حدیث معلوم میگردد که بیرون شدن دابة الارض در رجعت میشود و آن هم بعد از کشته شدن دجال است که قبل از ظهور حضرت قائم خروج خواهد کرد و در زمان آن حضرت کشته خواهد شد .

و در مجمع در تفسیر این آیه روایت کرده که از حضرت امیر «ع» سؤال کردند از دابة الارض . حضرت فرمود : منم دابة الارض بخدا قسم و از برای او ذنب نیست و او ریش دارد ^(۲) .

و احادیث دیگر در این معنی موجود است در کتب اخبار ، پس از این احادیث معتبره معلوم میشود که این آیه شریفه در رجعت ائمه نازل شده و آن هم بعد از ظهور قائم آل محمد است ، پس این آیه چنانکه بمقتضای این تفسیرها دلالت بر رجعت ائمه میکند همچنین دلالت بظهور قائم آل محمد نیز میکند زیرا که ظهور آن حضرت قبل از رجعت اجدادش خواهد شد البته .

(آیه پنجاه و نهم) قوله تعالى در سورة نمل « و یوم نحش من کل امة

(۱) اکمال الدین ج ۲ ص ۵۲۷ .

(۲) مجمع البیان ج ۴ ص ۲۳۴ .

فوجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون»^(۱) یعنی روزی که محشور میکنیم از هرامتی يك فوج را از کسانیکه تکذیب میکردند آیات مارا وبدروغ نسبت میدادند علامات مارا پس آن تکذیب کنندگان نگاهدارنده ومحبوس میشوند. ومراد از این آیه رجعت است بلا شبهه ، چنانکه قمی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر دابة الارض روایت کرده که حضرت فرمود دابة الاضی در رجعت وبعد از ظهور قائم آل محمد بیرون میآید ودلیل بر رجعت قوله تعالی «ویوم نحشر من کل امة فوجاً ممن یکذب بآیاتنا» وفرمود مراد از آیات حضرت امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام است . راوی عرض نمود : یا بن رسول الله عامه میگویند که مراد از آیه حشر در قیامت است . حضرت فرمود : پس آیا در قیامت خداوند محشور میکند از هرامتی يك فوج را وباقی میگذارد باقی مردم را نه چنین نیست واین آیه در رجعت است و آیه قیامت پس او «وحشرناهم فلم نغادر منهم احداً»^(۲) است که میفرماید احدی را در قیامت ترك نمیکنیم وهمه را محشور میکنیم. پس از این حدیث شریف واضح شد که آیه اول در رجعت است ومحتاج بیان نیست .

وايضاً قمی در تفسیر این آیه از آنحضرت روایت کرده که فرمود : نیست احدی از مؤمنان که کشته شده است مگر آنکه اورجعت میکند تا آنکه اوبأجل خود بمیرد ورجعت نمی کند مگر آنکسیکه ایمان خالص داشته باشد ومگر آن شخصی که او کافر باشد^(۳) .

ودر مجمع در تفسیر آیه فرموده که : بتحقیق احادیث بسیار از ائمه وارد

(۱) النمل : ۸۴ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۱ .

گردیده که خداوند عالم در وقت ظهور قائم آل محمد قومی را زنده می کند از کسانی که مرده اند از اولیاء آنحضرت و شیعیان او تا آنکه فائز شوند بثواب نصرت او و یاری کردن او و شاد شوند بظاهر شدن پادشاهی او ، و زنده میکند خدایتعالی قومی را از دشمنان او تا آنکه انتقام بکشد از ایشان و تا آنکه برسند آنها ببعض آنچه که آنها مستحق هستند بر آن از عذاب و کشته شدن در دست اولیاء خداوند و در دست شیعه ایشان ، و برسند بر ذلت و خواری از آنچه مشاهده می کنند از عالی شدن کلمه خداوند .

و هیچ عاقل شك نمی کند در این که آنچه از اخبار رسیده مقدور است بخداوند و محال نیست ، و زنده شدن در امام سابقه و قرون ماضیه اتفاق افتاده و زنده کرده خداوند جمعی را و قرآن بر آن نطق کرده در چند موضع ، مثل قصه عزیر و قوم موسی و آن کسانی که از طاعون کریخته بودند و غیر ایشان بنا بر آنچه ما تفسیر نمودیم در جای خودش .

و در اخبار صحیحه بسیار از حضرت پیغمبر روایت کردند که فرموده :
در امت من واقع میشود آنچه در بنی اسرائیل واقع شده بدون کم و زیاد تمام شد^(۱).

و در صافی در تفسیر این آیه بعد از نقل اخبار بسیار فرمود : بتحقیق تصنیف نموده حسن بن سلیمان حلی طاب مثواه کتابی در فضائل اهل بیت و نقل کرده در آن اخبار کثیره در اثبات رجعت و تفصیل آن ، و ذکر نموده در آن کتاب اینکه دابة الارض حضرت امیر المؤمنین «ع» است باخبار زیاد که معنای آنها موافق است ، و نقل نموده اکثر آنها را از کتاب سعد بن عبد الله که مختصر البصائر است^(۲) تمام شد .

(۱) مجمع البیان ج ۴ ص ۲۳۴ .

(۲) الصافی ص ۳۷۵ طبع تبریز .

پس از احادیث سابقه و کلمات مفسرین در اینجا معلوم شد که این آیه در رجعت ائمه است و در مقام بیان ظهور قائم آل محمد است نه در بیان قیامت است. (آیه شصتم) قوله تعالی در سوره نمل «سیریکم آیاته فتعروفونها»^(۱) یعنی زود باشد که خداوند بنمایاند بشما آیات و علامات خودش را پس شما نیز آنها را می شناسید .

و در تفسیر قمی در حدیث گذشته که از حضرت صادق «ع» روایت نموده بود فرمود که : مراد از آیات حضرت امیر المؤمنین و ائمه است^(۲) .

و در تفسیر این آیه ایضاً از آنحضرت روایت کرده که فرمود : مراد از آیات در این آیه ائمه علیهم السلام است در وقتیکه رجعت نمایند بر دنیا، و ایشان را می شناسد دشمنان ایشان در رجعت در زمانیکه بیند ایشان را در دنیا و حضرت امیر فرمود از برای خداوند آیه بزرگتر از من نیست قسم بخداوند . تمام شد^(۳).

پس از این دو حدیث معلوم می شود که این آیه در رجعت ائمه است ، زیرا که مراد از آیات وقتیکه ائمه شد معلوم است دیدن ائمه در یکجا در رجعت خواهد شد و دشمنان ایشان را در رجعت خواهد دید و آن در وقت ظهور قائم آل محمد «ص» و بعد از آن می شود ، بلکه ائمه در رجعت پادشاهان خواهند شد ، چنانکه در بصائر روایت کرده که از حضرت صادق پرسیدند از تفسیر «وجعلکم انبیاء وجعلکم ملوکاً»^(۴) یعنی گردانید شمارا پیغمبران و گردانید شمارا پادشاهان . فرمود : پیغمبران حضرت رسول و ابراهیم و اسمعیل و ذریه

(۱) النمل : ۹۳ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۲ .

(۴) «اذ جعل فیکم انبیاء وجعلکم ملوکاً» آیه ۲۰ از سوره مائده .

اویند و پادشاهان ائمه‌اند. راوی گفت چه پادشادی بشماداده‌اند حضرت فرموده پادشاهی بهشت و پادشاهی رجعت را خداوند بما ائمه داده است^(۱).

(آیه شصت و یکم) قوله تعالی در سوره قصص «ونريد ان نمنن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين ونمكن لهم في الارض ونرى فرعون وهامان وجنودهما منهم ما كانوا يحذرون»^(۲) یعنی اراده می‌کنیم بر اینکه مدت گذاریم بر آنکسانیکه ضعیف شده‌اند در روی زمین و قرار بدهیم ایشان را امامان و قرار بدهیم ایشان را وارث در روی زمین و مالک آن و تمکین بدهیم از برای ایشان در زمین و سلطنت روی زمین را بایشان بدهیم و بنمائیم بر فرعون و هامان و لشگرهای آنها از ائمه آنچه را که از آن حذر میکردند و این آیه شریفه باتفاق مفسرین امامیه در شأن اهل بیت و قائم آل محمد نازل شده است، چنانکه صدوق در کتاب غیبت از حضرت امیر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود: مراد از این آیه آل محمد هستند که برانگیزد خداوند مهدی ایشان را بعد از ضعیف شدن و بی مدد و بی یار شدن ایشان پس آن مهدی آل محمد ایشان را شاد نماید و دشمنان ایشان را میکشد^(۳).

و در کافی روایت کرده که حضرت باقر «ع» نظر بحضرت صادق «ع» نمود که راه میرفت، پس فرمود این از آنکسان است که خداوند در حق ایشان فرموده است «ونريد ان نمنن على الذين» الایة^(۴).

و در معانی الاخبار از حضرت صادق «ع» روایت کرده که حضرت رسول

(۱) تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۷۷ به روایتی: ملك بهشت و ملك آتش را بسادادند.

(۲) القصص: ۵ و ۶.

(۳) الصافی ص ۳۷۶ ط تبریز.

(۴) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۸۵.

خدا نظر نمود بحضرت امیر و امام حسن و امام حسین پس گریه نمود و فرمود : شما بعد از من مستضعف میشوید. پس عرض کردند بحضرت صادق که : معنای فرمایش پیغمبر چه بود ؟ فرمود : معنای آن این بود که شما آنکسانی هستید که بعد از من ائمه و امامان میشوید و خداوند در شأن شما فرموده « و نرید ان نمن علی الذین » الایة ، و بعد از آن حضرت صادق فرمود که : این آیه جاری است در ما اهل بیت تا روز قیامت^(۱).

و در مجالس ایضاً از آنحضرت روایت کرده که فرمود در این آیه که : آن از برای ما است و در ما اهل بیت است^(۲).

و در اکمال الدین و کتاب غیبت روایت نموده که وقتی که حضرت قائم آل محمد متولد شد پس این آیه را خواند و اول تکلمش باین آیه بود^(۳).

وقمی در تفسیر این آیه فرموده که : آن مثلی است که خدا زده است برای اهل بیت رسالت که موجب تسلی ایشان باشد ، زیرا که فرعون و هامان و قارون ستم کردند بر بنی اسرائیل و ایشان و اولاد ایشان را میکشند ، و نظیر ایشان در این امت فلان و فلان و فلان و اتباع آنها هستند که سعی میکردند در قتل و قمع اهل بیت رسول خداوند عالم ، پس حقتعالی وعده داده بر رسول خود که هم چنانکه ولادت حضرت موسی «ع» را مخفی کردم و او را از فرعون و اتباع او غائب کردم و بعد از آن او را ظاهر نمودم و بر فرعون و اتباع او غالب کردم و هم در دست او هلاک کردم همچنین حضرت قائم آل محمد و اولاد او را پنهان میکنم و از فراغت زمان خود او مستور خواهم گردانید و در رجعت ایشان را بر آنها

(۱) معانی الاخبار ص ۷۹ .

(۲) الصافی ص ۳۷۶ .

(۳) کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۵ .

غالب خواهم کرد که انتقام خود را از آن فراعنه بکشند^(۱).

پس تاویل آیه چنین است که می‌خواهم منت گذارم بر آنکسانی را که ایشانرا ضعیف گردانیدند در زمین که اهل بیت رسالت باشند و بگردانم ایشان را امامان و بگردانم ایشانرا وارثان زمین که پادشاهی روی زمین از برای ایشان مسلم باشد و تمکن و اقتدار بدهم بر اهل بیت رسالت در زمین که باطل را براندازند و حق را ظاهر گردانند و بنمائیم بر فرعون و هامان و قارون این امت را و اتباع آنها را که حق آل محمد را غصب کردند.

« منهم » یعنی از آل محمد آنچه را که از آن حذر می‌کردند از کشته شدن و معذب بودن و همچنین حضرت امام حسین و اصحاب او را زنده کنیم و قاتلان ایشان را نیز زنده نمائیم تا انتقام بکشند از آنها و آنها را بدترین عذاب بقتل رسانند.

وقمی فرموده که خطاب در این بر آل محمد است، بعلمت آنکه اگر خطاب بایشان نباشد و در خصوص حضرت موسی نازل باشد خداوند می‌فرمود « منہ ماکانوا یحذرون » نه آنکه بفرماید منہم پس زمانیکه خداوند فرمود منہم معلوم شد که خطاب بر آل محمد است.

و در تفسیر جوامع از حضرت امام زین العابدین روایت کرده که فرمود :
قسم بآن خدائی که پیغمبر را بحق بشیرو نذیر مبعوث کرده بدرستی که ما اهل بیت و شیعیان ما بمنزلۀ موسی و شیعیان او هستیم و بدرستی که دشمنان ما و اتباع آنها بمنزلۀ فرعون و اتباع او هستند^(۲).

پس از این احادیث معتبره بسیار معلوم گردید که این آیه شریفه در شأن اهل

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۳ .

(۲) الصافی ص ۳۷۶ .

بیت و در خصوص رجعت ایشان و ظهور مهدی آن بزرگواران نازل شده و یا آنکه نزولش در حضرت موسی و بنی اسرائیل است و تأویل آن در اهل بیت رسالت و در ظهور قائم آل محمد است و این جای شبهه نیست .

(آیه شصت و دوم) قوله تعالی در سوره قصص « ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد »^(۱) یعنی بدرستی که آن خداوند که فرض و واجب کرده قرآن را بر تو البته ترا رد میکند بسوی معاد و محل عود معین .

قمی در تفسیر این آیه از حضرت سجاد روایت کرده که آنحضرت فرمود یعنی رجعت میکند بسوی شما پیغمبر و امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام^(۲) .

و ایضاً از حضرت باقر «ع» روایت کرده که در نزد آنحضرت ذکر شد جابر ابن عبدالله پس حضرت فرمود : خدا بر جابر رحمت کند بتحقیق رسید جابر در علم بمرتبه که میداند تأویل این آیه را یعنی مراد از آن رجعت است^(۳) .

و علامه مجلسی اعلی الله مقامه بعد از ذکر این آیه فرموده : واحادیث بسیار وارد شده است که مراد رجعت حضرت رسول خدا است بسوی دنیا تمام شد پس از این اخبار معلوم شد که این آیه در خصوص رجعت ائمه نازل شده و رجعت ایشان هم با ظهور قائم آل محمد و بعضی بعد از او خواهد بود .

(آیه شصت و سیم) قوله تعالی در سوره عنکبوت « ولئن جاء نصر من ربک ليقولن انا کننا معکم »^(۴) یعنی اگر بیاید نصرت و یاری از خداوند تو البته میگویند ایشان بدرستی که ما با شما بودیم در دین .

(۱) القصص : ۸۵ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۷ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۷ .

(۴) عنکبوت : ۱۰ .

و در تفسیر قمی فرموده است که مراد از «نصر» در این آیه شریفه قائم آل محمد است^(۱).

و از اخبار کثیره و ادعیه بسیار معلوم میشود که مراد از نصرت و ناصر آن بزرگوار است ، چنانکه در دعاء عهد که بسند معتبر نقل شده از حضرت صادق وارد است که «**واجعله اللهم مفزحاً لمظلوم عبادك و ناصرأ لمن لا یجد له ناصرأ غیرك و مجدداً لماعطل من احکام کتابك**»^(۲) یعنی قرار بده خداوندنا قائم آل محمد را پناه از برای مظلوم بندگان خود و ناصر و نصرت و یاری کننده از برای آنکسیکه نمییابد از برای خود نصرت کننده مگر ترا ، و قرار بده او را تازه کننده آنچه معطل و ضایع شده از حکمهای کتاب تو. پس از این دعا معلوم میشود که نصرت مظلومین و نصر بر مؤمنین با و خواهد بود .

و در خطبه غدیر حضرت پیغمبر فرموده آگاه باشید بدرستیکه ختم کننده امامان از ما است که قائم مهدی باشد آگاه باشید بدرستیکه او است غالب شونده بر ادیان باطله ، آگاه باشید بدرستیکه او است انتقام کننده از ظالمان آگاه باشید بدرستیکه او است فتح کننده قلعه های محکم و خراب کننده آنها ، آگاه باشید بدرستیکه او است کشنده اهل شرك از هر قبیله ، آگاه باشید بدرستیکه او است درك کننده هر خون ناحق ریخته که از اولیاء خداوند ریختند ، آگاه باشید بدرستیکه او است ناصر دین خداوند ، آگاه باشید او است غراف از دریای عمیق او است که نامیده کند صاحب هر فضل را بفضل خودش و صاحب هر جهل را بجهلش ، آگاه باشید بدرستیکه او است بر گزیده خدا و اختیار شده خداوند آگاه باشید او است وارث هر علم و احاطه کننده بر آن علم ، آگاه باشید او

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۹ .

(۲) مفاتیح الجنان ص ۵۳۹ ط اسلامیه ۱۳۵۹ .

است خبر دهنده از خداوند عالم، آگاه باشید او است رشید سدید، آگاه باشید بدرستیکه او است که واگذار شده بر او احکام دین خدا، آگاه باشید بدرستیکه او است که بتحقیق بشارت دادند بآمدن او پیغمبران گذشته‌ها، آگاه باشید او است حجت باقی و نیست حجت بعد از او و نیست حق مگر با او و نیست نور مگر در نزد او، آگاه باشید نیست غالب بر او و نیست نصرت شده بر او، آگاه باشید او است ولی الله در زمین و حکم خدا در میان خلق و امین خدا بر سر او و علانیة او^(۱). و این نحو احادیث و اخبار بسیار است که دلالت میکند بر اینکه حضرت قائم آل محمد ناصر است و نصرت با او است و نصرت بر مؤمنین با او خواهد شد، پس معلوم میشود که مراد از «نصر» در این آیه آنحضرت است، چنانکه علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه فرموده و مراد نصرت آن بزرگوار است در زمان ظهورش بر مؤمنین.

(آیه شصت و چهارم) قوله تعالى در سورة روم «**ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس**»^(۲) یعنی ظاهر شد فساد در بیابانها و دریاها بسبب آنچه یکه کسب کرده آن را دستهای مردم.

و ظاهر شدن فساد در بر و بحر اشاره است بآن فسادهایی که قبل از ظهور آن بزرگوار و در نزدیک ظهور قائم آل محمد «ص» در روی زمین و در میان مردم ظاهر میشود و زمین از ظلم و جور پر میشود، چنانکه در دعای عهد باین تصریح نموده بقوله «**واکحل ناظری بنظرة منی الیه و عجل فرجه و سهل مخرجه و اوسع منهجه و اسلك بی محجته و انفذ امره و اشدد ازره و اعمر اللهم به بلادک و احی به عبادک فانک قلت و قولک الحق ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس فاظهر اللهم لنا و لیک و ابن و لیک و ابن بنت نبیک**

(۱) الصافی ص ۱۴۱ ط تبریز.

(۲) الروم : ۴۱ .

المسمى باسم رسولك « تا آخر^(۱) .

پس از این دعا واضح میگردد که مراد از ظهور فساد در بر و بحرواقع شدن فساد است در زمین قبل از ظهور آنحضرت و پرشدن زمین است از ظلم و جور، پس مراد از آیه بیان علامات ظهور قائم آل محمد است بدون شبهه .

(آیه شصت و پنجم) قوله تعالى در سورة لقمان « واسبغ علیکم نعمه ظاهرة وباطنة »^(۲) یعنی خداوند عالم تمام نمود و فراخ کرد بر شما نعمتهای ظاهری و باطنی خود را و از هیچ وجه بر شما نقصی نگذاشت .

و در اکمال الدین و مناقب از حضرت امام موسی کاظم «ع» روایت کرده اند که در معنای این آیه فرمود که مراد از نعمت ظاهره امام ظاهر است و از نعمت باطنه امام غائب است تمام شد^(۳) .

پس از این تفسیر معلوم میشود که مراد از باطنه در این آیه حضرت قائم آل محمد است بلاشکال .

(آیه شصت و ششم) قوله تعالى در سورة الم سجده « ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون »^(۴) یعنی البته میچشانیم بر آنها از

(۱) زینت بده چشم را بدیدار او فرج وی را زود کن خروج او را آسان گردان راهش گشاد کن مرا براه او بپیرا او را نافذ ساعد وی را سخت و محکم گردان خدایا بلاد و ممالک با دست او آباد و بندگانت را زنده کن تو فرمودی و قول تو راست است : فساد در بیابان «خشکی» و دریا «آب» ظاهر گشت در مقابل آنچه دستهای مردم کسب کردند خدایا برای ما ظاهر گردان ولی خود را و فرزند ولی خود را و پسر دختر ولی خود را «او را» که نامش نام پیغمبر تو است.

(۲) لقمان : ۲۰ .

(۳) اکمال الدین ج ۲ ص ۳۶۸ .

(۴) السجدة : ۲۱ .

عذاب نزدیکتر و یا پست تر از عذاب بزرگتر شاید که آنها برگردند .
 و قمی در تفسیر این آیه فرموده که : عذاب ادنی عذاب رجعت است بسا
 شمشیر و مراد از رجوع رجوع آنها است در رجعت تا آنکه معذب باشند^(۱).
 و در مجمع در تفسیر این آیه فرموده در اخبار بسیار از حضرت باقر و صادق
 علیهما السلام وارد شده که مراد از عذاب ادنی عذاب دابة الارض و فتنه دجال
 است^(۲) .

و این بالضرورة در زمان ظهور حضرت قائم و یا قبل او و مقارن ظهور او
 خواهد بود ، و در بعضی از اخبار وارد شده که مراد از عذاب ادنی عذاب قبر است
 و این منافات با احادیث سابقه ندارد زیرا که ممکن است که مراد عذاب قبر
 و عذاب رجعت هر دو باشد و یا آنکه یکی تنزیل و یکی تأویل باشد ، و بلکه آخر
 آیه که « لعلهم يرجعون » باشد دلیل است که این آیه در رجعت است و عذاب
 قبر تأویل است .

و علامه مجلسی اعلی الله مقامه در تفسیر این آیه فرموده که حضرت امام
 جعفر صادق «ع» فرمود که : عذاب نزدیکتر عذاب رجعت است که بشمشیر ایشان
 را عذاب خواهند کرد و عذاب بزرگتر عذاب قیامت است و مراد از برگشتن
 و زنده شدن در رجعت است . تمام شد^(۳) .

(آیه شصت و هفتم) قوله تعالى در سورة سجده « و يقولون متی هذا
 الفتح ان کنتم صادقین »^(۴) یعنی و میگویند آن کفار که چه وقت است این فتح

(۱) تفسیر نومی ج ۲ ص ۱۷۰ .

(۲) تفسیر مجمع البیان ج ۴ ص ۳۳۲ .

(۳) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۶ .

(۴) السجدة : ۲۸ .

اگر شما راست میگوئید « قل يوم الفتح لاينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون »^(۱) یعنی بگو روزیکه میآید فتح نفع نمیدهد برای آنکسانیکه کافر شدند ایمان آنها و نه آنها مهلت داده میشوند .

و این دو آیه شریفه در بیان رجعت و ظهور قائم آل محمد است چنانکه در تفسیر قمی فرموده که این آیه مثل است که خداوند این مثل را در بیان رجعت زده است و در ظهور قائم آل محمد بیان کرده .

پس وقتی که خبر داده بر آنها حضرت پیغمبر خبر رجعت را آنها را گفتند این فتح چه وقت خواهد شد اگر شما راست میگوئید آن را و این آیه عطف و متصل است بقول خداوند که فرمود « ولنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر »^(۲) .

پس از این بیان معلوم شد که این آیه در بیان رجعت و ظهور قائم آل محمد است ، و بعد از تأمل واضح میگردد .

(آیه شصت و هشتم) قوله تعالى در سورة سباء « وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة و قدرنا فيها السیر سیرا فيها لیالی و ایاماً آمینین »^(۳) یعنی قراردادیم در بین ایشان و بین قری و دهات همچنانکه مبارک کردیم در آن دهات ظاهری و مقدر نمودیم در آن دهات سیر کردن را سیر کنید در آن دهات شبها و روزها در حال امن .

و اول این آیه در خصوص اهل بیت است و آخرش در شأن قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است ، همچنانکه در احتجاج از حضرت باقر «ع» روایت

(۱) السجدة : ۲۹ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۷۱ .

(۳) سبأ : ۱۸ .

نموده در حدیث حسن بصری در این آیه که فرمود: بلکه در ما خداوند ضرب مثل کرده در قرآن پس ما اهل بیت هستیم «القری التي بارک الله فیها» و این فرمایش خداوند در حق کسی است که اقرار کند بفضیلت ما اهل بیت زیرا که ایشان را خداوند نامر کرده بر اینکه بیایند بنزد ما، پس خداوند فرموده «وجعلنا بینهم و بین القری التي بارکنا فیها» یعنی قرار دادیم در بین ایشان که ائمه باشد و بین شیعیان ایشان «القری التي بارکنا فیها قری ظاهرة» قریه‌های ظاهری و قریه ظاهری قاصدها و نقل کننده احادیث ما ائمه است بسوی شیعیان خودمان و فقهاء شیعیان، و قوله سبحانه «وقدرنا فیها السیر» پس سیر مثل است از برای علم و دانائی که سیر شده بآن علم شبها و روزها در آن قریه‌ها، و این مثل است از برای آنچه سیر میکند از علم در شبها و روزها از ما ائمه بسوی ایشان از حلال و حرام و فریضه‌ها و احکام در امنیت‌اند در آنچه از ما بسوی ایشان رسیده آن وقتیکه آن را از معدن علم اخذ نمایند که از طرف خداوند مأمور شدند که اخذ کنند آن علمهارا از آن معدن و زمانیکه این نحو رفتار نمودند در امن هستند از شك و ضلالت و از تبدیل حرام بحلال^(۱).

و ایضاً در احتجاج از حضرت سجاد روایت کرده که فرمود: بدرستی که خداوند قصد نموده از قری مردان چندی را. عرض نمودند: پس ایشان کدام مردم میباشند؟ فرمود: ما ائمه و فرمود آیا نشنیده فرمایش خداوند را «سیر و افیها لیلی و ایاماً آمین» آمین هستند از زیغ^(۲).

و در اکمال الدین از حضرت قائم آل محمد «ص» روایت نموده در تفسیر

(۱) الاحتجاج ج ۲ ص ۶۳ .

(۲) الاحتجاج ج ۲ ص ۴۲ . زیغ بمعنی میل و شك آمده . آمین من الزیغ یعنی از میل کردن به باطل و از شك نمودن در حق ایمن و خاطر جمع‌اند .

این آیه که فرمود : ما اهل بیت بخدا قسم آن قری هستیم که خداوند مبارک نموده در آن قری وشما شیعیان قریه‌های ظاهری هستید^(۱) .

و در علل الشرایع از حضرت صادق « ع » روایت نموده که آنحضرت با ابوحنیفه فرمود : آیا توئی فقیه و عالم اهل عراق ؟ عرض کرد : بلی . فرمود : بچه فتوی میدهی بر آنها . عرض نمود : بکتاب خدا و سنت رسول او . فرمود : ای ابوحنیفه آیا میدانی کتاب خداوند را حق دانستن و می‌شناسی ناسخ آن را از منسوخ آن ؟ عرض کرد : بلی پس فرمود : ای ابوحنیفه بتحقیق ادعا کردی يك علم بزرگ را ، وای بر تو خداوند قرار نداده این علم را مگر در نزد اهل آن قرآن که قرآن را خداوند برایشان نازل فرموده ، وای بر تو نیست آن علم مگر در نزد آنکس که الان حاضر است از ذریه حضرت پیغمبر ، و نمی‌دانم ترا که بشناسی از کتاب خداوند يك حرف را و تأویل حرف را بدانی پس اگر توهستی همچنانکه میگوئی و حال آنکه نیستی آنچنانکه میگوئی پس خبر بده بمن از فرمایش خداوند که « سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین » باشد این کجای از زمین است . ابوحنیفه عرض نمود : گمان میکنم که مابین مکه و مدینه باشد . پس حضرت توجه فرمود باصحاب خود و فرمود : آیا شما می‌دانید که بدرستی که در بین مکه و مدینه قطاع طریق و راهزن است و میدانید که در آنجا چه قدر مال مردم و جان خلق تلف میشود . عرض کردند : بلی میدانیم . پس ابوحنیفه ساکت ماند و چیزی پیدانگردد که بگوید ، پس حضرت فرمود که : این آیه شریفه در حق قائم ما اهل بیت است و این امن و آسودگی با او خواهد شد تمام شد^(۲) .

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۳ .

(۲) علل الشرایع ج ۱ ص ۸۹ . صدوق علیه الرحمة بسند خود از ابی زهیر بن شیبب بن انس و او از یکی از اصحاب خود روایت می‌کند از حضرت

امام جعفر الصادق علیه السلام، راوی گوید : خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم جوانی از قبيله كنده مسئله از حضرت استفتاء نمود حضرت جواب اورا داد غلام را شناختم و مسئله هم يادم بود بکوفه آمدم پيش ابو حنيفه رفتم، اتفاقاً همان جوان كندی همان مسئله را از ابو حنيفه پرسيد جوابی که خلاف فتوی حضرت امام صادق علیه السلام بود گفتم .

نزدیک ابو حنيفه آمدم و گفتم : وای بر تو ای ابو حنيفه من در مراجعتم از مکه معظمه خدمت جعفر بن محمد الصادق رسيدم این جوان همین مسئله را از او سؤال نمود بر خلاف گفته تورا فرمودند .

ابو حنيفه گفت : جعفر بن محمد چه می داند ، من از او زيادتر می دانم . من مردانی را دیده ام و از لبهای آنان شنیده و یاد گرفته ام ولی جعفر بن محمد صحفی است و از کتابها اخذ علم نموده - استاد ندیده است .

راوی گوید : در پيش خودم قسم خوردم که امسال هم باید حج بروم ، در فکر تهیه حج بودم که حجی بدستم آمد بار سفر مکه را بستم خدمت حضرت صادق سلام الله عليه شرفیاب شده جریان ابو حنيفه را گذارش دادم .

حضرت خندیدند سپس فرمود : او که گفته من صحفی هستم راست گفته زیرا من صحف جدم ابراهيم و موسی علیهما السلام را خوانده ام . گفتم : مانند این صحف را که دارد؟! در این حال دق الباب شد حضرت به غلام فرمودند به بین کیست ، غلام برگشت گفت : ابو حنيفه است . فرمود : بیاید .

ابو حنيفه وارد خانه شد و سلام گفت حضرت جواب سلام اورا رد کردند، ابو حنيفه گفت : اصلحك الله آیا اجازه می دهی بنشینم . حضر جواب اورا نداد با اصحاب مشغول صحبت شد و بوی التفات نکردند ، دوباره اذن نشستن

خواست این بار هم حضرت باو اعتنا نفرمود ، بعد از دفعه سوم که حضرت اعتنا نفرمود خودش نشست .

بعد از نشستن حضرت بطرف او برگشت و فرمود : ابو حنیفه کجاست و چطور شد . گفتند : اینست اینجا نشسته . حضرت فرمود : آیا توفیق اهل عراق هستی ؟ گفت : آری . فرمود : بچه چیز فتوی می دهی ؟ گفت : کتاب خدا (قرآن) و سنت نبی خدا صلی الله علیه و آله و سلم .

حضرت فرمود : آیا کتاب خدا را خوب می شناسی ناسخ و منسوخ او را می دانی ؟ گفت : بلی ، فرمود : ای ابو حنیفه علم را ادعا کردی ، وای بر تو خدا این دانش را پیش احدی غیر از آنها که کتاب را با آنان فرستاده قرار نگذاشته است وای بر تو این علم فقط پیش خواص ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله است خدا بکحرفی هم بتوارث نداده و این ادعای تو بی دلیل بود .

بمن بگو از این قول خدای تعالی : (سیروا فیها لیالی وایاماً آمین) مراد چیست ؟ و کدام نقطه از زمین است ؟ گفت : بگمانم باید بین مدینه و مکه باشد . حضرت رو کرد باهل مجلس فرمود : آیا شما می دانید که در بین مکه و مدینه راه را ب مردم می گیرند اموال آنها را غارت و خود آنها را می کشند و مردم در بین مکه و مدینه ایمن نیستند ؟ گفتند : بلی .

ابو حنیفه ساکت شد ، فرمود : یا ابا حنیفه بگو معنی این آیه شریفه : (ومن دخله کان آمناً) را که کجای زمین است ؟ گفت : مکه ، فرمود : می دانی که ابن زبیر در کعبه بود که حجاج بامنجنیق او را سنگباران کرده او را کشت ، آیاوی در کعبه درامن بود ؟

ابو حنیفه نیز ساکت شد ، سپس فرمود : بگو ببینم اگر مسئله ای پیش تو آمد

کہ اور ادرقرآن و سنت نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ دلیل پیدا نکردی چه میکنی؟
گفت: قیاس میکنم و بهرأی خود عمل میکنم. فرمود: ای ابوحنیفه اول کسی
کہ قیاس کرد ابلیس بود کہ گفت: (انا خیر منہ خلقتنی من نار و خلقتہ من طین)
من از آدم بہترم زیرا مرا از آتش و او را از خاک خلق کردہ ای.

ابو حنیفہ ساکت شد، فرمود: بگو ببینم بول پلیدتر است یا جنابت؟
گفت: بول. فرمود: پس چرا مردم از جنابت غسل میکنند ولی از بول نمیکنند.
نیز ساکت ماند، فرمود آیا نماز افضل است یا روزه؟ گفت: صلاۃ، فرمود:
پس چرا زن حیض روزه را قضا میکند ولی نماز را قضا نمی کند؟ نیز نتوانست
جواب گوید، و چند مسئلہ دیگر طرح فرمودند ابوحنیفہ نتوانست جواب گوید.
آنوقت خواست فتنہ ایجاد نماید گفت: یا جعفر عدہ ای از دوستان شما
در کوفہ از فلان و فلان تبری می جویند و میگویند شما بہ آنان امر فرمودہ اید.
فرمود: یا ابا حنیفہ من از این عمل آنها بی خبرم. گفت: آری آنان خیلی کار
بزرگ انجام میدهند و شما بنویسید از این عمل اجتناب کنند. فرمود: از من
قبول نمیکنند. گفت: اگر نویسندہ شما باشید و پیامبر من البتہ قبول خواهند کرد.
فرمود: از اینجا تا کوفہ چند فرسخ راه است؟ گفت: زیاد است. فرمود:
فاصلہ بین من و تو چقدر است؟ ابوحنیفہ گفت: چیزی فاصلہ نداریم. فرمود:
ابوحنیفہ تو در منزل من داخل شدی و سہ مرتبہ برای نشستن اذن خواستی
من اذن ندادم تو بدون اعتنا باذن من نشستی و از من اطاعت نکردی، آنان کہ
فرسنگها از من دورترند چگونه از من اطاعت خواهند کرد.

ابوحنیفہ از جایش بلند شد سر حضرت را بوسیدہ و رفت و در راه میگفت
دانشمندترین مردم است با اینکه او را پیش دانشمندی - استادی - ندیدہ ایم.

پس از این احادیث معلوم گردید که اول آیه در حق ائمه و آخر آیه در شأن قائم آل محمد «ص» است ، و در بین اخبار منافات ندارد و یا آنکه هر کدام از اخبار محمول است بمرتب از مراتب تأویل چنانکه بیان شد .

(آیه شصت و نهم) قوله تعالی در سوره سباء «ولو تری اذ فزعوا فلافوت واخذوا من مکان قریب وقالوا آما بنا به وانی لهم التناوش من مکان بعید» (۱) یعنی اگر بینی آنها را در آن زمانیکه فزع و جزع می کنند پس فوت نیست و فوت نمی شوند هر چندیکه بگریزند و دریافت می شود از محل نزدیک و بعد از اخذ شدن می گویند که ما ایمان آوردیم براو و این کلام دورست و کجا است که آنها ایمان را اخذ و تناول کنند و بدست بیاورند از مکان دور .

و اخبار در تفسیر این آیه وارد شده که مراد از این اشخاص سفیانی و اتباع او هستند ، چنانکه قمی از حضرت باقر روایت کرده که فرمود : گویا من مشاهده می کنم بسوی حضرت قائم آل محمد که استناد نموده پشت مبارک خود را بر کعبه و حجر الاسود . تا آنکه فرمود : پس زمانی که آنحضرت تشریف می آورند بر بیداء بیرون میشود بسوی آنحضرت لشکر سفیانی پس امر می کند خداوند بر زمین که ایشان را فروبرد پس آنها بزمین میروند ، و اینست معنی فرمایش

ابوبکر حضرمی گفت : فدایت شوم جواب آن دو مسئله اولی را بیان فرمائید . فرمود : یا ابابکر (سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین - بگردید در روی زمین شبها و روزها در امن و امان) فرمود : باقائم اهل بیت یعنی بعد از ظهور آنحضرت و اما آیه شریفه (ومن دخله کان آمناً - هر که براو داخل شود در امن و امان میباشد) هر که او را بیعت کرده و با او داخل شود دست او را مسح کرده در عقد اصحاب وی داخل شود در امن و امان میباشد .

خداوند « ولوتیری اذ فرعوا فلا فوت واخذوا من مکان قریب وقالوا آمنا به »
یعنی ایمان بقائم آل محمد «ص» آوردیم و فائدهٔ ایمان بآنها نرسد زیرا که وقت
آن گذشته باشد و آن ایمان آنها بعد از نزول عذاب گردد مثل ایمان فرعون^(۱) .
و در مجمع در تفسیر این آیه از حضرت امام سجاد «ع» روایت کرده
که فرمود: مراد از این آیه لشکر سفیانی است که آنها را زمین می‌گیرد
و فرومی‌برد^(۲) .

و ایضاً از حضرت پیغمبر «ص» روایت کرده که فرمود فتنه می‌شود در بین
اهل مشرق و اهل مغرب پس آنها در اینحال که هستند خارج می‌شود بر آنها
سفیانی از وادی یابس تا آنکه وارد دمشق شود ، پس دودسته لشکر جمع میکند
ویک جمعی بطرف مشرق روانه میکند تا آنکه آنها نازل می‌شوند بر بابل از
شهر ملعون بغداد ، پس می‌کشند در آن زیادتر از سه هزار را و رسوا می‌کنند
زیادتر از صد نفر زن را و میکشند در آن سیصد نفر کبش از بنی عباس را ، و بعد
از آن روانهٔ کوفه می‌گردند پس اطراف آن را خراب می‌کنند ، پس متوجه
شام شوند پس بیرون می‌شود یک علمی هدایت از کوفه و بر آن لشکر ملحق
می‌شود ، و لشکر سفیانی را میکشند و از آنها یکی خلاص نمی‌شود و آنچه آنها
بدست آورده بودند میگیرند ، و دستهٔ دیگر از لشکر سفیانی وارد مدینه می‌شوند
و تاسه روز در آنجا قتل و غارت میکنند و بعد از آن متوجه مکه می‌شوند و زمانیکه
بزمین بیداء می‌رسند خداوند جبرائیل را میفرستد و آنها را بزمین خسف
می‌کند و دو نفر از آنها خلاص شود پس اینست معنای فرمایش خداوند «ولو

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۵ .

(۲) مجمع البیان ج ۴ ص ۳۹۷ .

تری اذ فرعوا» الایة^(۱).

ودر مجمع بعد از نقل این فرموده که: اصحاب امامیه ما مثل این حدیث را در احادیث ظهور قائم آل محمد روایت کرده اند از حضرت صادق و از حضرت باقر «ع». تمام شد.

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در مقام بیان علامات و مقدمات ظهور حضرت قائم آل محمد است و مراد از اشخاص فزع کننده لشکر سفیانی است، و مراد از ضمیر «آمنابه» حضرت قائم آل محمد است و در واقع این آیه اختصاص بآنحضرت دارد بدون شبهه.

(آیه هفتادم) قوله تعالی در سوره ص «قال فانك من المنظرین * الی یوم الوقت المعلوم»^(۲) یعنی خدایتعالی فرمود بابلیس ملعون که تو از مهلت شدگانی تا روز وقت معلوم معین. و این آیه در رجعت ائمه است، و مراد از وقت معلوم وقت رجعت ائمه و ظهور قائم آل محمد است چنانکه بیان این در سوره حجر گذشت و در اینجا اکتفاء میکنیم بذکر یک حدیث دیگر از اخباریکه در بیان معنای این آیه وارد شده است و آن حدیث است که:

در کتاب بصائر الدرجات از حضرت صادق «ع» روایت کرده است که شیطان لعنه الله از خداوند سؤال کرد که او را مهلت دهد تا روز قیامت که مردم زنده میشوند حقتعالی ابا کرد و فرمود: تو از مهلت شدگانی تا یوم وقت معلوم، چون آن روز شود ظاهر شود شیطان با جمیع اتباعش از روزیکه خداوند آدم را خلق کرده است تا آن روز و حضرت امیر المؤمنین «ع» برگردد و این آخر برگشتهای آنحضرت است.

(۱) مجمع البیان ج ۴ ص ۳۹۸.

(۲) ص: ۸۰ و ۸۱.

راوی گفت : مگر رجعت‌های بسیار خواهد کرد؟ فرمود: بلی وهرامی که در قرنی بوده باشد نیکوکاران و بدکاران زمان او برمیگردند تا حه‌تعالی مؤمنان را بر کافران غالب گرداند و مؤمنان از آنها انتقام بکشند، چون آن روز شود حضرت امیر المؤمنین «ع» برگردد با اصحابش و شیطان می‌آید با اتباعش و ملاقات ایشان در کنار فرات واقع شود نزدیک بکوفه ، پس قتالی واقع شود که هرگز مثل آن واقع نشده باشد ، گویا می‌بینم اصحاب حضرت امیر المؤمنین را که صد قدم از پس پشت برگردند و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود ، پس ابری بزیر آید از آسمان که پر شده باشد از ملائکه و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حربۀ از نور بردست داشته باشد و در پیش آن ابر آید ، چون نظر شیطان بر آن حضرت افتد از عقب برگردد و اتباعش با او گویند که اکنون که ظفر یافتی بکجا میروی ، او گوید من می‌بینم آنچه شما نمی‌بینید من می‌ترسم از پروردگار عالمیان ، پس حضرت رسول خدا باو برسد و آن حربه را در میان دو کتفش بزند که او و اتباعش همه هلاک میشوند ، پس بعد از آن همه مردم خدا را بیگانگی بپرستند و هیچ چیز را با خدا شریک نگردانند و حضرت امیر چهل و چهار هزار سال پادشاهی کند تا آنکه یک مرد از شیعیان آن حضرت هزار فرزند از صلب او متولد شود همه پسر هر سال یک فرزند پس در آن وقت دوباغ سز که خدایتعالی در سورة الرحمن فرموده در دو طرف مسجد کوفه بهمرسد . تمام شد (۱) .

پس از این حدیث شریف معلوم شد که مراد از وقت معلوم در آیه رجعت ائمه است و حضرت قائم آل محمد «ص» در رجعت با ائمه و با اجداد خودش خواهد بود ، و شاهد بر این خطبۀ حضرت سید الشهداء است در روز عاشورا

خوانده ، چنانکه قطب راوندی از جابر انصاری از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت باصحاب خودش فرمود بعد از بیان بعضی از فرمایشات : بشارت باد شمارا و شاد باشید شما که ما بنزد پیغمبر خود میرویم پس میمانیم در آن عالم آنقدر که خداوند خواهد پس اول کسیکه زمین شکافته می شود و از زمین بیرون می آید من خواهم شد و بیرون آمدن من موافق می افتد با بیرون آمدن حضرت امیر المؤمنین و قیام قائم آل محمد و ظهور آنحضرت^(۱) تا آخر حدیث. و این حدیث مفصل است و انشاء الله در جای مناسب می آید ، پس از این حدیث معلوم شد که حضرت قائم آل محمد با حضرت امیر و حضرت سیدالشهداء خواهد بود ، پس این تفسیر که در این آیه وارد شده منافات بآن تفسیر ندارد که در سوره حجر بیان شد .

(آیه هفتاد و یکم) قوله تعالی در سوره ص «وَلتَعْلَمَن نَبأَهُ بعد حین»^(۲) یعنی البته میدانید خبر و وعید را که بشما داده شده بعد از زمانی . و در کافی از حضرت امیر المؤمنین در تفسیر این آیه روایت کرده است که آنحضرت فرمود : مراد از «بعد حین» نزد ظهور قائم آل محمد است^(۳) . پس از حدیث مزبور معلوم می شود که این آیه در مقام بیان ظهور حضرت قائم است ، پس معنی آیه بنا بر این تفسیر چنین میشود که البته میدانید خبر قرآن را از وعده بر مؤمنان و از وعید بر کافران و منافقان در وقت ظهور حضرت قائم آل محمد و در زمان سلطنت او .

(۱) الخرایج والجرایح ص ۱۳۸ ط بمبئی .

(۲) ص : ۸۸ .

(۳) بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۲ .

(آیه هفتاد و دوم) قوله تعالی در سوره زمر «واشرقن الارض بنوربها»^(۱)

یعنی روشن شد زمین بنور انیت تربیت کننده آن زمین، و این آیه اشاره است به ظهور حضرت قائم آل محمد چنانکه در ارشاد مفید از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود: وقتیکه ظاهر شود قائم اهل بیت روشن گردد زمین بنور تربیت کننده آن و مردم غنی میشوند از روشنی آفتاب و ظلمت می رود^(۲).

و در تفسیر قمی از آن حضرت روایت کرده که فرمود: در این آیه رب الارض امام زمین است. عرض کردند: وقتیکه ظاهر شود چه واقع می شود. حضرت فرمود: مردم غنی می شوند از ضوء آفتاب و از نور ماه و اکتفاء میکنند مردم بنور امام^(۳).

پس از این دو حدیث معلوم می شود که این آیه در شأن قائم آل محمد است، و مراد از روشن شدن زمین ظهور آنحضرت است و روشن بودن عالم است بنور عدل و دادخواهی آنحضرت تا آنکه عدالت نمائی آن بزرگوار از تربیت آفتاب و ماه بر زمین زیادتر فایده میدهد و بر حرکت و رحمت خداوند بسبب ظهور آنحضرت آنقدر می شود که اگر آفتاب و ماه و تربیت آنها نباشد مردم غنی می شوند و محتاج بچیز دیگر نمیشوند اصلاً.

(آیه هفتاد و سیم) قوله تعالی در سوره مؤمن «قالوا ربنا ائنتین

واحييتنا ائنتین»^(۴) یعنی گفتند ای خدای ما ما را دو مرتبه میراندی و دو مرتبه

(۱) الزمر : ۶۹ .

(۲) الارشاد : ص ۳۶۳ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۳ .

(۴) المؤمن : ۱۱ .

زنده کردی .

وقمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که حضرت فرمود : این در رجعت است^(۱) .

یعنی گناهکاران و منافقان این کلام را در رجعت میگویند در وقتیکه در دست اولیاء خداوند در عذاب گرفتار میشوند و سلطنت روی زمین با اولیاء الله برمیگردد .

و این از ضروریات مذهب است و احادیث متواتره بر این دلالت میکند ، از آنجمله روایتی است که قطب راوندی و دیگران از حضرت باقر «ع» نقل کردند که حضرت امام حسین «ع» در صحرای کربلا قبل از شهادت فرمود که : جدم رسول خدا بمن فرمود که ای فرزند ترا بسوی عراق خواهند برد در زمینی که پیغمبران و اوصیای ایشان در آنجا ملاقات یکدیگر کرده اند یا خواهند کرد^(۲) و در آنجا با توجماعتی از اصحاب توشه‌دید خواهند شد که درد و الم بریدن آهن بایشان نخواهد رسید چنانکه آتش را حق تعالی بر حضرت ابراهیم برد و سلام گردانید همچنین آتش جنگ بر تو و اصحاب تو برد و سلام خواهد شد ، پس بشارت باد شما را و شاد باشید که ما بنزد پیغمبر خود میرویم پس میمانیم در آن عالم آنقدر که خداوند خواهد ، پس اول کسیکه زمین شکافته میشود و از زمین بیرون میآید من خواهم بود و بیرون آمدن من موافق میافتد با بیرون آمدن امیر المؤمنین «ع» و قیام قائم ما ، پس نازل میشوند بر من گروهی از آسمان از جانب حق تعالی که هرگز بزمین فرود نیامده باشند با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکرهایی از ملائکه و فرود میآید محمد و علی و برادر من و جمیع

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۶ .

(۲) و آنجا را «عمورا» گویند . الخراج .

آنها که خدا برایشان منت گذاشته از انبیاء و اوصیاء سوار شده بر اسبان خدائی ابلق از نور که هیچ مخلوقی قبل از آن بر آنها سوار نشده است، پس حضرت رسول «ص» علم خود را بدست میگیرد و حرکت میدهد و شمشیر خود را بدست قائم ما میدهد، پس بعد از آن آنچه خدا خواهد مینماید پس حقتعالی بیرون میکند از مسجد کوفه چشمه از روغن و چشمه از آب و چشمه از شیر، پس آنگاه حضرت امیر شمشیر حضرت رسول «ص» را بمن دهد و مرا بجانب مشرق و مغرب بفرستد، پس هر که دشمن خدا باشد خونش را بریزم و هر بتی را که بیابم بسوزانم تا آنکه بزمین هند بروم و جمیع بلاد هند را فتح کنم و حضرت دانیال و یوشع زنده میشوند و بیایند بسوی حضرت امیر «ع» و گویند راست فرمودند خدا و رسول او در وعده ها که دادند پس هفتاد نفر با ایشان بفرستد بسوی بصره که هر که در مقام مقاتله در آید او را بکشند و لشکری بسوی روم بفرستد که آنها را فتح کنند، پس هر حیوان حرام گوشت که باشد بکشم تا آنکه بغیر از طیب و نیکو در روی زمین نباشد و جزیره را بر طرف کنم و یهود و نصاری و سائر ملل را مخیر کنم میان اسلام و شمشیر، پس هر که مسلمان شود بر او منت گذارم و هر که اسلام را نخواهد خونش را بریزم و هیچ مرد از شیعیان ما نماند مگر آنکه ملکی خداوند بسوی او بفرستد که خاک را از روی او پاک کند و زنان و منزل او را در بهشت باو بنمایند و هر کور و زمین گیر و مبتلائی که باشد خدا ببرکت ما اهل بیت آن بلا را از او دفع نماید و حقتعالی برکت را از آسمان بر زمین نازل میکند بمرتبّه که شاخهای درختان میوه دار از بسیاری میوه بشکنند و میوه تابستان در زمستان و میوه زمستان در تابستان بعمل میآید، و اینست معنی قوله تعالی «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون»^(۱) یعنی اگر اهل شهرها ایمان

بیاورند و پرهیزکاری کنند هر آینه بگشایم برایشان برکتها از آسمان وزمین
ولکن تکذیب کردند پیغمبران ما را پس گرفتیم ایشان را بآنچه کسب کردند .
پس حضرت فرمود: و ببخشد خداوند بشیعیان ما کرامتی که مخفی نماند
برایشان هیچ چیز در زمین و آنچه در زمین است حتی آنکه کسیکه خواهد
احوال اهل خانه خود را بداند او را خداوند الهام کند بآنچه ایشان میکنند^(۱).
تمام شد .

پس از این حدیث چند چیز معلوم شد : اول سلطنت ائمه در رجعت ، دوم
ذلت و خواری دشمنان ائمه و فریاد و فغان آنها در رجعت ، سیم بودن رجعت
ائمه با ظهور قوائم آل محمد ، چهارم بودن این آیه « ولو ان اهل القرى » در
خصوص رجعت ائمه .

و این حدیث را از این جهت ذکر کردیم که تفسیر این آیه بود و معنای آن
و این آیه از ترتیب ما در سوره اعراف فوت شده بود زیرا که در تفسیر صافی
نبود پس وقتی که این آیه نیز در رجعت نازل شد پس عدد آیات یکی زیاد شد
و این آیه هفتاد و چهارم میشود .

(آیه هفتاد و پنجم) قوله تعالى در سوره مؤمن « انا لننصر رسولنا والذین
آمنوا فى الحیوة الدنيا و یوم یقوم الاشهاد »^(۲) یعنی البته ما نصرت میکنیم
پیغمبران خودمان را و یاری میکنیم آن کسانی را که ایمان آورده اند و نصرت
و یاری ما بایشان هم در دنیا میشود و هم در آخرت .

و این آیه در رجعت است ، چنانکه در تفسیر قمی از حضرت صادق «ع»
روایت کرده است که آنحضرت فرمود : والله این در رجعت است آیا ندانسته

(۱) الخرایج والجرایح ص ۱۳۸ ط بمبئی .

(۲) المؤمن : ۵۱ .

که بسیاری از پیغمبران یاری کرده نشدند در دنیا و کشته شدند و ائمه بعد از ایشان کشته شدند و نصرت کرده نشدند و این نصرت و یاری خدا برایشان در رجعت خواهد شد^(۱).

پس از این حدیث معلوم شد که این آیه در رجعت پیغمبران و ائمه و اوصیای ایشان است .

در کتاب انوار مضمیئه روایت کرده از صادق «ع» که راوی گوید : از آن حضرت سؤال نمودم از رجعت که آیا آن حق است ؟ فرمود : بلی . پرسیدند که اول کسی که رجعت خواهد کرد کی خواهد بود ؟ فرمود که : حضرت امام حسین «ع» خواهد بود که بعد از حضرت قائم آل محمد بیرون خواهد شد با اصحابش که با او شهید شدند و هفتاد پیغمبر با او خواهد بود چنانکه با حضرت موسی مبعوث شدند ، پس حضرت قائم انگشتر خود را با او خواهد داد و از دنیا خواهد رفت و حضرت امام حسین «ع» او را غسل و کفن و حنوط خواهد کرد و او را در قبر خود مدفون خواهد کرد^(۲).

و ایضاً از کتاب فضل بن شاذان روایت نموده از حضرت صادق «ع» که چون قائم آل محمد ظاهر شود و داخل کوفه گردد حقتعالی از پشت کوفه هفتاد هزار صدیق را مبعوث خواهد گردانید و در میان اصحاب او و یاران او خواهند شد^(۳) تمام شد .

از این اخبار تفسیر آیه واضح شد .

(آیه هفتاد و ششم) قوله تعالی در سوره حم سجده «سنریهم آیاتنا فی الافاق

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۸ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۳ .

(۳) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۴ .

وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق»^(۱) یعنی زود باشد که بنمائیم بر کفار و اشرار آیات خودمان را در آفاق و در نفسهای آنها تا آنکه واضح شود بر آنها بر اینکه وعده خداوند حق است .

و در کافی از حضرت صادق روایت کرده که فرمود در تفسیر این آیه : می‌نمائیم در آفاق ناقص شدن آفاق را بر آنها پس می‌بینند قدرت خداوند را در نفسهای خودشان و در آفاق . عرض کردند : معنی «حتی يتبين لهم انه الحق» فرمود : ظهور کردن قائم آل محمد و او است حق از جانب خدا و می‌بیند او را خلق و لابد است از ظهور آنحضرت^(۲) .

و ایضاً روایت کرده در کافی که فرمود: مراد از آیات در انفس و آفاق خسف و مسخ و قذف است، سؤال شد از معنای «حتی يتبين لهم انه الحق» فرمود این را مگو این ظهور قائم آل محمد است^(۳) .

و در تفسیر صافی فرموده : گویا که امام اراده فرموده که : این واقع میشود در رجعت و در وقت ظهور قائم آل محمد زیرا که می‌بینند در آن وقت از عجایب و غرایب در آفاق و در انفس آنچه را که بآن واضح میشود بر آنها بودن امامت و ولایت و ظهور امام غائب حق ، پس این علامات در انفس و آفاق از برای منکرین است^(۴) .

(آیه هفتاد و هفتم) قوله تعالى در سورة شوری «ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له في الآخرة من نصيب» الی قوله «ولو لا كلمة الفصل لقضى بينهم» (ه)

(۱) فصلت : ۵۳ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۳ .

(۳) المحجة ص ۷۴۸ ط ضمیمه غاية المرام .

(۴) الصافی ص ۴۵۰ ط تبریز .

(ه) الشوری : ۲۰ و ۲۱ .

یعنی هر کس اراده نماید حرث و منفعت دنیارا عطا میکنیم بر او از ان دنیا و نیست از برای او در آخرت از هیچ نصیب و گرن بود کلمه فصل هر آینه حکم می شد در میان آنها .

و در کافی از حضرت صادق روایت کرده که عرض کردند بآنحضرت که : مراد از قول خداوند « الله لطیف بعباده یرزق من یشاء » چیست ؟ فرمود : ولایت امیرالمؤمنین . عرض کردند مراد از « من کان یرید حرث الاخرة »^(۱) فرمود : معرفت امیرالمؤمنین و معرفت ائمه . عرض شد « نزدله فی حرثه » یعنی زیاد میکنیم از برای او در دنیا که استیفاء میکند نصیب خودش را از سلطنت ائمه و در زمان پادشاهی ایشان. عرض شد « و مالہ فی الاخرة من نصیب » فرمود : یعنی نیست از برای او در دولت و سلطنت حقه با امام نصیب و حظی^(۲) .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه شریفه در بیان دولت حقه است و بیان سلطنت ائمه است ، زیرا که از حدیث واضح شد که مراد از « و مالہ فی الاخرة من نصیب » دولت حقه قوائم آل محمد است زیرا که دولت و سلطنت حقه با امام و آن هم در آخر ائمه پیدا نشده و نیست آن مگر دولت حضرت قائم آل محمد .

و اما آخر آیه پس در کافی از حضرت باقر «ع» در قوله تعالی « ولولا کلمة الفصل » روایت کرده که آنحضرت فرمود : یعنی اگر نبود آنچه گذشته بود در آنها از کلمه از خداوند باقی نمی گذاشت از آنها حضرت قائم آل محمد احدی را^(۳) پس از این تفسیر واضح گردید که آخر آیه نیز در شأن حضرت قائم آل

(۱) الشوری : ۱۹ .

(۲) الصافی ص ۴۵۱ .

(۳) الصافی ص ۴۵۱ .

محمد است و مراد از کلمه فصل زمان مهلت خداوند عالم است بر کفار و بعد از تمام شدن آن ظاهر می شود و مراد از آخرت در این آیه دولت حضرت قائم آل محمد شد ، و از این جهت بود که حضرت صادق «ع» باین بیت مترنم بود:

لكل اناس دولة يوقبونها و دولتنا فی آخر الدهر یظهر (۱)

(آیه هفتاد و هشتم) قوله تعالى در سورة شوری «ویمح الله الباطل و یحق الحق بکلماته انه علیم بذات الصدور»^(۲) یعنی محو میکند خداوند باطل را و حق را محقق میگرداند بسبب کلمات خودش بدرستی که خداوند عالم است بیاطن آنچه در سینهها است .

و در تفسیر قمی در چند موضع از حضرت صادق روایت کرده که مراد از کلمات ائمه است . و در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود یعنی خداوند باطل را محو و مضمحل میکند بکلمات خود و مراد از کلمات ائمه و حضرت قائم آل محمد است^(۳) .

پس از این تفسیر واضح گردید که اضمحلال باطل و احقاق حق و ظاهر شدن دین حق بدست ائمه و قائم آل محمد خواهد شد ، و از توضحات است که این بعد از ظهور آنحضرت می شود .

(آیه هفتاد و نهم) قوله تعالى در سورة شوری «ولمن انتصر بعد ظلمه فاؤلئك ما علیهم من سبیل»^(۴) یعنی و از برای آنکس که انتصار و طلب نصرت کند

(۱) هر طائفه ای را دولتی است که منتظر اویند و دولت ما در آخر در هر ظاهر خواهد شد .

(۲) الشوری : ۲۴ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۷۵ .

(۴) الشوری : ۴۱ .

بعد از آنکه مظلوم شده پس از برای ایشان راه نیست و بلکه نصرت کرده می شود. و در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود «ولمن انتصر بعد ظلمه» یعنی قائم آل محمد و اصحاب آنحضرت زمانی که ظهور میکنند آنحضرت و اصحاب او طلب نصرت و یاری میکند از جهت کشتن بنی امیه و تکذیب کننده ایشان و از جهت ناصبها و بنی امیه و اتباع آنها است مراد از قوله تعالی «انما السبیل علی الذین یظلمون الناس»^(۱) تا آخر آیه^(۲)، و در آخر این آیه قرائت اهل بیت را در تحفة الاخبار نقل نمودم، پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است و مراد از ظلم شده و انتصار کننده آنحضرت است بدون شبهه.

(آیه هشتم) قوله تعالی در سورة زخرف «وجعلها کلمة باقية فی عقبه لعلهم یرجعون»^(۳) یعنی قرار داد خداوند عالم عزذکره کلمه توحید را کلمه باقیه در اولاد ابراهیم شاید که ایشان رجوع کنند.

و در اکمال الدین از حضرت سجاد «ع» روایت کرده که فرمود: این آیه در حق ما ائمه نازل شده است، و قرار داد خداوند توحید را کلمه باقیه در عقب حضرت ابراهیم و قرار داد امامت را در اولاد حضرت سیدالشهداء تا روز قیامت^(۴). و این حدیث را در علل الشرایع از حضرت باقر^(۵) و در معانی الاخبار^(۶)

(۱) الشوری : ۴۲ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۷۸ .

(۳) الزخرف : ۲۸ .

(۴) اکمال الدین ج ۱ ص ۳۲۳ .

(۵) علل الشرایع ج ۱ ص ۲۰۷ .

(۶) معانی الاخبار ص ۱۳۲ .

ومناقب ومجمع البیان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است^(۱) .
 وایضاً در مناقب از حضرت پیغمبر روایت نموده که از آنحضرت سؤال کردند از تفسیر این آیه پس فرمود : امامت در اولاد حضرت امام حسین «ع» است و ظاهر شود از صلب او نه نفر امام از آنجمله است مهدی این امت^(۲) .
 وقمی در تفسیر فرموده که : مراد از «لعلهم یرجعون» رجعت‌ائمه است^(۳) .
 پس از این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده معلوم گردید که این آیه در شأن‌ائمه و رجعت ایشان و ظهور قائم آل محمد است زیرا که اگر او ظهور نکند و عالم را در آخر الزمان پراز عدل و داد خواهی نکند امامت تا قیامت در اولاد امام حسین نمیشود زیرا که مراد از امامت و سلطنت و ریاست حقه است در اولاد آنحضرت و این واضح است .

(آیه هشتاد و یکم) قوله تعالی در سورة فتح « ولوا تزیلوا لعذبن الذین کفروا منهم عذاباً الیما »^(۴) یعنی اگر زایل شوند هر آینه عذاب میکنیم از آنها آن کسانی را که کافر شدند از آنها عذاب دردناکی .

در تفسیر این آیه قمی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که از آنحضرت سؤال کردند که : آیا حضرت امیر المؤمنین «ع» قوت نداشت در بدن و قوی نبود در دین خودش و در اطاعت خداوند . پس حضرت فرمود : بلی هم در بدنش قوت و هم در دینش قوی بود . عرض نمودند بخدمت حضرت صادق علیه السلام : پس چه چیز او را مانع شد از دفع کردن دشمنان خود و از بیعت

(۱) مجمع البیان ج ۵ ص ۴۵ .

(۲) الصافی ص ۴۵۵ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۸۳ .

(۴) الفتح : ۲۵ .

نکردن او بر اهل بدعت؟ فرمود: سؤال نمودی پس بفهم جواب را مانع شد بحضرت امیر المؤمنین از این آیه از کتاب خداوند عالم. پس عرض نمودند: آن کدام آیه است؟ پس حضرت فرمود: آیه «ولو تزیلوا لعذبتنا الذین کفروا» تا آخر، بدرستی که بود از برای خداوند ودیعه‌های مؤمنان در صلبهای کافران و منافقان پس جائز نبود از برای امیر المؤمنین کشتن پدرها تا آنکه بیرون شود ودیعه‌های مؤمنان از صلب آنها پس وقتی که آن ودیعه‌ها بیرون شد حضرت امیر دست برد بر تیغ و کشت اهل جمل و صفین و نهر روان را، و همچنین است قائم مآل محمد ظهور نمیکند تا آنکه بیرون شود ودیعه‌های خداوند از صلبهای کافران و منافقان پس زمانیکه آن ودیعه‌ها بیرون گردید ظهور میکند و میکشد کفار و اشرار را^(۱).

و در اکمال الدین روایت کرده بچندین سند معتبر از آنحضرت که فرمود در تفسیر این آیه: اگر بیرون کند خدا آنچه را که در صلبهای مؤمنین است از کافران و آنچه را که در صلبهای کافران است از مؤمنین «لعذبتنا الذین کفروا منهم عذاباً الیماً»^(۲).

پس از این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده است معلوم می‌شود که تأویل آن در شأن حضرت قائم آل محمد «ص» است اگر تنزیل آن در حضرت امیر المؤمنین «ع» باشد، و همچنین معلوم شد که علت ظهور نکردن قائم آل محمد بیرون نشدن مؤمنان است از صلبهای کافران و باقی بودن کافران است در صلبهای مؤمنان هر چند بیکه علت‌های دیگر هم دارد و مراد بیان تمام آنها نیست و اصل علت خواست خداوند عالم است.

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۱۶.

(۲) تفسیر برهان ج ۲ ص ۱۰۲۳.

(آیه هشتاد و دوم) قوله تعالى در سورة فتح «هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله»^(۱) یعنی خداوند چنان واجب الوجود است که فرستاد پیغمبر خودش را با هدایت و اوضحه و با دین حق ثابت تا آنکه غالب کند او را بر تمامی ادیان و جمیع ادیان را بردارد .

و این آیه وافی هدایه در شأن قائم آل محمد است و تأویل آن در خصوص آنحضرت است ، چنانکه در تفسیر قمی فرموده که مراد از آن کسیکه غالب میشود بر تمامی ادیان او همان امام است که خداوند ظاهر میکند او را و غالب گرداند آنحضرت را بر جمیع ادیان پس آن امام پرمی کند زمین را از عدالت و داد خواهی همچنانکه پر شده از تعدی و ستمکاری ، و بعد از این تفسیر فرموده است که این آیه از آن آیات است که تأویل آن بعد از تنزیل آن خواهد شد^(۲) تمام شد کلام قمی اعلى الله مقامه .

پس واضح گردید که این آیه شریفه در شأن قائم آل محمد است و حقیر تفصیل تفسیر این آیه را در سورة توبه بسایبان واضح نوشتم در مثل این آیه که در آن سوره است .

(آیه هشتاد و سیم) قوله تعالى در سورة ق «واستمع يوم يناد المنادي من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج»^(۳) گوش فرادار روزیکه منادی ندا کند از مکانی نزدیک روزیکه میشوند فریاد را براستی اینست روز خروج و بیرون شدن .

قمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق روایت کرده که فرمود : منادی

(۱) الفتح : ۲۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۱۷ .

(۳) ق : ۴۱ و ۴۲ .

ندامیکند باسم حضرت قائم آل محمد واسم پدرش و مراد از صبحه صبحه ایست که خبر میدهد ظهور قائم آل محمدا^(۱) .

و در کتاب نجم الثاقب از کمال الدین از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمودند امیکند منادی از آسمان که فلان بن فلان او است امام و نام او را میبرد^(۲) .

و نیز از آن کتاب نقل کرده از زرارة از حضرت صادق «ع» که فرمود : نداء میکند منادی باسم قائم آل محمد . زرارة گفت عرض کردم : خاص است یا عام است ؟ فرمود عام است آن نداء را می شنوند هر قومی بزبان خودشان^(۳) .

و از غیبت نعمانی نقل نموده از حضرت امیر المؤمنین «ع» که فرمود : منادی نداء میکند از آسمان که ای گروه مردمان بدرستیکه امیر شما فلان است و این آن مهدی است که پر میکند زمین را از عدل و داد خواهی چنانکه پر شده از ظلم و ستمکاری^(۴) .

و از تفسیر عیاشی نقل نموده از حضرت باقر «ع» در حدیث طولانی که فرمود بجابر انصاری بعد از ذکر بعضی از علامات : پس اگر مشتبّه شود این علامات بر شما مشتبّه نخواهد شد بر شما صدا از آسمان باسم او و او را او . و از غیبت نعمانی نقل نموده از آن حضرت که فرمود در حدیثیکه پس ندا میکند منادی از آسمان باسم قائم آل محمد پس میشوند آن را کسیکه در مشرق است و کسیکه در مغرب است و نیماند خوابیده مگر آنکه بیدار میشود و نه ایستاده مگر آنکه می نشیند و نه نشسته مگر آنکه بر میخیزد از خوف آن صدا، و فرمود که آن صدا از جبرئیل

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۲۷ .

(۲) نجم الثاقب ص ۸۹ .

(۳) نجم الثاقب ص ۸۹ .

(۴) نجم الثاقب ص ۸۹ .

است در ماه رمضان در شب جمعه بیست و سیم ماه^(۱).

و در نجم الثاقب فرموده : و بر این مضمون اخبار بسیار است بلکه متجاوز از حدتواتر، و در جمله از آنها آنرا از محتومات شمرند و فرموده که در اطراف اندلس شهر عجیب است که بنا آن قبل از اسکندر است و در عهد عبدالملک آن را یافتند و بر دیوار آن ابیاتی بود از آن جمله اینست :

حتى يقوم بأمر الله قائمهم من السماء اذا ما باسمة نودی (۲)

و عبدالملک بعد از دیدن این از زهری پرسید از امر این نداء و منادی زهری گفت خبر داد مرا حضرت امام سجاد که این در خصوص مهدی است از فرزندان فاطمه دختر رسول خدا^(۳).

و از کتاب غیبت شیخ طوسی از سیف بن عمیره روایت است که او گفت : در نزد منصور بودم روزی پس از او شنیدم که میگوید ابتداء از پیش خود که : ای سیف بن عمیره لابد است از منادئی که ندا کند باسم مردی از فرزندان ابی طالب از آسمان . گفتم : روایت کرده این را احدی از مردمان . گفت : قسم بآنکه جانم در قبضه قدرت او است که گوشم شنید از او که میگفت لابد است از منادئی که ندا کند باسم مردی از آسمان . گفتم : ای امیر این حدیث است که نشنیدم هرگز مانند آن را . گفت : ای شیخ اگر چنین شد ما اول کسی هستیم که اجابت میکنیم او را ، آنگاه باش که او یکی از پسر عموهای ماست . گفتم : کدام پسر عموهای شما ؟ گفت : مردی از فرزندان فاطمه «ع» آنگاه گفت : ای شیخ اگر آن نبود که من شنیده بودم از حضرت باقر «ع» که مرا بآن خبر دادند

(۱) نجم الثاقب ص ۸۹ .

(۲) تا بامر خدا قیام می کند قائم آنها از آسمان آن وقتیکه بنام وی ندا شود .

(۳) نجم الثاقب ص ۹۰ .

قبول نمیگردم آنرا هر چندیکه همه اهل دنیا بگویند و لکن خبر دهنده حضرت باقراست^(۱). تمام شد .

پس از این احادیث بسیار معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است و در مقام بیان ظهور آنحضرت است .

(آیه هشتاد و چهارم) قوله تعالی در سوره طور « **وان للذین ظلموا عذاباً دون ذلك ولكن اکثرهم لا یعلمون** »^(۲) یعنی بدرستی که از برای آن کسانی که ظلم کرده اند عذابی است که قبل از عذاب قیامت و یا کمتر از عذاب قیامت و لکن بیشتر مردم نمیدانند آن را .

وقرائت اهل بیت در این آیه چنان است « **ظلموا آل محمد حقهم** » چنانکه در تحفة الاخیار نقل نموده ام .

وقمی در تفسیر این آیه نقل نموده که مراد از « **عذاب دون ذلك** » آن عذاب است که بر ظالمان آل محمد میشود در رجعت با تیغ^(۳).

یعنی در رجعت ائمه با شمشیر قائم آل محمد بر ظالمان اهل بیت عذاب خواهد شد که کمتر از عذاب قیامت باشد ، زیرا که عذاب قیامت آنها با آتش دوزخ خواهد گردید . پس معلوم شد از این تفسیر که این آیه در بیان رجعت ائمه و بیان سلطنت و تسلط قائم آل محمد است بر ظالمان اهل بیت و شرح این در احادیث بسیار موجود است که بر ظالمان چه خواهد شد در رجعت .

(آیه هشتاد و پنجم) قوله تعالی در سوره قمر « **اقتربت الساعة وانشق القمر** »^(۴)

(۱) نجم الثاقب ص ۹۰ .

(۲) الطور: ۴۷ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۳۳ .

(۴) القمر: ۱ .

یعنی نزدیک شد ساعت و منشق شد ماه .

و در تفسیر قمی از اهل بیت رسالت روایت کرده که مراد از ساعت در این آیه ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است ^(۱) .

و در بعضی از اخبار وارد شده که مراد قیامت است، و منافات در بین احادیث ندارد زیرا که قیامت تنزیل آیه است و ظهور قائم آل محمد تأویل آیه است ، و منافات در بین تنزیل و تأویل نیست چنانکه بیان این گذشت در تفسیر آیات سابقه ، و یا آنکه ظهور قائم آل محمد تنزیل آیه است و قیامت تأویل آن .

و شاهد بر این از اخبار صحیحه معتبره حدیث مفضل است که در کتب علماء امامیه مشهور و در زبر عقاید ایشان مسطور و مذکور است و آن حدیث را علامه مجلسی از کتاب منتخب البصائر نقل نموده بسند معتبر از مفضل بن عمر که گفت: از حضرت صادق «ع» سؤال کردم که: آیا آن امامی که مردم انتظار ظهور او می کشند و امیدوار فرج او هستند یعنی مهدی صاحب الزمان وقت معلوم معینی برای ظهور او است . فرمود که : خداوند تعالی ابا و منع نموده از اینکه از برای ظهور آنحضرت وقتی تعیین فرماید که شیعیان بدانند . پس حضرت فرمود که : آیاتی که حقتعالی در امر قیام ساعت در قرآن مجید فرموده است همگی در باب قیام آنحضرت نازل شده است ، و هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی معین قرار دهد خود را با خدا در علم غیب شریک گردانیده است و دعوی اطلاع بر اسرار خدا کرده است ^(۲) تا آخر آن حدیث .

پس از این حدیث و از تفسیر قمی معلوم شد که مراد از ساعت در این آیه وقت ظهور قائم آل محمد است بدون شبهه، بلکه از این حدیث واضح گردید که تمام آیات که در قیام ساعت است همگی در خصوص ظهور آنحضرت نازل

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۴۰ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱ .

شده است و آیاتی که در قیام ساعت نازل شده بسیار است و حقیر بطریق اجمال آنها را در اینجا نقل میکنم تا بذکر آنها این کتاب مزین گردد :

- اول از آنها قوله تعالی «حتی اذا جاءتهم الساعة»^(۱) در سورة انعام .
 دوم «او تأتیکم الساعة»^(۲) انعام .
 سیم «یستلونک عن الساعة»^(۳) اعراف .
 چهارم «او تأتیهم الساعة بغتة»^(۴) یوسف .
 پنجم «لا تأتینا الساعة»^(۵) سبأ .
 ششم «حتی تأتیهم الساعة بغتة»^(۶) حج .
 هفتم «ویوم تقوم الساعة»^(۷) روم .
 هشتم «ماندری ما الساعة»^(۸) جائیه .
 نهم «ویوم تقوم الساعة»^(۹) ایضاً جائیه .
 دهم «اقتربت الساعة»^(۱۰) قمر .

- (۱) الانعام : ۳۱ تا زمانیکه بر آنها ساعت آمد .
 (۲) الانعام : ۴۰ یا بشما ساعت آمد .
 (۳) الاعراف : ۱۸۷ می پرسند از تو ساعت را .
 (۴) یوسف : ۱۰۷ یا بیاید بر آنها ساعت ناگهانی .
 (۵) سبأ : ۳ نمی آید بر ما ساعت .
 (۶) الحج : ۵۵ تا بیاید بر آنان ساعت ناگهانی .
 (۷) الروم : ۱۲ و روزیکه ساعت قائم میشود .
 (۸) الجائیه : ۳۲ ما نمی دانیم ساعت چیست .
 (۹) الجائیه : ۲۷ و روزیکه ساعت قائم میشود .
 (۱۰) القمر : ۱ ساعت نزدیک شد .

- یازدهم «یوم تقوم الساعة»^(۱) ایضاً روم .
 دوازدهم «بل الساعة موعدهم»^(۲) ایضاً قمر .
 سیزدهم «ویوم تقوم الساعة»^(۳) مؤمن .
 چهاردهم «وما اظن الساعة قائمة»^(۴) کهف .
 پانزدهم «اما العذاب واما الساعة»^(۵) مریم .
 شانزدهم «وما اظن الساعة قائمة»^(۶) فصلت .
 هفدهم «هل ينظرون الا الساعة»^(۷) زخرف .
 هیجدهم «فهل ينظرون الا الساعة»^(۸) قتال .
 نوزدهم «ان الساعة لآتية لاريب فيها»^(۹) مؤمن .
 بیستم «ان الساعة آتية»^(۱۰) طه .
 بیست ویکم «وان الساعة آتية لاريب فيها»^(۱۱) حج .

- (۱) الروم : ۵۵ روزیکه ساعت برپا می شود .
 (۲) القمر : ۴۶ بلکه ساعت وعده گاه آنان است .
 (۳) المؤمن : ۴۶ وروزیکه ساعت قائم میشود .
 (۴) الکهف : ۳۶ گمان نمیکنم ساعت را قیام کننده .
 (۵) مریم : ۷۵ یا عذاب ویا ساعت .
 (۶) فصلت : ۵۰ ومن گمان نمیکنم ساعت را قیام کننده .
 (۷) الزخرف : ۶۶ آیا نگاه میکنند مگر ساعت را .
 (۸) القتال : ۱۸ پس آیا نگاه میکنند مگر ساعت را .
 (۹) المؤمن : ۵۹ البته ساعت آینده است شك در او نیست .
 (۱۰) طه : ۱۵ ساعت البته خواهد آمد .
 (۱۱) الحج : ۷ وساعت آینده است وشك در او نیست .

- بیست ودوم «وان الساعة لآتية»^(۱) حجر .
 بیست وسوم «وان الساعة لاریب فیها»^(۲) كهف .
 بیست وچهارم «لعل الساعة تكون قریباً»^(۳) احزاب .
 بیست وپنجم «لعل الساعة قریب»^(۴) شوری .
 بیست وششم «وما امر الساعة الا کلمح البصر»^(۵) نحل .
 بیست وهفتم «ان الله عنده علم الساعة»^(۶) لقمان .
 بیست وهشتم « الیه یرد علم الساعة»^(۷) فصلت .
 بیست ونهم «وعنده علم الساعة»^(۸) الزخرف .
 سی ام «بل کذبوا بالساعة»^(۹) الفرقان .
 سی ویکم «واعتدنا لمن کذب بالساعة»^(۱۰) ایضاً الفرقان .
 سی ودوم «یستلونک عن الساعة»^(۱۱) نازعات .

-
- (۱) الحجر : ۸۵ وساعت البتہ آینده است .
 (۲) الكهف : ۲۱ وساعت در او شك نیست .
 (۳) الاحزاب : ۶۳ شاید ساعت نزدیک باشد .
 (۴) الشوری : ۱۷ شاید ساعت نزدیک است .
 (۵) النحل : ۷۷ ونیست امر ساعت مگر مانند چشم بهم زدن .
 (۶) لقمان : ۳۴ خداوند در پیش او است علم ساعت .
 (۷) فصلت : ۴۷ برگشت علم ساعت بطرف او است .
 (۸) الزخرف : ۸۵ ودر پیش او است علم ساعت .
 (۹) الفرقان : ۱۱ بلکه تکذیب کردند مر ساعت را .
 (۱۰) الفرقان : ۱۱ وما مهیا کردیم بر آن کسیکه ساعت را تکذیب کرد
 « جهنم را » .
 (۱۱) النازعات : ۴۲ از تو ساعت را می پرسند .

- سى وسيم «يستلك الناس عن الساعة»^(۱) احزاب .
 سى و چهارم «ان الذين يمارون فى الساعة»^(۲) شورى .
 سى و بنجم «وانه لعلم للساعة»^(۳) زخرف .
 سى و ششم «وهم من الساعة مشفقون»^(۴) انبياء .
 سى و هفتم «والساعة لاريب فيها»^(۵) جاثية .
 سى و هشتم «والساعة ادهى وامر»^(۶) قمر .

واينها جمله آن آيات بود که در قيام ساعت نازل شده است، و بنا بر حديث مفضل همه اين آيات در قيام قائم آل محمد «ع» نازل شده است و در بيان ظهور آن حضرت است .

و در اکثر اين آيات خداوند فرموده است که علم آن در نزد خداى تعالى است چنانکه در حديث مفضل هم اين نحو فرموده است ، و تفسير اين همه آيات حديث مفضل است و آن در بيان تفسير اينها است .

(آية هشتاد و ششم) قوله تعالى در سورة واقعه «لايمسه الا المطهرون* تنزيل من رب العالمين»^(۷) يعنى مس نکند و دست نميزند آن را مگر پاکان از

- (۱) الاحزاب : ۶۳ مردم از تو ساعت را سؤال میکنند .
 (۲) الشورى : ۱۸ آنانکه مجادله مى کنند در ساعت .
 (۳) الزخرف : ۶۱ و او البته دانستن است مر ساعت را .
 (۴) الانبياء : ۴۹ و آنان از ساعت هراسانند .
 (۵) الجاثية : ۳۲ و ساعت در او شك نيست .
 (۶) القمر : ۴۶ و «عذاب» ساعت سختتر و تلختر «از عذاب دنيا» است .
 (۷) الواقعة : ۷۹ و ۸۰ .

ارجاس باطنی و پاکیزگان از انجاس ظاهری و نازل شده از جانب پروردگار عالمیان .

و در اخبار وارد شده که مراد از این قرآن که او را مس نمیکنند مگر پاکان قرآن امام عصر عجل الله فرجه است ، و این آیه در خصوص قرآن قائم آل محمد نازل شده است ، چنانکه در احتجاج روایت کرده از ابی ذر غفاری که چون رسول خدا وفات کرد جمع نمود حضرت امیر المؤمنین «ع» قرآن را و آورد آنرا نزد مهاجرین و انصار و عرضه داشت آن قرآنرا برایشان چون پیغمبر او را بآن وصیت کرده بود ، پس چون ابوبکر آنرا باز کرد بیرون شد در صفحه اول آن که باز کرده بود فضایح قوم پس عمر برخاست و گفت : یا علی برگردان آنرا که ما را باو حاجتی نیست . پس حضرت امیر «ع» آنرا گرفت و برگشت . تا اینکه میگوید : چون عمر خلیفه شد سؤال کرد از آنحضرت که آن قرآن را باو بدهد که آنرا در میان خود تحریف کنند ، پس گفت : یا اباالحسن اگر میآوردی آن قرآنرا که آوردی آنرا نزد ابی بکر که مجتمع شویم بر آن فرمود : هیهات راهی بر آن نیست ، نیاوردم آنرا نزد ابی بکر مگر آنکه حجت بر شما تمام شود و نگویند روز قیامت که از این ما غافل بودیم و نگویند نیاوردی آنرا نزد ما بدرستی که آن قرآن که نزد من است مس نمیکنند آنرا مگر مطهرون و اوصای از فرزندان من . عمر گفت آیا وقت معلومی برای اظهار آنست ؟ فرمود : بلی هر گاه ظهور کند قائم آل محمد «ص» از فرزندان من ظاهر می کند آنرا و امیدارد مردم را بر آن پس جاری میشود سنت بر آن قرآن^(۱) .

و در حدیث مفضل است که سید حسنی که در طرف دیلم و قزوین خروج میکند میآید بخدمت قائم آل محمد و عرض میکند : اگر تو مهدی آل محمدی

پس کو آن قرآن که جمع کرده آن را جد تو امیر المؤمنین «ع» بدون تغییر و تبدیل؟ پس حضرت قائم آل محمد آن قرآن را با سائر موارث انبیاء ظاهر میکند^(۱).

ودرنجم الثاقب از کتاب غیبت نعمانی نقل نموده از حضرت صادق «ع» که فرمود: ظاهر میشود قائم آل محمد بامر جدید و قضائی جدید و کتابی جدید^(۲).
و نیز در آن کتاب از امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود: گویا نظر میکنم بسوی شیعیان خود در مسجد کوفه که خیمه‌ها برپا کرده‌اند و تعلیم میکنند بر مردم قرآن را بنحویکه نازل شده^(۳).

و نیز روایت از اصبع بن نباته نموده از آن حضرت که فرمود: گویا می‌بینم عجم را که خیمه‌های ایشان در مسجد کوفه است تعلیم میکنند قرآن را بر مردم چنانکه نازل شده. عرض کردم: یا امیر المؤمنین آیا این قرآن بهمان نحو نازل نشده است. فرمود: نه محو شده از آن اسم هفتاد نفر از قریش و اسم پدرهای ایشان و وا نگذاشتند ابولهب را مگر برای نقص رسول خدا چون عم آن حضرت بود^(۴).

و ایضاً روایت کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود: والله گویا نظر میکنم بسوی حضرت قائم آل محمد در بین رکن و مقام که بیعت میگیرد از مردم بکتاب جدیدی^(۵).

و از ارشاد مفید نقل کرده از حضرت باقر «ع» که فرمود: هر گاه ظهور کند

(۱) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۵ .

(۲) غیبة نعمانی ص ۱۳۶ .

(۳ و ۴) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۴ .

(۵) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۵ .

قائم آل محمد خیمه‌ها میزند برای آنانکه تعلیم میکنند بمردم قرآن آنحضرت را بر آن نحویکه نازل شده ، پس مشکلترین کار خواهد بود بر آنانکه حفظ نمودند آن را امروز زیرا که آن قرآن مخالفت دارد با این قرآن در ترتیب^(۱).

و این حدیث در کتاب غیبت فضل بن شاذان نیز از حضرت صادق «ع» روایت شده .

پس از این احادیث بسیار معلوم شد که این آیه شریفه در خصوص قرآن است که قائم آل محمد آن را می‌آورد چنانکه از تفسیری که از احتجاج نقل شد واضح گردید و اگر مراد از این آیه این قرآن باشد خلاف واقع میشود ، زیرا که این قرآن را یهود و نصاری مس میکنند بلکه کافر حربی و مشرک که با اعتقاد سنیان نیز نجسند مس میکنند و حمل کردن «لایمسه» را بر نهی نه بر نفی خلاف لفظ قرآن است و بلکه خلاف قواعد عربیه است و فتح نمودن باب اغلاط است . و در بعضی از اخبار وارد شده که جنب و محدث قرآن را مس نکند و استدلال نموده باین آیه ، پس آن بنا بر فهم عوام است و استدلال بآیه از باب تقریب بذهن مردم است و یا آنکه آن حدیث تمسک بظاهر و استدلال بتنزیل است و این احادیث بیان واقع و تأویل است و منافات در بین آنها ندارد چنانکه معلوم شد .

(آیه هشتم و هفتم) قوله تعالى در سورة حدید « ولا یكونوا کالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامد »^(۲) یعنی و نبوده باشید مثل آنکسانیکه کتاب بآنها داده شد قبل از شما پس طولانی گردید مدت زندگانی آنها برایشان . و در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که

(۱) الارشاد ص ۳۶۵ .

(۲) الحدید : ۱۶ .

فرمود نازل شده این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد « ولاتکونوا کالذین » الایه^(۱) .

و در تفسیر صافی فرموده : شاید که مراد آنست که این آیه نازل شد در شأن غیبت قائم آل محمد و در اهل زمان غیبت از مؤمنین^(۲) . تمام شد .

مؤلف گوید : صریح حدیث آنست که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است نه آنکه در شأن غیبت قائم آل محمد و در اهل غیبت است از مؤمنین چنانکه در صافی فرموده است و در لفظ آیه خطاب است بلفظ جمع که « ولاتکونوا »^(۳) باشد ، و وقتیکه حضرت صادق فرمود که این آیه در خصوص قائم آل محمد نازل شده معلوم میشود که این خطاب بآنحضرت است و بر اصحاب آنحضرت . و منزّه بودن آنحضرت و اصحاب او از ارتکاب مناهمی و پاک بودن ایشان از آلائش بر معاصی منافات ندارد با نهی در آیه گذشته بعلمت آنکه خداوند چقدر نهی هاد در قرآن بر رسول خود و انبیاء و اوصیای ایشان فرموده است و چقدر خطاب عتاب آمیز بر اولیاء و پیغمبران خود کرده و از معلومات است که خطابات قرآن از قبیل ایاک اعنی و اسمعی یا جارة است یعنی بتو میگویم و بدیگران میفهمانم پس همچنانکه بر انبیاء خود خطاب فرموده و مراد دیگران است در اکثر مواضع همچنین در این آیه خطاب بحضرت قائم است و مراد اصحاب آنحضرت است و شیعیان او است .

پس آنچه در صافی در «اقول» خودش فرموده است ظاهراً اشتباه است ،

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۶۶۸ .

(۲) الصافی ص ۴۹۰ طبع تبریز .

(۳) ولایکونوا بلفظ جمع غائب مذکر و عطف است به «تخشح» و بلفظ

جمع مخاطب مذکر هم قرائت شده .

و چونکه خداوند اصحاب قائم آل محمد را مخصوص فرموده با کرامات و خارق عادات و تفضلات و از همین جهت ایشان را نهی فرموده در آیه سابقه از اینکه ایشان بوده باشند مثل آنکسانیکه قبل از ایشان در زمان غیبت بوده اند و در ایام سلطنت طاغیان و فاجران و ظالمان میشدند از لغت و دوستی با منافقان و اشرار آن زمان زیرا که اصحاب قائم آل محمد ابداً باین نحو اشخاص و ارجاس حاجت و احتیاج بالفت آنها ندارند .

چنانکه در نجم الثاقب از عیاشی از امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود در ضمن حالات ایام سلطنت قائم آل محمد : قسم بآنخدائی که دانه را شکافته و جان را آفریده که هر آینه زندگی میکنند مردم در آن زمان ملوک و آرسوده در ناز و نعمت و بیرون نیروی از ایشان مردی از دنیا تا آنکه متولد شود از صلب او هر ارپسر که مأمونند از هر بدعت و آفت و مفارقت از دین و عمل کننده بکتاب خداوند و سنت پیغمبر او و بتحقیق که نابود و فانی شده برای ایشان آفات و شبهات یعنی هرگز یافتنی مبتلا و بشبهه گرفتار نمیشوند^(۱).

و در خطبه محزون امیر المؤمنین «ع» مذکور است که در آن وقت علم قذف میشود در دلهای مؤمنان پس محتاج نمیشود مؤمن بعلمی که در نزد برادر او است پس در آن وقت ظاهر میشود تأویل این آیه «یفن الله کلا من سعته»^(۲).

و از کافی نقل کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود : بدستیکه قائم آل محمد «ص» هر گاه ظهور کند قوت میدهد خداوند در گوشها و چشمهای شیعیان ما تا اینکه میشود میان ایشان و قائم آل محمد بقدر چهار فرسخ پس با ایشان تکلم

(۱) نجم الثاقب ص ۱۰۱ .

(۲) النساء : ۱۳۰ ، خداوند همه را از فضل و وسعت خود غنی و بی نیاز میگرداند

میکنند و ایشان میشوند و نظر میکنند بسوی آنحضرت^(۱).

و از خرایج نقل کرده از حضرت باقر «ع» که فرمود: هر کس درک کند قائم اهل بیت مرا از هر صاحب عاهتی و آفتی شفا خواهد یافت یا صاحب ضعفی قوی خواهد شد^(۲).

و از غیبت نعمانی نقل کرده از حضرت سجاد «ع» که فرمود: هر گاه ظاهر شود قائم آل محمد ببرد خداوند عزوجل از هر مؤمنی آفت را و برگرداند بر او قوت او را، و بعد از این فرموده است که این تکریم عظیم نه مانند شفا دادن حضرت عیسی و سایر انبیاء است که گاهی بجهت اعجاز و اتمام حجت کور یا لال یا پیس و یا مریض را برای جاحدی و یا منافقی در موارد متعدده شفا میدادند نه بلکه بردن این آفات و رفتن این بلیات از تمام مؤمنین و مؤمنات از آثار موفور السرور و طلوع طلعت غراء و تشریف و تقدیم مراسم قدوم و تهیه آداب لقاء و درک فیض شرف حضور حضرت مهدی صلوات الله علیه است که چون بهشتیان اول در چشمه حیات و انهار مطهره شست و شو کرده و تن را چون جان از هر عیب و نقصی پاک نموده که توان پاکداشتن در محفل مقربین و شنیدن تحیه «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین»^(۳) پس فرق ما بین این شفا زیادتر است از فرق ما بین ارض و سماء^(۴). تمام شد.

پس از اخبار مذکوره و از تفسیر سابق معلوم شد که این آیه در خصوص قائم

(۱) نجم الثاقب ص ۱۰۱.

(۲) نجم الثاقب ص ۱۰۱.

(۳) الزمر: ۷۳، سلام بر شما پاک و پاکیزه شدید وارد بهشت شوید برای

همیشگی.

(۴) نجم الثاقب ص ۱۰۱.

آل محمد واصحاب آنحضرت است و احتیاج بتأویل ندارد .

(آیه هشتاد و هشتم) قوله تعالی درسوره حدید «اعلموا ان الله یحیی

الارض بعد موتها»^(۱) یعنی بدانید بدرستی که خدایتعالی زنده میکند زمین را بعد از آنکه زمین مرده باشد .

در اکمال الدین در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود:

یعنی زنده میکند زمین را خداوند بحضرت قائم آل محمد بعد از آنکه مرده باشد زمین، و مراد از مردن زمین کفراهل زمین است و کافر در حکم میت است .

و در کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود :

مراد از زنده شدن زمین پر شدن آنست از عدل بعد از پر شدن آن از جور و ستم .

و این دو حدیث با همدیگر موافق است و اختلاف ندارند ، زیرا که مراد

از پر شدن زمین بعدل در حدیث دوم ظهور قائم آل محمد است .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در شأن حضرت قائم نازل شده و زنده

شدن زمین بدست آنحضرت خواهد شد ، و مادامیکه آنحضرت ظهور نکرده

زمین و اهل آن در حکم مرده است و بعد از ظاهر شدن آن بزرگوار از برای آن

روحی تازه و حیات بی اندازه خواهد شد بجهت زیاد شدن بساتان و گیاه در

زمین و پر شدن درختان از میوه و سائس نعمتهای آن بنحویکه مغایرت پیدا کند

حالت زمین در وقت ظهور قائم آل محمد با حالت آن در اوقات دیگر و راست

آید قول خدایتعالی «یوم تبدل الارض غیر الارض»^(۲) یعنی روزیکه تبدیل

میشود زمین بزمین دیگر چنانکه در نجم الثاقب از نعمانی روایت کرده از کعب

که مهدی آخر الزمان علیه السلام چنین کند و زمین را آنحضرت مبدل نماید

(۱) الحدید : ۱۷ .

(۲) ابراهیم : ۴۸ .

بزمین دیگر و صورت زمین را تبدیل کند بصورت دیگر بجهت کثرت عدل و باران
و اشجار و گیاه و سائر برکات^(۱).

و از کشف الغمه روایت کرده از رسول خدا «ص» که فرمود: متنعم میشوند
امت من در زمان قائم اهل بیت من بنعمتی که هرگز مانند آن متنعم نشده بودند
از بروفاجر میفرستد آسمان بر ایشان باران پی در پی و ذخیره نمیکند زمین چیزی
از نبات خود را^(۲).

و از گنجی در بیان روایت کرده است که میدهد زمین میوه های خود را
و پنهان نمیکند بر ایشان چیزی را^(۳).

و از بغوی روایت کرده که نمیگذارد آسمان از باران خود چیزی را مگر
آنکه پی در پی میفرستد و نمیگذارد زمین از گیاه خود چیزی را مگر آنکه ظاهر
میکند آن را تا اینکه آرزو میکنند زندگان مردگان را یعنی کاش زنده میشدند
و میدیدند^(۴).

و از احتجاج نقل نموده از حضرت امیر المؤمنین «ع» که فرمود در قصه قائم
آل محمد که: در عهد آنحضرت بیرون میآورد زمین گیاه خود را و نازل میکند
آسمان برکت خود را^(۵).

و از خصال نقل نموده از آنحضرت که فرمود: در آن زمان زن از عراق
میروند بشام و پای خود را نمیگذارد مگر بر گیاه^(۶).

و از اختصاص شیخ مفید از رسول خدا «ص» روایت کرده که فرمود: چون
وقت ظهور قائم اهل بیت می شود منادی ندا کند از آسمان که ای مردم منقطع
شد از شما مدت جبارین و ولی امر شده بهترین امت محمد تا اینکه فرمود پس

۱ و ۲ و ۳ و ۴) النجم الثاقب ص ۹۷ .

۵ و ۶) النجم الثاقب ص ۹۸ .

در آن زمان جوجه گذارند مرغان در آشیان خود و ماهیان در دریاها و نهسرها جاری شود و بسیار شود آب چشمه‌ها و برویاند زمین چند مقابل میوه و رزق خود را^(۱).

عقد الدرر نقل نموده از آنحضرت که فرمود در قصه مهدی آخر الزمان که: مسرور میشود باواهل آسمان و اهل زمین و مرغان و وحشیان و ماهیان در دریا و زیاد میشود باران در دولات او و کشیده میشود نهرها و مضاعف میکند زمین ثمر خود را و بیرون میکند گنجهای خود را^(۲).

و از سعد السعود ابن طاوس نقل کرده در ضمن سؤال ابلیس که پروردگارا مرا مهلت ده تا روزیکه خلق مبعوث میشوند ، و جواب خداوند که نه و لکن تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معلوم ، پس بدرستی که آن روزیکه من حکم نمودم و حتم کردم که پاك بنمایم زمین را آن روز از کفر و شرک و معاصی و انتخاب کنم از برای آن وقت بندگان را برای خود که آزمودم دل‌های آنها را برای ایمان و پیر نمودم آنها را بورع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و صدق و حلم و صبر و وفار و زهد در دنیا و رغبت در آنچه نزد من است بعد از هدایت ، و میگردانم ایشان را نگاهبان آفتاب و ماه ، یعنی برای عبادت در شب و روز خلیفه خواهم نمود ایشان را در زمین و توانائی دهم ایشان را بر آن دینی که پسندیدم آن را برای ایشان آنگاه عبادت کنند مرا و چیز را برای من شریک قرار ندهند نماز بگذارند در وقتش و زکاة بدهند در زمانش و امر کنند بمعروف و نهی کنند از منکر و ببیند امانت را در آن زمان بر زمین پس ضرر نرساند چیزی چیزی را و نترسد چیزی از چیزی ، آنگاه بشوند هوام و مواشی در میان مردم پس اذیت نمیکنند بعضی از آنها بعضی را و بردارم نیش هر صاحب نیش را از هوام و غیر

آنها را و ببرم زهر حیوانیکه میگذرد و نازل میکنم برکات را از آسمان و زمین و بدرخشد زمین از نیکوئی نبات خود و بیرون دهد همه ثمر خود را و ببندازم رأفت و مهربانی را در میان ایشان پس با یکدیگر مواسات کنند و بالسویه قسمت نمایند پس بی نیاز شود فقیر و برتری نکند بعضی بر بعضی و رحم کند کبیر صغیر را و احترام نماید صغیر کبیر را و بحق متدین شوند و با و انصاف دهند و حکم کنند ایشانند اولیاء من برگزیدم برای ایشان پیغمبری مصطفی و امینی مرتضی پس گرداندم او را برای ایشان پیغمبر و رسول و گرداندم برای او اولیاء و انصاری اینها خوبترین امتی هستند که اختیار نمودم برای نبی مصطفای خود و امین مرتضای خود این وقتی است که حجب نمودم آن را در علم غیب خود و لابد است که او واقع شود و هلاک نمایم ترا در آن روز با سواران و پیادگان و تمام لشکریان پس برو که تو از مهلت شدگانی تا روز وقت معلوم^(۱). تمام شد .

و این آثار و علامات مذکوره در این حدیث تا کنون ظاهر نشده و مطابق اخبار خاصه و عامه ظهور این آثار از خصایص ایام سلطنت حضرت قائم آل محمد است پس از این احادیث معتبره مزبوره واضح شد که زنده شدن زمین در زمان ظهور قائم آل محمد خواهد گردید و زنده شدن آن ببرکت آنحضرت میشود .

(آیه هشتاد و نهم) قوله تعالى در سورة ممتحنه « یا ایها الذین آمنوا لاتتولوا قسوماً غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة كما یئس الکفار من اصحاب القبور»^(۲) یعنی ای آن کسانی که ایمان آورده اید دوست ندارید آن قومی را که خداوند غضب کرده بر ایشان بتحقیق مأیوس شدند از آخرت چنانکه

(۱) النجم الثاقب ص ۹۸ .

(۲) الممتحنه : ۱۳ .

مأیوس شدند کفار از صاحب قبرها .

و مراد از آخرت در این آیه رجعت است ، یعنی این قوم از رجعت و ظهور علامات ما مأیوس شدند همچنانکه کفار از قیامت مأیوس شدند .
و این آیه در خصوص علامات و مقدمات قیام قائم آل محمد نازل شده است ، چنانکه مجلسی اعلی الله مقامه از شیخ حسن بن سلیمان از کتاب خطب امیر المؤمنین «ع» خطبة طولانی از آنحضرت روایت کرده است ، و در عرض آن خطبه فرمود که: ضبط نمیکند احادیث ما را مگر قلعه‌های حصین یا سینه‌های امین یا عقلهای متین ، پس فرمود ای عجب و کل عجب از آنچه واقع میشود در میان ماه جمادی و رجب . پس مردی از شرطه الخمیس پرسید که این چه تعجب است که مکرر میکنی ؟ حضرت فرمود: چون تعجب نکنم از آنکه مرده چند زنده خواهند شد و شمشیر بر سر زنده‌ها خواهند زد و بحق خداوندیکه حبه را شکافته و گیاه را بیرون آورده و خلائق را خلق فرموده گویا می بینم ایشان را که در میان بازارهای کوفه راه روند و شمشیرهای برهنه بردوش گذاشته باشند و زنند بر سردشمنان خدا و رسول و مؤمنان و اینست معنی آنچه خداوند فرموده است « یا ایها الذین آمنوا لاتتولوا قوماً غضب الله علیهم قد ینسوا من الآخرة کما ینس الکفار من اصحاب القبور»^(۱) و ترجمه آیه گذشت^(۲) .

پس از این حدیث معلوم گردید که این آیه در خصوص رجعت است و مراد از آخرت زنده شدن جمعی از مؤمنان است در خدمت قائم آل محمد «ص»، چنانکه از ارشاد شیخ مفید اعلی الله مقامه نقل شده از حضرت صادق «ع» که فرمود : چون وقت قیام قائم آل محمد بشود در جمادی الاخره و ده روز از

(۱) الممتحنة : ۱۳ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۱ .

ماه رجب بارانی بیارد که خلاق مثل آن را ندیده باشند و برویاند خداوند بآن باران گشتهای مؤمنان را و بدنهای ایشان را و گویا نظر میکنم بسوی ایشان که آیند از جانب قبیله جهنیه و خاک قبر را از سرهای خود افشانند^(۱).

و از این حدیث علت تعجب حضرت امیر المؤمنین «ع» معلوم شد. و ایضاً واضح گردید که آن مرده‌هایی که زنده خواهند شد در حدیث اول که تفسیر آیه بود ایشان در خدمت قائم آل محمد خواهند شد پس از این دو حدیث تفسیر آیه معلوم شد که در آن حضرت است.

(آیه نودم) قوله تعالی در سورة صف «ان الله يحب الذين یقاتلون فی سبيله صفاً كأنهم بنیان مرصوص»^(۲) یعنی بدستیکه خداوند دوست میدارد آنکسانی را که قتال و جنگ میکنند در راه او در حالتیکه در یک صف میباشند گویا که ایشان یک بنای محکم هستند.

و این آیه شریفه در شأن اصحاب قائم آل محمد «ص» است که ایشان چنان صف میکشند که گویا مثل بنای محکم میباشند، چنانکه علامه مجلسی در زاد المعاد از سید ابن طاوس اعلی الله مقامهما نقل کرده است که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را چنین زیارت کنند «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه» تا آنکه میفرماید «فصل علی مولای و سیدی صاحب الزمان و اجعلنی من انصاره و اشیاعه و الذابین عنه و اجعلنی من المستشهدین بین یدیه طائعاً غیر مکره فی الصف الذی نعت اهلہ فی کتابک فقلت صفاً كأنهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم السلام»^(۳) یعنی خداوند ادا صلوات بفرست بر مولای و سید من

(۱) الارشاد ص ۳۶۳ .

(۲) الصف : ۴ .

(۳) زاد المعاد ص ۴۸۷ ط اسلامیة ۱۳۷۸ .

حضرت صاحب الزمان را و قرار بده مرا از یاری کنندگان او و از شیعیان او و از آنکسانیکه دفع میکنند از آنحضرت و قرار بده مرا از آن اشخاصی که شهید میشوند در خدمت باسعادت او در حالتیکه بطوع و رغبت باشم نه بااکراه و اجبار باشم در صف همچنانیکه تعریف کرده آن صف را در کتاب خودت پس فرموده در صفت آن صف «صفاً کأنهم بنیان مرصوص» در حالتیکه در اطاعت تو و اطاعت پیغمبر و اطاعت اولاد رسول تو باشم سلام تو بر ایشان باد .

پس از این دعای شریف واضح گردید که این آیه در شأن قائم آل محمد و اصحاب او نازل شده است بدون شك و شبهه .

(آیه نود و یکم) قوله تعالی در سوره صف « یویدون لیطفئوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون»^(۱) یعنی اراده میکنند که خاموش نمایند نور خداوند را بدهان خودشان و خداوند تعالی تمام کننده نور خود است و هر چند که مکروه دارند آن را کافران .

وقمی در تفسیر این آیه فرموده که : خداوند تمام میکند نور خود را امام فرمود تمام میکند با قائم آل محمد زمانیکه ظاهر شود غالب کند نور خداوند بر تمام ادیان تا آنکه عبادت نشود غیر خداوند و عبادت منحصر بخدا باشد^(۲) .

پس از این تفسیر معلوم میگردد که این آیه در خصوص قائم آل محمد است ، و در سوره توبه نظیر این آیه ذکر شد و تفسیر آن گذشت و آن تفسیر واضح بود که این آیه در شأن آنحضرت است و مراد از نور در آیه قائم اهل بیت است و در آیه «واشرقق الارض بنور ربها»^(۳) معلوم شد که مراد از نور آن

(۱) الصف: ۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۶۵ .

(۳) الزمر: ۶۹ .

حضرت است ودر زیارت است در اوصاف حضرت قائم آل محمد «نور الانوار الذی تشرق به الارض عما قلیل» .

و در نجم الثاقب فرموده که در چند خبر که بعضی گذشت و بعضی خواهد آمد مذکور است در آیه شریفه «والله متم نوره» یعنی بولایت قائم و به ظهور آن حضرت .

و از جابر انصاری از غایة المرام^۱ نقل کرده که گفت: داخل شدم در مسجد کوفه در حالتیکه امیر المؤمنین «ع» با انگشتان خود در زمین مینوشت و تبسم میفرمود، پس عرض کردم: یا امیر المؤمنین چه ترا بتبسم آورده فرمود عجب دارم از آنکه میخواند این آیه را و نمیشناسد آن را بحق معرفت پس عرض کردم بآنجناب کدام آیه است یا امیر المؤمنین . فرمود «الله نور السموات والارض» تا آخر «مثل نوره کمشکوة» مشکاة محمد است «فیها مصباح» منم مصباح «فی زجاجة الزجاجة» حسن و حسین است «کأنها کوكب دری» علی بن الحسین است «یوقد من شجرة مباركة» محمد بن علی است «زیتونة» جعفر بن محمد است «لاشرقیة» موسی بن جعفر است «ولاغریبة» علی بن موسی الرضا است «یکادزیتها یضییء» محمد بن علی است «ولولم تمسسه نار» علی بن محمد است «نور علی نور» حسن بن علی است «یهدی الله لنوره من یشاء»^۲ قائم مهدی

۱) حدیث را صاحب غایة المرام در کتاب «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة» که بضمیمه غایة المرام چاپ شده ذکر نموده است .

۲) خدا رو شنگر آسمانها و زمین است مثل نور او مانند جایگاه چراغ است که در اوست چراغ و آن چراغ در آبگینه است و آن آبگینه مانند ستاره درخشان که از درخت پربرکت زیتونی شعله ور میشودنه شرقی است و نه غربی نزدیک است که روغن او روشنائی بدهد اگرچه او را آتش مس نکرده باشد نور بالای نور خدا هدایت می کند بر نور خود هر که را خواهد .

است^(۱) .

مؤلف گوید : کلمه «المصباح» گویا از این حدیث حذف شده و مراد از آن حضرت فاطمه است^(۲) ، و محل شاهد از ذکر این حدیث آخر آنست که «یهدی الله لنوره» باشد ، بعلت اینکه مراد از نور الله در این آیه حضرت قائم است و آن نور اضافه شده است بسوی ضمیر که راجع است بخداوند ، پس معلوم میشود که نور خداوند قائم آل محمد است و واضح میگردد که مراد از

(۱) المحجة ص ۷۴۲ .

(۲) بضعه رسالت و ضجیه ولایت ام الائمة النجباء اسم شریفش فاطمه و زهرا دارای القاب بسیار مانند بتول ، صدیقه ، مرضیه و غیر اینها که در کتب مفصله مذکور و کنیه آنحضرت ام اییها و ام الحسنین و ام الائمة المعصومین و غیر ذلك در عصمت با انبیاء و ائمه از اولاد طاهرینش شرکت داشت بدلیل آیه تطهیر و قول رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود : « فاطمة بضعة منی یؤذینی من آذاها» فاطمه پاره تن من است هر که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و در روایت دیگر است که : هر که مرا اذیت کرده خدا را اذیت کرده . و روایت دیگر : خدا بغضب فاطمه غضبناک میشود و به رضای او رضای می گردد . که تفصیل این ادله در مظان خود مضبوط است .

در سال پنجم بعث پدر بزرگوارش بیستم جمادی الثانیة متولد و در رحلت حضرت نبی اکرم «ص» ۱۸ سال و هفت ماه از بهار عمر شریفش می گذشت جنات الخلود گوید : بقول اصح روز سوم ماه جمادی الثانیة سال رحلت نبی اکرم «ص» که شیعہ آنرا سال حزن و اندوه نامیده از آلام و اسقام دنیا راحت و پیش پدر بزرگوار و مادر محبوبه اش بروضه رضوان خرامید . جنات الخلود ص ۱۸ اعلام الوری ص ۱۴۷ .

«والله متم نوره» آنحضرت است و بلکه آنحضرت نور الانور است چنانکه زیارت سابقه شاهد است و احادیث معراج برهان واضح است .
 مثل روایت عبد الله بن عباس که از کتاب غیبت فضل بن شاذان نقل شده در حدیث طولانی که خداوند فرمود: ای محمد سربالا کن ، چون سربالا کردم انوار علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین را دیدم و حجت قائم اهل بیت خود را دیدم در میان ایشان می درخشید که گویا ستاره درخشانده است ، پس خداوند تعالی فرمود که اینها خلیفه ها و حجتهای متندر زمین و خلیفه ها و اوصیای تواند بعد از تو ، پس خوشحال کسیکه دوست دارد ایشان را و وای بر کسیکه دشمن دارد ایشان را ^(۱) .

و مثل روایت ابی سلیمان که از ایضاح دفائن و غیر آن نقل شده در حدیث مفصل که خداوند به حبیب خود در معراج فرمود : بدرستی که من خلق کردم ترا و خلق نمودم علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از اولاد او را از اصل نوری از نور خود . تا آنکه فرمود : ای محمد دوست داری که ایشان را ببینی ؟ عرض کردم : بلی ای پروردگار من . فرمود : التفات کن بجانب راست عرش ، چون نگاه کردم دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و شمرند تا حسن بن علی ^(۲)

(۱) النجم الثاقب ص ۲۰۱ .

(۲) حضرت امام حسن عسکری روحی له الفداء مکنی به ابو محمد و ملقب به خالص و عسکری و سراج بود ، آنحضرت و پدر و جدش را ابن الرضا می گفتند .
 هشتم ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری در مدینه طیبه متولد گشت و الدماجده حضرت امام علی النقی سلام الله علیه چهار ماه پیش از رحلتش به امامت وی تنصیب فرموده و چند نفر از اصحاب خود از جمله یحیی بن یسار عنبری را شاهد گرفت روز جمعه ۸ ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ مسموم گشته و از دنیا بطرف جنان خرامید . الفصول المهمه ص ۲۸۴ ، کفایة الطالب ص ۴۵۸ .

ومهدی^۱ را در میان آب تنگی از نور که ایستاده بودند و نماز می کردند ،
 و در میان ایشان مهدی آخر الزمان میدرخشید چنانکه گویا کوب در خشنده بود^۲ .
 پس معلوم گردید که قائم آل محمد نور الانوار است او است نور مطلق
 و آنحضرت است مراد از «والله متم نوره» ، پس واضح شد نازل بودن این
 آیه در خصوص آنحضرت و در شأن آنجناب بدون شبهه .

(آیه نود و دویم) قوله تعالی در سورة صف «هو الذی ارسل رسوله
 بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»^۳ یعنی
 خداوند همچنان خداوند است که فرستاد پیغمبر خودش را با هدایت و وضحه
 و بادین حق و ثابت تا آنکه غالب نماید دین او را بر تمامی ادیان و هر چند بیکه
 مکروه میگیرند آن را آن کسانی که بخداوند شریک قرار می دهند .

و این آیه در شأن قائم آل محمد است ، و غالب بودن دین اسلام بر جمیع
 ادیان در دست مبارک او و بدست یاری آنحضرت خواهد شد همچنان که تفسیر
 نظیر این آیه در سورة توبه تفصیلاً و در سورة فتح اجمالاً گذشت و در آن دو

۱) قائم آل محمد حضرت حجة بن الحسن عسکری صاحب الزمان
 خلیفة الله فی ارضه در نیمه شعبان سال ۲۵۵ و بقولی ۵۶ با وجود پربرکت
 خود این دنیا را منور فرموده و تاحال بامر خداوند در پس پرده غیبت منتظر
 فرمان است که تشریف آورده کفر و الحاد را از روی زمین برداشته و عدل و عدالت
 قرآنی را بجای جور و ظلم طاغوتیان بکستراند «اللهم عجل فرجه الشریف»
 خدایا فرج او را زودتر و قیام او را آسانتر گردان و او را خودت یاری کن ، خدایا
 بماهم لیاقت درک فیض حضورش را عنایت فرما بحق محمد و آل الطاهرین .

(۲) النجم الثاقب ص ۸۶ .

(۳) الصف : ۹ .

سوره در مثل این آیه خصوصاً در سوره توبه بیان شد و در اینجا محتاج بذکر آن تفسیرها نیست مگر آنکه در ذیل این آیه اکتفاء میکنم بذکر علت غالب بودن دین اسلام بدست قائم آل محمد بسائر ادیان .

يك علت از آن علتها بودن رایت حضرت رسول خدا است با آنحضرت، چنانکه در نجم الثاقب از کتاب غیبت نعمانی نقل کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود در خبریکه : رایت رسول خدا را جبرئیل روز بدر نازل نمود و نبود آنوالله از پنبه و نه از کتان و نه از ابریشم و نه از حریر راوی عرض کرد : پس از چه بود ؟ فرمود : از برك بهشت و باز کرد آن را رسول خدا روز بدر آنگاه پیچید آنرا و داد بعلی «ع» پس پیوسته نزد آنحضرت بود تا روز بصره شد یعنی جنك جمل ، پس باز کرد آنرا امیر المؤمنین پس خدایتعالی برای او فتح کرد ، آنگاه آنرا پیچید و آن نزد ما است در اینجا باز نمی کند آنرا احدی تا زمانی که برخیزد قائم آل محمد ، پس هر گاه برخاست آنرا باز میکند پس نمی ماند در مشرق و نه در مغرب احدی مگر آنکه ملاقات میکنند آنرا و سیر میکند رعب از پیش روی آن بمسافت يك ماه و از راست آن بمسافت يك ماه و از چپ آن يك ماه ^(۱) .

و نیز از آن کتاب نقل نموده از حضرت باقر «ع» که فرمود : ای اباحمزه گویا می بینم قائم اهل بیت خود را که نزدیک شده بر این نجف شما ، پس چون نزدیک شد بنجف شما باز میکند رایت رسول خدا را پس چون آن را باز کرد فرمود می آید بر او ملائکه بدر . گفت : چه است رایت رسول خدا ؟ فرمود : چویش از عمود عرش خداوند و رحمت او است و سائر آن از نصر خداوند است دراز

نمیکند آنرا بسوی چیزی مگر آنکه تباه میکند آنرا^(۱).

واز اکمال الدین نقل کرده که چون آن را باز کند فرود آید بر آنحضرت سیزده هزار و سیزده ملائکه که همه آنها منتظر بودند قائم آل محمد را ، آنگاه تفصیل آن ملائکه را ذکر فرمودند^(۲) .

واذ غیبت نعمانی نقل کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود : چون تلافی شد میان اهل بصره و امیر المؤمنین «ع» باز کرد رایت رسول خدا را پس بلرزد قدمهای آنها و زرد شد آفتاب که گفتند امان ده یا علی ، و چون روز صفین شد سؤال کردند از آنحضرت که آن رایت را باز کند پس اجابت فرمود ، پس حضرت حسن و حسین و عمار را شفیع حاجت خود کردند ، پس با امام حسن فرمود که ای فرزند من از برای این قوم مدتی است که باید بآن برسند و بدرستی که این رایتی است که باز نمیکند آنرا بعد از من مگر قائم آل محمد تمام شد^(۳) .

پس علت غالب بودن آنحضرت بر تمام عالم و غلبه نمودن دین اسلام بدست مبارک آن بزرگوار بر تمامی ادیان و ظواهر شدن اسلام در جمیع آفاق و اطراف يك جهت آن بودن همان رایت است در دست آنحضرت .

(آیه نود و سیم) قوله تعالى در سورة «نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنین»^(۴) یعنی نصرت و یاری از خداوند است و فتح و ظفر نزدیک است و بشارت بده بر مؤمنان از این فتح نزدیک .

(۱) غیبة نعمانی ص ۱۶۵ .

(۲) النجم الثاقب ص ۱۰۳ .

(۳) غیبة نعمانی ص ۱۶۴ .

(۴) الصف : ۱۳ .

وقمی در تفسیر این آیه فرموده که فتح قریب فتح قائم آل محمد که فتح آنحضرت نزدیک است که در دنیا واقع می‌شود^(۱) .

پس از تفسیر مذکور معلوم شد که این آیه در شأن قائم آل محمد است و مراد از فتح قریب فتح و ظفر آنحضرت است که خداوند وعده داده باودرین آیه. دلالت میکند بر این آنچه که در نجم الثاقب از کتاب تنزیل و تحریف احمد بن محمد سیاری نقل کرده که فرمودند در آیه شریفه اذا جاء نصر الله والفتح که مراد از فتح در این آیه فتح و ظفر حضرت قائم آل محمد است^(۲) تمام شد.

چنانکه مراد از فتح فتح آنحضرت است همچنین «نصر» در این آیه و یک علت فتح و ظفر آنحضرت معلوم شد که بودن رایت رسول خدا است با او ، و یک علت دیگر قوی بودن آنجناب واصحاب او است زیادتر از عادت و خارق عادت بودن قوت ایشان است ، چنانکه در کافی از عبد الملك بن اعین روایت شده که گفت : برخواستم در نزد حضرت باقر «ع» پس تکیه کردم بردستم پس گریستم و گفتم آرزو داشتم که من درك نمایم این امر را یعنی سلطنت ظاهره ائمه را و در من قوتی باشد . پس فرمود : آیا راضی نیستید که دشمنان بکشند بعضی بعضی را و شما در خانه‌های خود آسوده باشید ، بدرستیکه اگر امر چنان شدی یعنی فرج عظیم آمد داده می‌شود به مردی از شما قوت چهل مرد و گردانده میشود دل‌های شما مانند پاره آهن اگر خواسته باشید بآن قوت کوه را بکنید خواهید کند و شما اید قوام زمین و خزان او^(۳) .

و در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرموده : نگفت

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۶۶ .

(۲) النجم الثاقب ص ۵۵ .

(۳) النجم الثاقب ص ۱۰۲ .

حضرت لوط بقوم خود «لوان لی بکم قوه او آوی الی رکن شدید»^(۱) مگر بجهت آرزوی قوت قائم آل محمد و ذکر نکرد مگر شدت اصحاب اورا، پس بدرستیکه داده می شود بیک مرد از ایشان قوت چهل مرد را^(۲).

وایضاً در همان کتاب از امیر المؤمنین روایت شده که فرمود: قائم آل محمد دست خود را بر سر عباد بگذارد پس نماند مؤمنی مگر آنکه دلش سخت تر از پاره آهن شود و بدهد بآن مؤمن خداوند قوت چهل مرد را^(۳).

و در بصائر از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود: چون واقع شود امر ما و بیایسد قائم مهدی ما می شود مرد از شیعیان ماجری تر از شیر و گذارنده تر از نیزه پایمال میکند دشمن ما را با پای خود و میزند اورا با کف خود و این در وقت نزول رحمت خداوند و فرج اوست بر بندگان^(۴) تمام شد. پس از این احادیث معلوم شد که فتح و ظفر آنحضرت خارج از عادت است و قوت قائم آل محمد و اصحاب او غیر متعارف است و معلوم گردید که «نصر من الله و فتح قریب» آنحضرت است و بشارت بر مؤمنان با آنجناب است. (آیه نود و چهارم) قوله تعالی در سوره ملک «ان اصبح ماء کم غوراً فمن یأتیکم بماء معین»^(۵) یعنی اگر آب شما فرورفت در زمین پس کیست که بیاورد برای شما آب روان خوشگوار.

در اکمال الدین و غیبت شیخ طوسی از حضرت باقر «ع» روایت کردند که

(۱) هود : ۸۰ .

(۲) کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۳ .

(۳) الخرایج و الجرایح ص ۱۹۵ ط بمبئی .

(۴) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۸ .

(۵) الملك : ۳۰ .

فرمود این آیه نازل شده در قائم آل محمد خداوند میفرماید: اگر امام شما غائب شد از شما که نمیدانید او در کجا است پس کیست که بیاورد برای شما امام ظاهری که بیاورد برای شما اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را، آنگاه فرمود: والله نیامده تاویل این آیه و لابد خواهد آمد تاویل آن^۱.

و در تفسیر قمی فرموده: اگر امام شما غائب گردد پس کیست که بیاورد برای شما يك امام مثل آن امام غائب^۲.

و در کافی از حضرت امام کاظم «ع» روایت کرده که فرمود در تفسیر این آیه: یعنی زمانی که غائب شود از شما امام شما پس کیست که بیاورد با امام جدید^۳. پس از این احادیث معلوم گردید که مراد از این آیه قائم آل محمد است و مقصود از ماء معین آن حضرت است.

و اما وجه مناسبت در تعبیر از آن جناب بماء معین^۴ که آب خوشگوار باشد ظاهر آنست که همچنانکه تمامی چیزها با آب زنده است همچنین حیات قلوب و زندگی معارف حقه با امام است بلکه آن حیات و زندگی که بسبب آن وجود معظم آمده و میآید بچندین مرتبه اعلی و اشد و اتم و ادم است از آن حیاتی که بسبب آب میآید، بلکه حیات خود آب نیز بیکت فیض وجود آن حضرت است، بلکه برقرار شدن عالم ملکوت و ناسوت را خداوند منوط فرموده بوجود امام علیه السلام.

۱) کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۵.

۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۷۹.

۳) الکافی ج ۱ ص ۳۴۰.

۴) معین بمعنای جاری و ظاهر آمده یعنی اگر آب شما از بین رفت کیست که برای شما آب جاری یا آب چاه که اگر نگاه کنی پدا است و دلورا باسانی از او پر میتوانی بکنی بیاورد.

(آیه نود و پنجم) قوله تعالى در سورة قلم «اذ اتتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين * سنسمه على الخرطوم»^۱ یعنی زمانیکه خوانده می شود بر آنکس آیات مامیگوید آنها از کذبهای اولهاست زود باشد که ماداغ میکنیم بر خرطوم او و دماغ آنکس که این نحو میگوید .

و در تفسیر قمی فرموده که : این داغ بر انف و دماغ در رجعت ائمه خواهد شد در زمانیکه رجعت نماید امیر المؤمنین «ع» و رجوع کنند دشمنان آنحضرت پس داغ میکند دشمنان خود را بمیسم که با آنجناب است چنانکه داغ میکنند حیوانات چهار پایا را بر بینی و لبها و دماغ آنها^۲ و تفصیل این داغ نهادن در تفسیر دابة الارض در سورة نمل ذکر شد که این در رجعت ائمه و قیام قائم آل محمد است .

و در اکمال الدین از امیر المؤمنین روایت کرده در حدیث که بعد از ذکر دجال و قاتل او میفرماید : آگاه باشید بدرستی که بعد از این طامة الکبری است عرض شد : یا امیر المؤمنین «ع» چیست طامة الکبری ؟ فرمود : خارج شدن دابة الارض است از نزد صفا با او است خاتم سلیمان «ع» و عصای حضرت موسی که میگذارد خاتم را بر روی هر مؤمنی پس نقش میشود در آن که این مؤمن حق است و میگذارد آن را بر روی هر کافری پس نقش میشود که کافر محض است .

تا آنکه فرمود : بدرستی که مؤمن هر آینه ندا میکند وای بر تو ای کافر و بدرستی که کافر ندا میکند که طوبی بر تو ای مؤمن و آرزو میکنم که من مثل تو مؤمن میشدم پس فایز شوم بفوز عظیم پس بر میدارد دابة الارض سر خود را

(۱) القلم : ۱۵ و ۱۶ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۸۱ .

از میان خاقین باذن خداوند جل جلاله و اینها بعد از طلوع آفتاب از مغرب خواهد شد پس در این وقت توبه برداشته میشود ، پس قبول نشود توبه و نه عملی فایده میدهد و نفع نمیدهد شخصی را ایمان او که از اول ایمان نیاورده بود و یا کسب نکرده بود در ایمان خود خیر را و بعد از آن فرمود سؤال نکنید از من که بعد از اینها چه واقع میشود پس بدرستی که عهد نموده با من حبیب من رسول خدا که خبر ندهم آن را بغیر عترت خودم^۱ . تمام شد .

پس از این تفسیر در «دابة الارض» و از تفسیر قمی معلوم شد که داغ نهادن بدماغ کفار که در این آیه است در رجعت ائمه است یقیناً .

و اما طلوع آفتاب از مغرب در این حدیث پس مراد از آن ظهور قائم آل محمد است چنانکه نقلش گذشت از صعصعة بن صوحان راوی حدیث ، و اما فایده ندادن توبه و ایمان در آن وقت پس مراد از آن فایده نکردن توبه و ایمان است بعد از دست آوردن کافران و منافقان در حال کفر و نفاق و بعد از بودن ایشان است در مقام قتال و جدال با امام عصر عجل الله فرجه نه توبه و ایمان ایشان است قبل از جنگ و مقاتله با آنحضرت زیرا که توبه و ایمان قبل از جنگ قبول است چنانکه در تفسیر «وان من اهل الکتاب» ذکر شد و همچنین در تفسیر سائر آیات بیان شد و منافات ندارد .

(آیه نود و ششم) قوله تعالى در سورة معارج «سئل سائل بعد اب واقع للكافرين»^۲ یعنی سؤال نمود يك سؤال کننده بعد ابی که واقع میشود از برای کافران .

و در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که از آنحضرت سؤال

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۵ .

(۲) المعارج : ۱ .

نمودند از معنی این آیه فرمود : این عذاب واقع يك آتش است خارج میشود از طرف مغرب و يك ملكی آن را میراند از پشت تا آنکه میآید بخانه بنی سعد ابن همام در نزد مسجد ایشان پس ترك نمیکند خانه از خانه های بنی امیه را مگر آنکه آن خانه را و اهل آن را میسوزاند و نمیگذارد خانه را که در آن خانه خون آل محمد باشد مگر آنکه آن را میسوزاند و این مهدی و قائم آل محمد است^(۱). تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم گردید که مراد از عذاب واقع در این آیه آن عذاب است که بدست حضرت قائم آل محمد بر کافران واقع میشود پس این آیه در شأن آنحضرت است و در بعض اخبار وارد است که تنزیل آیه در مورد دیگر است پس منافات ندارد با تأویل چنانکه مراراً ذکر شد .

(آیه نود و هفتم) قوله تعالى در سورة معارج « فاصبر صبراً جميلاً * انهم يرونه بعيداً * ونويه قريباً »^(۲) یعنی ای حبیب ما صبر کن صبر نیکو بدرستی که آن کافران و منافقان می بینند و عده ما را را بعید و ما آن را را قریب و نزدیک می بینیم . و این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است و مراد اینست که معاندین و عده قیام قائم آل محمد را بعید می بینند و استبعاد میکنند از آن و ما که خداوندیم ظهور آنحضرت را نزدیک می بینیم و آن را قریب می شماریم .

و دلیل بر این دعای عهد است که علامه مجلسی و دیگران روایت کردند از حضرت صادق «ع» بسند معتبر که هر که چهل صباح این عهد نامها بخواند از یاوران قائم آل محمد باشد و اگر قبل از ظهور آنحضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد ، و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۸۵ .

(۲) المعارج : ۶ و ۵ .

اورا کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند ، و آن عهد اینست « اللهم رب النور العظیم ورب الكرسي الرفیع » تا آنکه در آخرش میگوید « اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيداً ونراه قريباً برحمتك يا ارحم الراحمين »^(۱) پس سه مرتبه دست خود را بران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی العجل یا مولای یا صاحب الزمان یعنی خداوند ا کشف کن و بردار این غم را از این امت بظاهر شدن قائم آل محمد و زود بکن برای ماها ظهور آنحضرت را بدرستی که مردم آن را بعید می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم و آن را تعجیل بفرمائی برحمت خودت ای خدای رحم کننده رحم کنندگان ، و بعد از آن میگوئی تعجیل کن ای مولای من ای صاحب الزمان . پس از این دعا واضح گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است بدون شبهه .

(آیه نود و هشتم) قوله تعالى در سورة معارج « والذين يصدقون بيوم الدين »^(۲) یعنی و آنکسانیکه تصدیق میکنند بیوم الدین .

در کافی از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که آنحضرت فرمود در معنی آیه که تصدیق میکنند بروز ظهور حضرت قائم آل محمد^(۳) یعنی مراد از بیوم الدین در این آیه یوم قیام قائم اهل بیت است و این حدیث دلیل واضح است که این آیه در شأن آنحضرت و در مقام بیان وقت ظهور آن بزرگوار است .

(آیه نود و نهم) قوله تعالى در سورة جن « حتى اذا راوا ما يوعدون

(۱) زاد المعاد ص ۴۸۹ ط اسلامیه ۱۳۷۸ .

(۲) المعارج : ۲۶ .

(۳) المحجة ص ۷۵۴ .

فسیعلمون من اضعف ناصراً و اقل عدداً^(۱) یعنی تازمانی که می بینند آنچه را که وعده شده بودند پس در آن وقت زود میدانند که کدام ضعیف تر از جهت ناصر و مدد است و کدام کمتر است از حیث عدد .

و در تفسیر صافی از اهل بیت در تفسیر این آیه روایت نموده که امام فرمود: مراد از این حضرت قائم آل محمد است و اصحاب آنحضرت است^(۲).

یعنی مراد از ما یوعدون و دیدن آن دیدن قائم آل محمد و اصحاب اوست و قمی در تفسیر این آیه فرموده که مراد حضرت قائم و حضرت امیر المؤمنین است در رجعت^(۳).

پس از این تفسیرها واضح شد که این آیه در خصوص قائم آل محمد است و مراد از دیدن ما یوعدون دیدن آنحضرت است بعد از ظهورش و دیدن سلطنت امیر المؤمنین است بعد از قیام آنحضرت .

(آیه صدم) قوله تعالی در سورة مدثر «فاذا نقر فی الناقور * فنذلك یومئذ یوم عسیر»^(۴) یعنی پس زمانی که دمیده میشود در صور پس آن روز عسیر و دشوار است .

در کافی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود : بدرستی که از ما اهل بیت امامی است ظفر داده شده و مخفی و غائب شده ، پس زمانیکه خداوند اراده فرمود ظاهر نمودن امر امامت او را در قلب او یک نکته میگذارد یعنی بقلب او الهام فرماید پس آن امام غائب ظهور میکند و برخیزد

(۱) الجن : ۲۴ .

(۲) الصافی ص ۵۱۳ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۹۱ .

(۴) المدثر : ۸ و ۹ .

بامامت بامر خداوند^(۱).

ودرنجم الثاقب از نعمانی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود در آیه «فاذا نقر فی الناقور» که از برای ما امامی است مستقر پس هر گاه اراده فرمود خدای عزوجل اظهار امر خود را میافکند در دلش پس ظاهر شود پس پیام کند بامر خدای عزوجل^(۲).

و از تفسیر سیاری از آن حضرت روایت نموده که فرمود در آیه مذکور : دیده میشود در گوش قائم آل محمد و او را اذن میدهد خداوند در ظهور. و از اثبات الوصیه مسعودی روایت کرده از مفضل که گفت: سؤال نمودم از حضرت صادق «ع» از تفسیر جابر پس فرمود: خبر مده با وسفله را که افشا خواهند نمود آن را آیا نخواندی در کتاب خداوند «فاذا نقر فی الناقور» بدرستی که از ما امامی خواهد بود پنهان پس هر گاه اراده فرمود خداوند اظهار امر خود را میافکند در قلبش پس ظاهر میشود تا اینکه بر میخیزد بامر خداوند جل جلاله^(۳). تمام شد.

پس از این احادیث بسیار معلوم شد که مراد از ناقور در این آیه قلب قائم آل محمد است و مراد از دیده شدن صور در خصوص این آیه شریفه الهام خداوند است بدل مبارک آن حضرت پس این آیه بصریح این اخبار در شأن آنجناب و تأویل آن در آن بزرگوار است و مراد از یوم عسیر روز ظهور قائم آل محمد است که از برای کفار و اشرار آن روز بسیار دشوار خواهد گردید.

(آیه صد و یکم) قوله تعالى در سورة جن «عالم الغیب فلا یظہر علی

(۱) الکافی ج ۱ ص ۳۴۳ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۸ .

(۳) اثبات الوصیه ص ۲۰۳ .

غیبه احداً * الامن ارتضی من رسول فانه یسلک من بین یدیه ومن خلفه رسداً»^(۱) یعنی خداوند عالم بر غیب است پس مطلع نمیفرماید بر غیب خود هیچکس را مگر آنکسی را که اختیار کند او را از پیغمبر پس خداوند سلوک میکند از پیش او و از عقب سر او از برای آن پیغمبر رسدی را و راه دانستن غیب را یعنی خدا غیب را از اخبار گذشته و از اخبار آینده بر برگزیده‌های خودش اطلاع میدهد و غیر از برگزیدگان خداوند غیب را کسی نمیداند و دانستن ایشان نیز با اطلاع دادن خداوند میشود.

و مراد از غیب در این آیه که غیر خداوند و غیر برگزیده خدا ایتالی کسی نمی‌داند وقت ظهور امام غائب و غیبت و علت‌های غیبت قائم آل محمد «ص» است که آن را غیر خداوند و غیر معدن وحی و تنزیل کسی دیگر نمیداند و علم بظهور آن حضرت و علم بعلت غیبت آنجناب منحصر بر خدا و برگزیدگان او است.

و دلیل بر آنکه مراد از غیبت قائم آل محمد و ظهور او و علت غیبت او است نقل تفسیر صافی است از تفسیر قمی در این آیه که فرمود خبر دهد خداوند رسول و برگزیده خود را بآن خبرهائیکه بوده است قبل از او و بآن چیزهائیکه می‌شود بعد از او از خبرهای قائم آل محمد و اخبار رجعت و قیامت^(۲).

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از غیب و از خلفه در این آیه قائم آل محمد و اخبار او و وقت ظهور و علت غیبت آنحضرت است، و شاهد واضح بر اینکه مراد از غیب آنجناب است روایت صدوق است در اکمال الدین از حضرت صادق که فرمود در آیه شریفه «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب»^(۳)

(۱) الجن : ۲۶ و ۲۷ :

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۹۱ ، الصافی ۵۱۴ طبع تبریز.

(۳) البقرة : ۲ .

یعنی این کتاب هدایت است از برای پرهیزکاران همچنان کسانیکه ایمان می‌آورند بغیب که متقیان شیعیان امیرالمؤمنین است، و اما غیب پس او حجت غائب است و شاهد بر این قول خداوند تبارک و تعالی است که میفرماید «و یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین»^(۱) در سوره یونس یعنی میگویند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگار خودش پس بگو که نیست غیب مگر مر خدا بتعالی را پس منتظر باشید بدرسیکه من باشما از منتظران باشم یعنی برای آمدن آن غیب که از آیات خداوند است تمام شد.

پس از این حدیث صحیح که در تفسیر آیه اول سوره بقره وارد شده معلوم شد که مراد از غیب حضرت امام غائب و قائم آل محمد است، و همچنین واضح گردید که مراد از آیه در سوره یونس غیب است و مراد از غیب در آن نیز امام غائب است و اینها برهان واضح است که مراد از غیب در سوره جن که ذکر شد قائم آل محمد میباشد بلکه ظاهر می‌شود از این سه آیه که در هر جا که غیب است در قرآن مراد امام غائب است.

و آیات که در آنها اشاره بغیب شده بسیار است و حقیر آنها را اجمالاً در اینجا ذکر میکند تا اطلاع زیاده‌تر باشد:

۱ - «ولله غیب السموات والارض» هود^(۱).

۲ - «له غیب السموات والارض»^(۲) کهف.

(۱) یونس : ۲۰ و حدیث در اکمال الدین ج ۲ ص ۳۴۰.

(۲) هود : ۱۲۳ و مر خدا راست غیب آسمانها وزمین.

(۳) کهف : ۲۶ مر او راست غیب آسمانها وزمین.

- ۳ - «ان الله يعلم غيب السموات والارض»^(۱) حجرات .
- ۴ - «ولله غيب السموات والارض»^(۲) نحل .
- ۵ - «انى اعلم غيب السموات والارض»^(۳) بقره .
- ۶ - «ان الله عالم غيب السموات والارض»^(۴) ملائکه .
- ۷ - «فقل انما الغيب لله»^(۵) يونس .
- ۸ - «ام عندهم الغيب»^(۶) طور .
- ۹ - «ولا اعلم الغيب»^(۷) انعام .
- ۱۰ - «ام عندهم الغيب»^(۸) نون .
- ۱۱ - «ولا اعلم الغيب»^(۹) طور .
- ۱۲ - «قل لا يعلم من فى السموات والارض الغيب الا الله»^(۱۰) نمل .
- ۱۳ - «ان لو كانوا يعملون الغيب»^(۱۱) سبأ .

- (۱) الحجرات : ۱۸ خداوند می داند غیب آسمانها وزمین را .
- (۲) النحل : ۷۷ و مر خدا را است غیب آسمانها وزمین .
- (۳) البقره : ۳۳ من می دانم غیب آسمانها وزمین را .
- (۴) الملائکه : ۳۸ خداوند دانای غیب آسمانها وزمین است .
- (۵) يونس : ۲۰ بگو غیب مختص خداوند است .
- (۶) الطور : ۴۱ آیا در نزد آنها است غیب ؟
- (۷) الانعام : ۵۰ و من نمی دانم غیب را .
- (۸) نون : ۴۷ آیا نزد آنها است غیب ؟
- (۹) در سوره طور این آیه وجود ندارد .
- (۱۰) النمل : ۶۵ بگو نمی داند آنکه در آسمانها وزمین است غیب را مگر خدا
- (۱۱) سبأ : ۱۴ اینکه اگر می دانستند غیب را .

- ۱۴ - «ولو كنت اعلم الغيب»^(۱) اعراف .
- ۱۵ - «اطلع الغيب»^(۲) مريم .
- ۱۶ - «ذلك عالم الغيب والشهادة»^(۳) سجده .
- ۱۷ - «ذلك من انباء الغيب»^(۴) آل عمران .
- ۱۸ - «وعنده مفاتيح الغيب»^(۵) انعام .
- ۱۹ - «ذلك من انباء الغيب»^(۶) يوسف .
- ۲۰ - «عالم الغيب والشهادة»^(۷) انعام .
- ۲۱ - «ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة»^(۸) توبه .
- ۲۲ - «عالم الغيب والشهادة»^(۹) رعد .
- ۲۳ - «الى عالم الغيب والشهادة»^(۱۰) جمعة .
- ۲۴ - «عالم الغيب والشهادة»^(۱۱) مؤمنين .

- (۱) الاعراف : ۱۸۸ . اگر غیب را می دانستم .
- (۲) مريم : ۷۸ يا بغیب آگاه شدہ .
- (۳) السجدة : ۶ . این دانای غیب و شهادت است .
- (۴) آل عمران : ۴۴ . این از اخبار غیب است .
- (۵) الانعام : ۵۹ . و در پیش او است کلیدهای غیب .
- (۶) يوسف : ۱۰۲ . این از اخبار غیب است .
- (۷) الانعام : ۷۳ . دانای غیب و شهادت است .
- (۸) التوبة : ۹۴ . سپس برگشته میشود بطرف دانای غیب و شهادت .
- (۹) الرعد : ۹ . دانای علم غیب و شهادت .
- (۱۰) الجمعة : ۸ . بطرف دانای غیب و شهادت .
- (۱۱) المؤمنین : ۹۲ . دانای غیب و شهادت .

- ۲۵ - «وستردون الی عالم الغیب والشهادة»^(۱) توبه .
- ۲۶ - «عالم الغیب»^(۲) حشر .
- ۲۷ - «تلك من انباء الغیب»^(۳) هود .
- ۲۸ - «عالم الغیب والشهادة»^(۴) تغابن .
- ۲۹ - «عالم الغیب لا یعرب عنه»^(۵) سباء .
- ۳۰ - «اعنده علم الغیب»^(۶) نجم .
- ۳۱ - «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه الخدأ»^(۷) جن .
- ۳۲ - «الذین یؤمنون بالغیب»^(۸) بقره .
- ۳۳ - «لیعلم الله من یخافه بالغیب»^(۹) مائده .
- ۳۴ - «التی وعد الرحمن عباده بالغیب»^(۱۰) مریم .
- ۳۵ - «رجماً بالغیب»^(۱۱) كهف .

- (۱) التوبه : ۱۰۵ . وزود بر گرداننده میشود بطرف دانای غیب وشهادت .
- (۲) للحشر: ۲۴ . دانای غیب ..
- (۳) هود : ۴۹ . این از خبرهای غیب است .
- (۴) التغابن : ۱۸ . دانای غیب . وشهادت است .
- (۵) سبأ : ۳ . دانای غیب است «کوچکترین چیز» از او پنهان نیست .
- (۶) النجم : ۳۵ - آیا نزد او است دانستن غیب .
- (۷) الجن : ۲۶ . داننده غیب غیب خود را بکسی اظهار نمی کند .
- (۸) البقره : ۳ . آنانکه بغیب ایمان می آورند .
- (۹) المائده : ۹۴ . تا بدانند خدا آن کس را که در غیب از خدا میترسد .
- (۱۰) مریم : ۶۱ . آن چنان بهشتی که خدا بندگان خود را بغیب وعده داده .
- (۱۱) الكهف : ۲۲ . انداختنی بغیب ..

- ۳۶- «الذین یخشون ربهم بالغیب»^(۱) انبیاء .
- ۳۷- «انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب»^(۲) ملائکه .
- ۳۸- «ان الذین یخشون ربهم بالغیب»^(۳) ملک .
- ۳۹- «ویقذفون بالغیب»^(۴) سباء .
- ۴۰- «من ینصره ورسله بالغیب»^(۵) حدید .
- ۴۱- «وخشی الرحمن بالغیب»^(۶) یس .
- ۴۲- «من خشی الرحمن بالغیب»^(۷) ق .
- ۴۳- «وماکان الله لیطلعکم علی الغیب»^(۸) آل عمران .
- ۴۴- «وماهو علی الغیب بضنین»^(۹) تکویر .
- ۴۵- «حافظات للغیب»^(۱۰) نساء .

و در اکثر این آیات چهل و پنج هر چندیکه غیب تفسیر شده بقیامت و یا بچیز

-
- (۱) الانبیاء : ۴۹ آنانکه می ترسند از خدای خود درغیب .
- (۲) الملائکه : ۱۸ تو میترسانی آنان را که درغیب از خدای خودشان میترسند .

- (۳) الملك : ۱۲ آنانکه درغیب از خدای خودشان میترسند .
- (۴) سبأ : ۵۳ و می انداختند به غیب .
- (۵) الحدید : ۲۵ که با او و پیامبران او بغیب یاری می کند .
- (۶) یس : ۱۱ و بترسد از خدا درغیب .
- (۷) ق : ۳۳ هر که بترسد از خدا درغیب .
- (۸) آل عمران : ۱۷۹ و نیست خدا آگاه کننده شما برغیب .
- (۹) التکویر : ۲۴ و نیست او برغیب بخیل .
- (۱۰) النساء : ۳۴ نگهدارندگان مرغیب را .

دیگرو با همه این منافات ندارد که مراد از غیب در همه این آیات امام غائب باشد. زیرا که منافات در بین تأویل و تنزیل ندارد و تفسیر شدن غیب در این آیات بقیامت و یا بچیز دیگر منافات ندارد با تأویل غیب که در این آیات است بامام غائب و علت غیبت قائم آل محمد، و یا آنکه این آیات تأویل باشد در قیامت و یا در چیز غیر از آن و تنزیل اینها در غیبت امام غائب و وقت ظهور آنحضرت باشد، و یا آنکه هریکی از قیامت و غیبت آنحضرت تأویل باشد، و یا آنکه هر دو تا تنزیل و یا آنکه بعضی تنزیل در بعضی و بعضی تأویل در بعضی از آیات باشد همچنانکه در آیات ساعت این نحو بود که ذکر شد.

و بالجمله از حدیث اکمال الدین معلوم شد که آیه اول سوره بقره و آیه سوره یونس در شأن حضرت قائم آل محمد است و مراد از غیب در این دو آیه یقیناً امام غائب است بلکه مراد از قوله تعالی «الم ذلك الكتاب لاریب فيه» نیز کتاب حضرت قائم آل محمد است، زیرا که در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود مراد از این کتاب که رب در او نیست کتاب علی علیه السلام است که در او رب نیست^(۱). تمام شد.

و معلوم است که کتاب علی «ع» کتاب قائم آل محمد است، و آن کتاب امیر المؤمنین در دست حضرت قائم است و آن را آنحضرت خواهد آورد چنانکه تفصیل آن در آیه «لایمسه الا المطهرون» ذکر شد.

و صاحب صافی اعلی الله مقامه معنی کتاب علی «ع» را در حدیث عیاشی ملتفت نشده و بعضی فرمایشها فرموده که ناشی بوده از عدم التفات بمعنی واقعی کتاب علی «ع» و بعد از آنکه معلوم گردید که کتاب علی «ع» همان کتاب است

(۱) العیاشی ج ۱ ص ۲۶ و در تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۰، روایت کرده از حضرت صادق «ع» که «مراد از» کتاب، علی «ع» است که در او شك نیست.

که با حضرت قائم میباشد و آن را خواهد آورد پس احتیاج بتکلف صاحب صافی ندارد^(۱).

و از آنچه ذکر شد در شرح تفسیر آیه صد و یکم که «عالم الغیب فلا ینظر علی غیبه» الایة باشد، معلوم گردید که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است و همچنین از حدیث اکمال واضح شد که آیه اول سوره بقره و آیه مذکوره از سوره یونس نیز در شأن حضرت قائم اهل بیت است.

و این دو آیه در وقت نوشتن آیات این دو سوره از حقیر فوت شده بود زیرا که در تفسیر موجود در نزد حقیر نبود و در اینجا که ذکر شد از کتاب نجم الثاقب پیدا نمود پس عدد آیات بنا بر این صد و سه گردید.

(آیه صد و چهارم) در سوره نازعات قوله تعالی «یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة»^(۲) یعنی روزی که می لرزند حرکت کننده ها و متحرک میگردانند آنها را که ساکن بودند و از پی او میآید آنچه ردیف آنست.

در تفسیر محمد بن عباس بن ماهیار و فرات بن ابراهیم و مناقب شاذان بسن جبرئیل قمنی از حضرت صادق «ع» روایت کردند که فرمود در تأویل این آیه که: راجفة حضرت امام حسین «ع» است و رادفة حضرت امیر المؤمنین «ع» است و اول کسی که در رجعت از قبر بیرون میآید حضرت امام حسین «ع»^(۳) است.

(۱) الصافی ص ۲۱ و نظر صاحب صافی با روایتی را که تفسیر قمنی نقل کرده و در پاورقی سابق ذکر شد موافق است.

(۲) النازعات : ۶ و ۷.

(۳) تفسیر فرات کوفی چنین است: او «یعنی امیر المؤمنین» اول کسی است که سرش را حرکت می دهد که از خاک پاک شود - یعنی خاک قبر - با حسین بن علی بانود و پنجه از نفر و اینست معنای قول خدا: انالنصر رسلنا الی آخر آیه شریفه.

باهفتاد و پنج هزار کس و آنست تأویل قوله تعالی « انا لننصر رسلنا »^(۱) الایة .
چنانکه گذشت . تمام شد .

پس از این حدیث که از تفاسیر متعدده نقل شده معلوم شد که این آیه در
رجعت حضرت امام حسین «ع» است که او اول رجعت خواهد نمود و بعد از
آن حضرت امیر المؤمنین «ع» که ردیف آن بزرگوار است ، و معلوم است که
رجعت ایشان بعد از ظهور قائم آل محمد است و سلطنت از آنحضرت بحضرت
امام حسین خواهد رسید چنانچه سابقاً ذکر شد و در خطبه عاشورا رجعت حضرت
سید الشهداء فی الجملة بیان شد .

و از کامل الزیارة علامه مجلسی از حریر روایت کرده است که گفت بحضرت
امام جعفر صادق «ع» عرض کردم که : فدای توشوم چه بسیار کم است بقای
شما اهل بیت درد دنیا و چه بسیار نزدیک است اجلهای شما بیکدیگر با احتیاج
عظیمی که خلق بشما دارند ؟ حضرت فرمود که : هر یک از ما صحیفه داریم که
در آن نوشته است آنچه باید بآن عمل کنیم در مدت حیات خود چون اینها
منقضی شد میدانیم که وقت اجل ما رسیده است ، و در آن وقت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله میآید و خبر وفات ما را بما میگوید و ثوابهای عظیم حق تعالی
را بما بشارت میدهد ، و حضرت امام حسین صحیفه خود را خواند و در آن
صحیفه نوشته بودند آنچه در حال حیات خود کند و آنچه باقی ماند بعد از این
خواهد کرد ، پس رفت بقتال با امر خداوند ذوالجلال و شهید شد ، و از جمله
اموریکه باقی مانده بود که گسروهی از ملائکه از حق تعالی رخصت طلبیدند که
بیاری او بیابند چون بزمین آمدند حضرت شهید شده بود حق تعالی وحی کرد
بسوی ایشان که ملازم قبه او باشند تا از قبر بیرون آید در رجعت و بیاری او بکنند

در رجعت پس گریه کنید بر او و بر آنچه از شما فوت شده است از یاری او و شما مخصوص گردیده اید بیاری او و گریستن بر او پس آن ملائکه بر او میگریند و چون او بیرون آید از یاوران او خواهند بود^(۱).

و از این حدیث رجعت امام حسین «ع» واضح گردید و معلوم شد که ملائکه با آنحضرت میشوند.

(آیهٔ صد و پنجم) قوله تعالی در سورهٔ تکویر «فلا اقسام بالخنس* الجوار الكنس»^(۲) یعنی قسم بآن ستاره‌های سیاره که پنهان میشوند در زیر شعاع آفتاب چون وحشیان که در خوابگاه در آیند و در آنجا پنهان میشوند.

این ترجمه از نجم الثاقب است، و در آن کتاب از اکمال الدین و غیبت شیخ طوسی و غیبت نعمانی از حضرت باقر «ع» روایت کرده در تفسیر این آیه که فرمود: مراد از آن امامی است که غائب شود در سال دویست و شصت از هجرت و بعد از غائب شدن ظهور میکند مانند شهاب درخشان در شب تاریک و بآن راوی فرمود اگر درک کردی آن زمان را پس چشمهایت روشن خواهد شد^(۳).

و این حدیث را در تفسیر صافی از کافی^(۴) نیز نقل کرده و ایضاً در نجم الثاقب فرموده که خنس آن ستاره‌های سیاره است که برای ایشان رجوع است و گاهی از سیر مراجعت میکنند مثل زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد و برای آفتاب و ماه رجعت نیست.

و حسین بن حمدان روایت کرده از حضرت باقر «ع» که فرمود در آیه

(۱) کامل الزیارات ص ۸۷.

(۲) التکویر : ۱۵، ۱۶.

(۳) النجم الثاقب ص ۴۴.

(۴) الکافی ج ۱ ص ۳۴۱.

مبارک که «فلا اقسام بالخنس» که او امامی است که غائب می شود در سنه دو بیست و شصت .

و در اکمال و غیبت شیخ نعمانی مرویست از امام هانی که گفت ملاقات کردم حضرت امام محمد باقر را پس سؤال کردم از آنجناب از این آیه فلا اقسام بالخنس پس فرمود آن امامی است که پنهان میشود در زمان خود^(۱). تا آخر آنچه گذشت تمام شد .

پس از این احادیث معلوم شد که مراد از خنس و کنس در این آیه قائم آل محمد است و این آیه در خصوص آنحضرت نازل شده .

(آیه صد و ششم) قوله تعالی در سوره غاشیه «هل ائیک حدیث الغاشیه» الی قوله «تصلی ناراً حامیه»^(۲) یعنی آیا آمد بر تو حدیث و خبر پو شاننده و پرده کننده و میسوزاند آتش بسیار گرم .

در کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود: می پو شانند و میگیرند کافران را و منافقان را حضرت قائم آل محمد با شمشیر تا آنکه فرمود و معنی تصلی ناراً حامیه یعنی میسوزاند آتش جنگ و جدال ایشان را در دنیا بدست اصحاب قائم آل محمد و در آخرت آتش جهنم آنها را می سوزاند^(۳) تمام شد .

پس از این حدیث تفسیر معلوم گردید که مراد آنحدیث غاشیه حضرت قائم است و مراد از ناراً حامیه آتش جنگ اصحاب آنحضرت است و آن بزرگوار است که کافران را میگیرد و آنها را غش میکند و میپو شانند بعد از جنگ

(۱) النجم الثاقب ص ۴۶ .

(۲) الغاشیه : ۱ و ۲ و ۳ و ۴ .

(۳) تفسیر صافی ص ۵۲۷ ط تبریز .

بمنصرت .

آیة صد وهفتم) قوله تعالى در سورة شمس «والشمس وضحيها* والقمر اذا تليها * والنهار اذا جليها»^(۱) یعنی قسم یاد میکنم بآفتاب وضوء وروشنی آن وبرماه زمانیکه در پی آفتاب آید وبروز زمانیکه جلی وآشکار کند آنرا . در نجم الثاقب از تفسیر شیخ فرات بن ابراهیم نقل نموده از حضرت باقر «ع» که فرمود : حارث اعور عرض کرد بخدمت حضرت امام حسین «ع»: یا بن رسول الله فدای تو شوم خبرده مرا از قول خداوند تعالی «والشمس وضحيها»؟ فرمود : وای بر تو ای حارث این محمد رسول خدا است . گفتم فدای تو شوم قول خداوند والقمر اذا تليها فرمود این امیر المؤمنین علی است که در پی محمد آمده . گفتم : قول خداوند «والنهار اذا جليها» ؟ فرمود : این قائم آل محمد که پر کند زمین را از عدل و داد^(۲) .

و در تفسیر صافی از کافی و تفسیر قمی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود : شمس رسول الله است که باو واضح کرد خداوند از برای مردم دین ایشان را وقمر امیر المؤمنین است که بعد از رسول خدا آمد و پیغمبر علم خود را باو داد و دلیل خلفاء جورند آنکسانیکه مستبد بامر خداوند شدند و آل رسول الله را منع نمودند و جلوس نمودند در مجلسی که اولاد پیغمبر از ایشان اولی و احق بودند بآن مجلس ، پس پوشانند دین خدارا بظلم و جور پس حکایت فرمود خداوند فعل آنها را پس فرمود «واللیل اذا يغشيها» و مراد از نهار او امام است از ذریة حضرت فاطمه که سؤال کرده می شود از دین رسول الله پس جلی وآشکار میکند آن دین را از برای سؤال کننده ، پس حکایت فرمود

(۱) الشمس : ۱ و ۲ و ۳ .

(۲) نجم الثاقب ص ۷۵ تفسیر فرات ص ۲۲۹ .

خداوند قول آن امام را پس فرمود «والنهار اذا جلیها»^(۱) تمام شد .
 پس از این تفسیرها واضح گردید که مراد از نهار در این آیه حضرت قائم
 آل محمد است و مراد از تجلی نهار آشکار فرمودن آنحضرت است دین خداوند
 و دین پیغمبر او را بدون شبهه در این .

(آیه صد و هشتم) قوله تعالی در سورة لیل «واللیل اذا یغشی * والنهار
 اذا تجلی»^(۲) یعنی شب زمانیکه میپوشاند آفتاب را یا روز را و روز زمانیکه
 تجلی میکند و آشکار می شود .

در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود : لیل در این
 آیه انکس است که پوشانید حضرت امیر المؤمنین را و حق او را در سلطنت
 خودش و حضرت امیر المؤمنین صبر میکرد در سلطنت آنها تا آنکه منقضی شد
 و بآخر رسید زمان ایشان « والنهار اذا تجلی » فرمود نهار در این آیه اوقائم آل
 محمد است از ما اهل بیت زمانیکه قیام میکند و ظهور نماید غالب می شود
 بر دولتهای باطله و سلطنتهای ظالمه و قرآن زده شده در آن مثلها از برای مردم
 و خداوند خطاب کرده باو پیغمبرش را و ما اهل بیت را پس نمیداند علم قرآن
 را کسی غیر از ما ائمه^(۳) .

مؤلف گوید : مراد از مثل زدن خداوند در این آیه تشبیه کردن خدایتعالی
 است ظالمان امیر المؤمنین را بلیل که شب ظلمانی باشد و تشبیه فرمودن حضرت
 قائم آل محمد است بنهار تجلی که روز روشن باشد یعنی ظالمان ائمه و سلطنتهای
 آنها مثل شب تاریک است در پوشاندن انوار خداوند و حضرت قائم آل محمد

(۱) الصافی ص ۵۲۹ .

(۲) اللیل : ۱ و ۲ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۲۵ .

مثل روزپرضیا و نوراست در بردن ظلمتهای شب و زایل نمودن ظلمهای ظالمان و طاغیان عالم .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از « والنهار اذا تجلی » روز ظهور تجلی آن افتاب عالمتاب خداوند رب الالباب است و مراد از این آیه شریفه آنجناب سلاله الاطیاب است .

(آیه صد ونهم) قوله تعالی درسوره قدر «تنزل الملائكة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر»^(۱) یعنی نازل میشوند ملائکه و روح القدس در شب قدر باذن و اجازه پروردگار خودشان از هر امر و کاروان شب سلام است تا طلوع صبح پس ضمیر فیها و ضمیر هی راجع است بلیلة القدر .

پس اول بیان شب قدر باید کرد و بعد از آن نزول ملائکه و روح را که بر که نازل میشوند ، پس میگوئیم بعون الله تعالی : نقل نموده در حدائق از کافی و کتاب فقیه از عمران^(۲) که سؤال کرد او از حضرت باقر « ع » از قول خداوند « انا انزلناه فی لیلة مبارکه »^(۳) فرمود : آن شب قدر است ، و آن در هر سال است در هر ماه رمضان در دهه آخر آن و نازل نشده قرآن مگر در شب قدر و فرموده است خداوند « فیها یفرق کل امر حکیم » فرمود یعنی مقدر میشود در شب قدر هر چیز در آن سال تا سال آینده از شب قدر از خیر و شر و طاعت و معصیت و مولود و اجل و رزق ، پس آنچه مقدر شده در آن شب و حکم گردید پس آن حتمی میشود^(۴) الحدیث .

(۱) القدر : ۴ و ۵ .

(۲) در حدائق : حمران .

(۳) الدخان : ۳ .

(۴) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۳۸ ط نجف .

ویازدهم^(۱) از آن دو کتاب^(۲) نقل کرده از یعقوب که گفت: شنیدم از مردی که سؤال نمود از حضرت صادق «ع» که خبر بده بر من از شب قدر آیا بوده است و میشود در هر سال. پس حضرت فرمود بر آن شخص: هرگاه برداشته شود شب قدر از میان سال هر آینه برداشته میشود قرآن خداوند^(۳).

وایضا از رفاعه روایت کردند از حضرت صادق «ع» که فرمود: شب قدر آن اول سال واقع میشود و آن در آخر همان سال نیز واقع میشود زیرا که در آمدن شب قدر دو امر واقع می شود هم اول سال آینده و هم آخر سال گذشته^(۴). و باز از محمد بن مسلم روایت نمودند از حضرت باقر «ع» که گفت: سؤال نمودم از آنجناب از علامت شب قدر، پس فرمود علامت آن اولاً طیب بودن بوی آن شب است و ثانیاً سرد بودن آنست فی الجمله در گرمی و گرمی بودن آن شب در سردی هوا^(۵).

و از کافی از ابو حمزه روایت کرده که گفت: حضرت صادق «ع» فرمود نوشته میشود در شب قدر رفتن حجاج و مصیبتها و بلاها و روزیها و آنچه در آن سال می شود تا مثل شب قدر از سال آینده پس طلب کن آنرا در شب بیست و یکم و در شب بیست و سیم از رمضان^(۶) الحدیث.

و از کتاب تهذیب نقل نموده از زرارة از حضرت باقر «ع» که گفت:

(۱) ظاهراً: باز و هم بمعنی: ایضاً.

(۲) من لایحضره الفقیه و کافی.

(۳) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف.

(۴) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف.

(۵) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف.

(۶) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف.

سؤال نمودم از شب قدر ، پس فرمود : آن یاشب بیست و یکم است و یاشب بیست و سیم است . عرض کردم : آیا آن يك شب نیست ؟ پس فرمود : بلی آن شب قدر يك شب است . عرض نمودم همان شب را بمن خبرده فرمود چه میشود بر تو که در هر دو شب از این شبها عمل خیر بکنی ^(۱) .

وایضاً از کافی از اسحق بن عمار روایت کرده که گفت : شنیدم از حضرت صادق «ع» که فرمود : قسم بخداوند نمیشود شب قدر مکرر در شب نوزدهم از رمضان و شب بیست و یکم از آن و شب بیست و سیم از آن ، پس بدرستی که در شب نوزدهم «یلتقی الجمعان» و در شب بیست و یکم فرق می شود هر امر محکم و در شب بیست و سیم امضاء میشود آنچه خداوند اراده فرمود از کارهای سال و آن شب قدر است همچنان شب قدریکه خداوند فرموده که آن بهتر است از هزار ماه . عرض نمودم معنای «یلتقی الجمعان» چیست فرمود جمع میکند خداوند در آن شب آنچه اراده فرموده تقدیم آنرا و تأخیر آنرا و قضاء آن را . عرض کردم : پس معنای امضاء خداوند آنچه را در شب بیست و سیم چیست؟ فرمود : بدرستی که خداوند تفریق میکند ایشانرا در شب بیست و یکم و بدهاء در آن میشود ، پس وقتیکه شب بیست و سیم شد امضاء میفرماید تقدیرات را پس اشیاء از محتومات میشود که در آن بدهاء نشود ^(۲) .

و احادیث که در بیان شب قدر وارد شده زیاده از حد تواتر است و ذکر همه آنها خارج از حد این وجیزه است ، و مقصود از ذکر اینها بیان دلالت اخبار است بر اینکه شب قدر در همه سال بوده و خواهد شد زیرا که احادیث گذشته در کمال وضوح است در اینکه شب قدر همیشه بوده و خواهد بود .

(۱) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۱ ط نجف .

(۲) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۲ .

پس وقتی که از این احادیث ثابت شد که شب قدر در همه سال میشود واضح میگردد که ملائکه در آن شب نازل میشوند ، زیرا که بودن شب قدر ملائکه است بانزول ملائکه بعلت اینکسکه این صریح قرآن است که « تنزل الملائكة والروح فیها» باشد یعنی ملائکه و روح القدس در شب قدر نازل میشوند و اخبار متواتره نیز دلالت دارد بر نزول ملائکه در شب قدر .

و این بنا بر دلالت آیه و احادیث متواتره ضروری دین است ، بعلت اینکسکه يك چیزا اگر آیه و اخبار زیاده از حد تواتر و بلکه دعاجات و مناجات ماه رمضان زیاده از تواتر دلالت کند بر بودن آن و وجود و ثابت شدن آنچیز البته آن ضروری میشود و شبهه در آن نمی ماند و منکران از دین بیرون میشود و این از توضحات است و در میان اعلام اسلام از معروفات شده و بودن شب قدر در هر سال و بلکه بودن آن در رمضان و نازل شدن ملائکه و روح در آن شب این هردو از این قبیل است و مدلول و مفهوم و معنای آیه و احادیث و ارده متواتره و ادعیه جات و مناجات و استغاثات است و همچنین چیزی از ضروریات است بالضروره و از بدیهیات است بالبداهه و منکر آن منکر قرآن و احادیث و ارده و دعاجات و مناجات صادره از اهل ذکر و قرآن است و کفر چنین شخص از واضحات است بدون شبهه .

و بالجمله وقتی که ثابت شد بودن شب قدر و نازل شدن ملائکه و روح در آن آن شب پس باید معلوم شود که این ملائکه و روح القدس بر که نازل میشوند و روح القدس که بزرگترین ملائکه است با سایر ملائکه در شب قدر بر کدام کس و کدام شخص نزول میکنند و بخدمت که می آیند و امر خداوند را و بلکه جمیع امور و قایع آن سال را بر کدام کس می آورند آیا بر کافر و یا فاسق می آورند و یا بر مؤمن و یا به پادشاهی و یا بر عالم امر خدا را می آورند و آیا شنیده شده است از

عالمی ویا از مؤمنی ویا از پادشاهی ویا از کافری ویا فاسقی که بگوید ملائکه وروح القدس درشب قدربرمن نازل میشوند وهرامری را ازجانب خدا برای من میآورند ویا آنکه وقایع واتفاقات سالرا من درشب قدر میدانم کلائم کلا همچنین چیزی شنیده نشده وکسی این ادعارا نکرده بلکه هیچکس شب قدر را معین نکرده و اگر بشناسد بکسی نگفته ودر حدیث محمد بن مسلم حضرت باو معین فرمود باوجود آنکه محمد بن مسلم از صاحب اسرار ائمه است . واز همین جهت است که حضرت باقر « ع » در حدیثیکه در اصول کافی نقل کرده فرموده که : خداوند اعظم واجل است از اینکه هرامری را که درسال واقع میشود بتوسط ملائکه وروح القدس برکافری ویا بر فاسقی ویا بر نادانی وجاهلی بفرستد واموریرا بر غیر اهل آن بدهد (۱) تمام شد ملخصاً .

پس از آنچه ماذکر نمودیم واضح شد ومعلوم گردید که باید ملائکه وروح القدس بسا جمیع امور سال ووقایع آن بر شخصی نازل باشند وبخدمت کسی شرفیاب شوند که قابل این مراتب ولایق این مقام عظیم باشد ولیاقت آن داشته باشد که ملائکه وروح القدس که اعظم واجل وبزرگتر از ایشان است باو سخن بگویند وملاقات نمایند واموریکه در عرض سال واقع خواهد شد باو خبر بدهند وبا او در آن خصوص تکلم کنند .

واین شخص که لایق اینگونه مراتب باشد نیست مگر امامی معصوم و خلیفه خداوند در زمین ، زیرا که غیر امام عالم واقعی وجز معصوم از جانب خدا وغیر خلیفه ونائب خلاق تبارک وتعالی لایق این مراتب وقابل این کمالات نیست بعلت اینکه غیر امام معصوم همه یا جاهل ونادان ویا آنکه باجهل ونادانی فاسق ویا کافر واقعی است ونادان خصوصاً که فاسق یا کافر باشد قابلیت ندارد

که بر او ملائکه و خصوصاً روح القدس نازل باشد و با او سخن بگویند و امور و وقایع سال بر او عرض کنند .

پس اگر ماهیچ حدیث نداشته باشیم بر اینکه ملائکه و روح القدس در هر شب قدر در همه سال بر امام معصوم نازل میشوند و در هر زمان بخدمت امام و خلیفه در آن وقت نازل میباشند هر اینه معلوم خواهد شد که باید ملائکه و روح القدس بخدمت امام معصوم آن زمان نازل میشوند و در هر شب قدر در هر سال بحضور امام آن عصر نزول میکنند و اموری که در آن سال واقع میشود بر آن امام که در زمان است عرض میکنند و در اتفاقات آن سال با او تکلم مینمایند ، با وجود آنکه احادیث صحیحه و معتبره بسیار از موثقین علماء اخیار وارد شده که ملائکه و روح القدس در شب قدر در هر سال بحضور امام آن عصر نازل میشوند و اموری که در آن سال واقع خواهد شد بخدمت امام زمان عرض میکنند و در آن خصوص با امام آن زمان تکلم مینمایند و با آن امام در آن باب سخن می گویند .

و از جمله آن احادیث حدیث محمد بن ابی عبدالله و محمد بن الحسن از سهل بن زیاد و محمد بن یحیی از احمد بن محمد جمیعاً از حسن بن عباس ابن جریش از حضرت باقر «ع» که فرمود : بدرستیکه بتحقیق نازل میشود در شب قدر بسوی ولی الامر و امام زمان تفسیر امور سال بسال و مأمور میشود در آن سال در کار خودش بکذا و کذا و در کار امور مردم بکذا و کذا و بدرستیکه حادث میشود از برای ولی الامر و امام عصر در هر زمان سوای علوم شب قدر هر روز علم خاص و مکنون و عجیب خداوند مثل آن علمی که در شب قدر نازل شده بر آن امام^(۱) .

و از آن جمله باسناد مزبور در حدیث ابن عباس که حضرت امیر المؤمنین «ع» فرمود باو: بدرستی که شب قدر در هر سال نازل میشود در آن شب امور سال و بدرستی که از برای این امر امامان هستند بعد از رسول خدا. پس ابن عباس گفت: آن امامان کدام اشخاصند؟ حضرت فرمود: اول ایشان منم و بعد از من یازده نفر از اولاد منند از صلب من که امامند - الحدیث^(۱).

و از آن جمله با همان اسناد از باقر «ع» در حدیث مفصل فرمود: تا آنکه وقتی که بیاید شب قدر پس نازل میشود ملائکه در آن شب بسوی ولی امر و امام آن عصر. الحدیث^(۲).

و این احادیث در اصول کافی و علی بن ابراهیم در تفسیر «تنزل الملائكة والروح» روایت کرده که نازل میشوند ملائکه و روح القدس بر امام زمان و میدهند باو آنچه را که آن را نوشته اند^(۳).

پس از این اخبار مذکور معلوم شد که ملائکه و روح القدس در هر سال در شب قدر بر امام آن زمان و خلیفه خداوند در آن عصر نازل میشود و امور آن سال را بر او عرض میکنند، و این واضح است از احادیث مزبوره همچنانکه محقق بحرانی در حدایق فرموده است که اخبار دلالت کرده بر اینکه ملائکه در شب قدر نازل میشوند بر امام عصر در هر سال با آنچه مجدد میشود از حوادث و قضایا تمام شد. پس از همه این اخبار واضح شد که ملائکه و روح القدس در هر سال در شب قدر بر امام عصر عجل الله فرجه نازل میشوند و امورات آن سال را در آن شب بآن حضرت عرض میکنند و بآن بزرگوار در آن خصوص

(۱) اصول کافی ج ۱ ص ۲۴۷.

(۲) اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۳.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۳۱.

تکلم میکنند .

وبلکه معلوم شد که خود احادیث که دلالت دارند بوجود شب قدر در هر سال و نزول ملائکه در آن شب دلیل واضح و برهان قطعی لائح است بر اینکه ملائکه و روح القدس باید و البته بر امام زمان و معصوم در آن وقت نازل باشند باقطع نظر از این احادیث معتبره که دلالت نمودند بر نزول ملائکه و روح القدس در هر سال در شب قدر بر امام زمان و حجت عصر علیه السلام .

و این احادیث را و قتیکه ضم کردی با اخبار سابقه که دلالت بر وجود شب قدر در هر سال و نزول ملائکه در آن شب داشتند واضح میشود وجود امام معصوم در هر عصر و بودن امام در همه وقت هر چندیکه غائب باشد و موجود بودن وجود امام غائب «ع» در همه زمان هر چندیکه ظاهر نباشد .

پس وجود سوره انا انزلناه دلیل واضح است در قرآن بر وجود امام عصر عجل الله فرجه و این سوره مبارکه برهان قطعی است بر بودن حجت عصر «ع» در همه اوقات ، و آیه « تنزل الملائكة » در آن سوره علامت واقعی است بر وجود فایض الجود امام غائب و بر اینکه امام معصوم از آل محمد موجود است و آن نیست مگر قائم آل محمد .

و از این جهت ائمه ما شیعیان را ترغیب و تحریض فرمودند بر تمسک و احتجاج بسوره انا انزلناه و بر ایمان آوردن بآن سوره ، چنانکه در اصول کافی باسناد سابق از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : ای جماعت شیعیان مخاصمه کنید با مردم در خصوص امامت ما اهل بیت بسوره انا انزلناه تا غالب شوید و راستکار باشید ، پس قسم بخداوند بدرستی که آن سوره حجت خداوند است بر خلق بعد از رسول خدا و بدرستی که آن سوره سیددین شما است ، و بدرستی که آن سوره غایت علم ما ائمه است ، ایجماعت شیعیان

مخاصمه کنید به « حم والکتاب المبین * انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة » پس بدرستیکه این آیه از برای صاحبان امرامامت است محض بعد از رسول خدا. الحدیث^(۱).

واین حدیث شریف دلیل است بر آنچه ما ذکر نمودیم از بودن سوره مزبوره دلیل بر وجود امام در هر زمان هر چندیکه غائب باشد و بودن این سوره دلیل قطعی بر امامت ائمه بعثت نزول ملائکه در هر سال در شب قدر بر امام آن زمان .

وایضاً در اصول کافی باسناد سابق از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود: فضل ایمان آوردن بجمله سوره انا انزلناه وایمان بتفسیر آن سوره بر آنکسی که ایمان او بآن سوره و تفسیر آن نباشد مثل فضل انسان است بر حیوانات چهارپا . الحدیث^(۲).

و معلوم است که مراد از ایمان آوردن بآن سوره و بتفسیر آن ایمان آوردن است بر نزول ملائکه و روح القدس بر امام هر عصر در هر سال در شب قدر چنانکه بیان کردیم .

وایضاً در همان حدیث بعد از آنکه حضرت باقر «ع» فضائل شب قدر را بیان فرمود و معین نمود که در ماه رمضان در هر سال است راوی عرض کرد : چطور معرفت برسانم بر اینکه شب قدر در هر سال در رمضان باشد؟ حضرت فرمود: زمانیکه ماه رمضان آمد پس بخوان سوره دخان را در هر شب صد بار پس وقتیکه آمد شب بیست و سیم پس تو نظر میکنی بر تصدیق آنچه سؤال کردی

(۱) اصول کافی ج ۱ ص ۲۴۹ .

(۲) اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۱ .

از آن^(۱). الحدیث .

وبالجمله از این احادیث که در تفسیر این سوره ذکر شد و در معنی نزول ملائکه و روح القدس نقل کرده شد معلوم شد که باید ملائکه و روح القدس بر امام زمان و حجت قائم آل محمد نازل باشند و باید آنحضرت وجود داشته باشد در هر سال در شب قدر.

پس این سوره « انا انزلناه » و آیه «تنزل الملائكة» دلالت نمود بر وجود حضرت قائم آل محمد و بودن آن بزرگوار همیشه ، پس آیه شریفه تنزل الملائكة اشاره شد در این زمان بحضرت قائم اهل بیت و مراد از آیه نزول ملائکه در شب قدر آنحضرت گردید .

و اما مراد از آخر آیه که «سلام هی حتی مطلع الفجر» باشد پس مقصود از آن نیز امام قائم و ولی عصر است چنانکه در تفسیر قمی در این آیه روایت کرده که فرمود: تحیه است که تحیه داده میشود امام زمان به آن تا آنکه طلوع کند صبح^(۲) .

و در نجم الثاقب از کتاب تأویل الایات شیخ شرف الدین نجفی نقل نموده از حضرت صادق «ع» که در تفسیر « حتی مطلع الفجر» فرمود : یعنی تا آنکه برخیزد و ظاهر شود قائم آل محمد^(۳) .

و ایضاً از آنجناب در آن کتاب روایت کرده در تفسیر کلام خداوند «والفجر لیلال عشر» که فرمود : مراد از فجر حضرت قائم آل محمد است^(۴) .

(۱) اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۲ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۳۱ .

(۳) النجم الثاقب ص ۵۲ .

(۴) النجم الثاقب ص ۵۲ .

پس از تفسیرهای مزبور معلوم گردید که مراد از سلام در این آیه سلام بر حضرت قائم آل محمد است و مراد از فجر در این آیه وهم درو الفجر قائم اهل بیت است و مراد طلوع فجر صادق جمال و سلطنت آنحضرت است .
(آیه صد و دهم) قوله تعالى در سورة عصر «والعصر* ان الانسان لفي خسر»^(۱)

یعنی قسم بعصر بدرستیکه انسان هر آینه در زیانکاری است .
و این آیه نیز در شأن حضرت قائم آل محمد است همچنانکه در اکمال الدین از امام جعفر صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت در تفسیر این سوره فرمود که مراد از عصر عصر قائم آل محمد است که در آن عصر ظاهر میشود بدرستیکه انسان هر آینه در زیانکاری است یعنی دشمنان ما «الا الذين آمنوا» یعنی ایمان آوردند به آیات ما اهل بیت «و عملوا الصالحات» یعنی عمل کرده اند بمواسات برادران «و تواصوا بالحق» یعنی امامت «و تواصوا بالصبر» یعنی بالعترة^(۲) .
پس از این تفسیر معلوم گردید که مراد از این آیه حضرت قائم آل محمد است .
و در نجم الثاقب از جمله القاب آنحضرت صاحب العصر را نقل کرده^(۳)
و از کتاب ذخیره نقل نموده که از جمله اسماء آنحضرت عصر است که در قرآن مذکور است^(۴) تمام شد .

و اینها دلیل است بر آنچه ذکر شد از تفسیر آیه که مراد از عصر عصر ظهور قائم آل محمد است که خداوند بآن قسم یاد فرموده است ، و از بس که عصر آنحضرت در نزد خدا بعالی عظمت و حرمت و عزت دارد خداوند بآن

(۱) العصر : ۱ و ۲ .

(۲) کمال الدین ج ۲ ص ۶۵۶ در آنجا «فترة» بدل عترة ذکر شده است .

(۳) النجم الثاقب ص ۵۰ .

(۴) النجم الثاقب ص ۵۱ .

عصر قسم خورده چنانکه از احادیث معتبره معلوم میشود که آن زمان چقدر خوب خواهد شد و بعضی احادیث در این معنی گذشت و فی الجمله بیان حالات آن زمان گردید .

و در خصال از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود : اگر قائم ما ظهور کند صلح میشود میان درندگان و بهائم حتی اینکه زن راه میرود در میان عراق و شام نمیگذارد پای خود را مگر بر گیاه و بر سر او است زینتهای او بهیجان نمیآورد او را درندگان و نمیتراساند او را هیچ چیز ^(۱) .

و از تأویل الایات در نجم الثاقب روایت کرده که فرموده که گوسفند و گاو و گاو و شیر و مار و انسان از یکدیگر مأمون میشوند ^(۲) .

و از عقد الدرر نقل نموده از امیر المؤمنین «ع» که فرمود در قصه قائم آل محمد که : چرا میکند گوسفند و گاو و گاو و گاو در يك مكان و بازی میکنند اطفال با مارها و عقربها و اذیت نمیکند ایشان را بچیزی و شر میرود و خیر میماند ^(۳) .

و از احتجاج از آنحضرت روایت نموده که سازش کنند درندگان و بلکه آنها و سائر حیوانات مطیع اصحاب آنحضرت شوند ^(۴) .

و از صدوق از باقر «ع» روایت کرده که فرمود : گویا می بینم اصحاب قائم آل محمد «ع» را که احاطه نمودند مابین خافقین را و نیست چیزی مگر آنکه منقاد ایشان شود حتی درندگان زمین و درندگان طیور و طلب خوشنودی ایشان را میکند هر چیزی حتی اینکه زمین بزمین دیگر فخر میکند و میگوید گذشت

(۱) النجم الثاقب ص ۹۵ .

(۲) النجم الثاقب ص ۹۵ .

(۳) النجم الثاقب ص ۹۵ .

(۴) النجم الثاقب ص ۹۵ .

امروز بر من مردی از اصحاب قائم آل محمد علیه السلام و از این اخبار در نجوم الثاقب بسیار است^(۱).

تمام شد آنچه ما اراده کردیم از نقل آیات وارده در شأن قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در دههٔ دوم از ماه پنجم از سال نهم از دههٔ سیم از صده چهارم از هزار دوم از هجرت نبوی صلی الله علیه و آله .

فهرست آیات شریفه

- واذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الصاعقة
وانتم تنظرون ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون ٥
- الم ترالى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذرالموت فقال
لهم الله موتوا ثم احياهم ٩
- اوكالذى مرعلى قرية وهى خاوية على عروشها قال انى يحيى هذه الله
بعد موتها فأماته الله مائة عام ثم بعثه ١٢
- وابرىء الاكمه والابرص واحىى الموتى باذن الله ١٥
- وتبرىء الاكمه والابرص باذنى واذا تخرج الموتى باذنى ١٦
- اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً ٢٢
- ولنبلونكم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس
والثمرات وبشرالصابرين ٢٣
- وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان
الا على الظالمين ٤٦٠، ٢٥
- ولا تزر وازرة وزر اخرى ٢٦
- هل ينظرون الا ان يأتهم الله فى ظلل من الغمام والملائكة وقضى الامر ٢٧

- واذ اخذ الله ميثاق النبيين لما اتيكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم
رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه ٢٩
- وعد الله الذين آمنوا ٣١
- افتريدن الله يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعاً وكرهاً ٣٣
- ومن دخله كان آمناً ٣٤
- يمددكم ربكم بخمسة آلاف من الملائكة مومنين ٣٥
- يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم ٣٦
- الم ترالى الذين قيل لهم كفوا ايديكم قالوا ربنا لم كتب علينا
القتال لولا أخرتنا الى اجل قريب ٣٩
- وان من اهل الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته ٣٩
- اطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا فان توليتم فانما على رسولنا
البلاغ المبين ٤١
- فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا
بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون ٤٢
- يوم يأتى بعض آيات ربك لا ينفع نفساً ايمانها لم تكن آمنت من
قبل او كسبت فى ايمانها خيراً ٤٣
- هل ينظرون الا تأويله يوم يأتى تأويله ٤٤
- ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاque للمتقين ٤٥
- يريدون ان يطفئوا نور الله بأفواههم ويأبى الله الا ان يتم نوره
ولو كره الكافرون ٤٧
- هو الذى ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
ولو كره المشركون ١٥٣، ١٢٨، ٤٨

- والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم
بعذاب الیم
- ۵۳
- ان اشترى من المؤمنین انفسهم واموالهم بأن لهم الجنة
بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه ولما یأتهم تأویلہ
واما نرینک بعض الذی نعدهم
ولو ان لكل نفس ما فی الارض لافتدت به
الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا یحزنون
لهم البشرى فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة
ولئن أخرنا عنهم العذاب الی امة معدودة
بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین
ولقد أتینا موسی الکتاب فاختلف فیہ
ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب
و ذکرهم بأبام الله ان فی ذلك لآیات لكل صبارشکور
قال فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم
ان فی ذلك لآیات للمتوسمین وانها لبسبیل مقیم
اویأتی امر ربک - الی قوله تعالی - وحق بهم ما كانوا به یتسهزؤن
واقسموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه
حقاً ولكن اکثر الناس لا یعلمون لیبین لهم الذی یختلفون فیہ ولیعلم
الذین کفروا انهم كانوا کاذبین
لنفسدن فی الارض مرتین ولتعلن علواً کبیراً فاذا جاء وعد اولیئهما
بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الدیار وكان
وعداً مفعولاً
- ۶۳
- ۶۵

- ثم رددنا لكم الكرة عليهم وامدناكم بأموال وبنين وجعلناكم اكثر
٦٧ نفيراً
- فاذا جاء وعد الاخرة ليسووا وجوهكم - الى قوله تعالى - وان
٦٩ عدتم عدنا
- ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف فى القتل انه
٦٩ كان منصوراً
- جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً
٧٠
- فاذا جاء وعد ربى جعله دكاء وكان وعد ربى حقاً
٧٠
- اجعل بينكم وبينهم ردماً
٧١
- حتى اذا رأوا ما يوعدون اما العذاب واما الساعة فسيعلمون من هو
٧١ شرمكاناً واضعف جنداً ويزيد الله الذين اهتدوا هدى
- يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علماً
٧٢
- ولقد عهدنا الى آدم من قبل فنسى ولم نجد له عزماً
٧٣
- ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً ونحشره يوم القيامة اعمى
٧٤ فلما احسوا بأسنا اذا هم منها يركضون لا تركضوا وارجعوا الى
- الى ما اترقتم فيه ومساكنكم لعلكم تسئلون
٧٥
- وحرام على قرية اهلكناها انهم لا يرجعون
٧٦
- ولقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون
٧٧
- اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا
٧٨
- الذين ان مكناهم فى الارض اقاموا الصلاة وآتوا الزكاة وامروا
٧٩ بالمعروف ونهوا عن المنكر والله عاقبة الامور
- وبشر معطلة وقصر مشيد
٨٠

- ۸۰ ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغى عليه لينصرنه الله
- ۸۱ حتى اذا فتحنا عليهم باباً اذا عذاب شديد
قل رب اما ترى ما يوعدون - الى قوله تعالى - وانا على ان نريك
ما نعدهم لقادرون
- ۸۲ وعدا الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الارض
- الى قوله تعالى - يعبدوننى لا يشركون بى شيئاً
- ۸۳ ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين
- ۸۹ امن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء .
- ۹۱ واذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس
كانوا بآياتنا لا يوقنون
- ۹۲ ويوم نحشر من كل امة فوجاً ممن يكذب بآياتنا فهم يوزعون
- ۹۷ سيريكم آياته فتعرفونها
- ۹۷ وجعلكم انبياء وجعلكم ملوكا .
- ونريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم
وارثين ونمكن لهم فى الارض ونرى فرعون وهامان وجنودهما منهم
ما كانوا يحذرون
- ۹۸ ان الذى فرض عليك القرآن لرادك الى معاد
ولئن جاء نصر من ربك ليقولن انا كنا معكم
- ۱۰۱ ظهر الفساد فى البر والبحر بما كسبت ايدى الناس
واسبخ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة
- ۱۰۴ ولنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون
- ۱۰۵ ويقولون متى هذا الفتح ان كنتم صادقين

- ١٠٦ قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون
وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا
فيها السير سيروا فيها ليالي واياماً آمنين
١٠٦ ولوترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان قريب وقالوا آمنا به
وانى لهم التناوش من مكان بعيد
١١٢ قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم
١١٤ ولتعلمن نبأه بعد حين
١١٦ واشرقت الارض بنور ربها
١٤٩ ، ١١٧ قالوا ربنا امتنا اثنتين واحييتنا اثنتين
١١٧ ولوان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء
والارض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا يكسبون
١١٩ انا لننصر رسلانا والذين آمنوا فى الحيوۃ الدنيا ويوم يقوم الاشهاد
١٢٠ سنريهم آياتنا فى الافاق وفى أنفسهم حتى يتبين لهم انه الحق
١٢١ ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له فى الآخرة من نصيب
١٢٢ - الى قوله - ولولا كلمة الفصل لفضى بينهم
ويمح الله الباطل ويحق الحق بكلماته انه عليم بذات الصدور
١٢٤ ولمن انتصربعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل
١٢٤ وجعلها كلمة باقية فى عقبه لعلهم يرجعون
١٢٥ ولوتزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذاباً اليما
١٢٦ واستمع يوم يناد المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق
ذلك يوم الخروج
١٢٨ وان للذين ظلموا عذاباً دون ذلك ولكن اكثرهم لا يعلمون
١٣١

- اقتربت الساعة وانشق القمر ۳۱ :
 او تأتيكم الساعة ۱۳۳
 يسألونك عن الساعة ۱۳۵ ، ۱۳۳
 او تأتيهم الساعة بغتة ۱۳۳
 لا تأتينا الساعة ۱۳۳
 حتى تأتيهم الساعة بغتة ۱۳۳
 ويوم تقوم الساعة ۱۳۴ ، ۱۳۳
 ما تدري ما الساعة ۱۳۳
 يوم تقوم الساعة ۱۳۴
 بل الساعة موعدهم ۱۳۴
 وما اظن الساعة قائمة ۱۳۴
 اما العذاب واما الساعة ۱۳۴
 هل ينظرون الا الساعة ۱۳۴
 فهل ينظرون الا الساعة ۱۳۴
 ان الساعة لآتية لا ريب فيها ۱۳۴
 ان الساعة آتية ۱۳۴
 وان الساعة آتية لا ريب فيها ۱۳۴
 وان الساعة لآتية ۱۳۵
 وان الساعة لا ريب فيها ۱۳۵
 لعل الساعة تكون قريباً ۱۳۵
 لعل الساعة قريب ۱۳۵
 وما امر الساعة الا كالمح البصر ۱۳۵

- ١٣٥ ان الله عنده علم الساعة
- ١٣٥ اليه يرد علم الساعة
- ١٣٥ وعنده علم الساعة
- ١٣٥ بل كذبوا بالساعة
- ١٣٥ واعتدنا لمن كذب بالساعة
- ١٣٦ يسألك الناس عن الساعة
- ١٣٦ ان الذين يمارون في الساعة
- ١٣٦ وانه لعلم للساعة
- ١٣٦ وهم من الساعة مشفقون
- ١٣٦ والساعة لا ريب فيها
- ١٣٦ والساعة ادهى وامر
- ١٣٦ ، ١٣٦ لا يمسه الا المطهرون تنزيل من رب العالمين
- ١٣٩ ولا تكونوا كالذين اتوا الكتاب من قبل فطال عليهم الامل
- ١٤١ يغن الله كلا من سعته
- ١٤٢ سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين
- ١٤٣ اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها
- ١٤٣ يوم تبدل الارض غير الارض
- يا ايها الذين آمنوا لا تتولوا قوماً غضب الله عليهم قد يئسوا من
- ١٤٦ الاخرة كما يئس الكفار من اصحاب القبور
- ١٤٨ ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص
- ١٤٩ يريدون ليطفئوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون
- ١٥٠ الله نور السموات والارض - الى آخر آياته شريفه نور

- ۱۵۵ نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين
- ۱۵۷ لو ان لى بكم قوة او آوى الى ركن شديد
- ۱۵۷ ان اصبح ماؤكم غوراً فمن يأتكم بماء معين
- ۱۵۹ اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين سنسمه على الخرطوم
- ۱۶۰ سأل سائل بعذاب واقع للكافرين
- ۱۶۱ فاصبر صبراً جميلاً انهم يرونه بعيداً ونرىه قريباً
- ۱۶۲ والذين يصدقون بيوم الدين
- ۱۶۲ حتى اذا رأوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف ناصراً واقل عدداً
- ۱۶۳ فاذا نقرفى الناقر فذلك يومئذ يوم عسير
- عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احداً الا من ارتضى من رسول فانه
- ۱۶۴ يسلك من بين يديه ومن خلفه رصداً
- ۱۶۵ هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب
- ويقولون لولا انزل عليه آية من ربه فقل انما الغيب لله فانظروا
- ۱۶۶ انى معكم من المنتظرين
- ۱۶۷، ۱۶۶ والله غيب السماوات والارض
- ۱۶۶ له غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ ان الله يعلم غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ انى اعلم غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ ان الله عالم غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ فقل انما الغيب لله
- ۱۶۷ ام عندهم الغيب
- ۱۶۷ ولا اعلم الغيب

- ١٦٧ قل لا يعلم من فى السماوات والارض الغيب الا الله
- ١٦٧ ان لو كانوا يعلمون الغيب
- ١٦٨ ولو كنت اعلم الغيب
- ١٦٨ اطلع الغيب
- ١٦٨ ذلك عالم الغيب والشهادة
- ١٦٨ ذلك من انباء الغيب
- ١٦٨ وعنده مفاتيح الغيب
- ١٦٩ ، ١٦٨ عالم الغيب والشهادة
- ١٦٨ ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة
- ١٦٩ الى عالم الغيب والشهادة
- ١٦٩ وستردون الى عالم الغيب والشهادة
- ١٦٩ عالم الغيب
- ١٦٩ تلك من انباء الغيب
- ١٦٩ عالم الغيب لا يعزب عنه
- ١٦٩ اعنده علم الغيب
- ١٦٩ عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احداً
- ١٦٩ الذين يؤمنون بالغيب
- ١٦٩ ليعلم الله من يخافه بالغيب
- ١٦٩ التى وعد الرحمن عباده بالغيب
- ١٦٩ رجماً بالغيب
- ١٧٠ الذين يخشون ربهم بالغيب
- ١٧٠ انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب

- ۱۷۰ ان الذين يخشون ربهم بالغيب
ويقذفون بالغيب
- ۱۷۰ من ينصره ورسله بالغيب
وخشى الرحمن بالغيب
- ۱۷۰ من خشى الرحمن بالغيب
وما كان الله ليطلعكم على الغيب
وما هو على الغيب بضنين
حافظات للغيب
- ۱۷۱ الم ذلك الكتاب لا ريب فيه
- ۱۷۲ يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة
انا لننصر رسلنا
- ۱۷۳
- ۱۷۴ فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس
هل اتيك حديث الغاشية - الى قوله تعالى - تصلى ناراً حامية
- ۱۷۵ والشمس وضحيها والقمر اذا تليها والنهار اذا جليها
والليل اذا يغشيها
- ۱۷۶ والليل اذا يغشى * والنهار اذا تجلى
تنزل الملائكة والروح * فيها باذن ربهم من كل أمر سلام هي حتى
- ۱۷۸ مطلع الفجر
- ۱۸۶ حم والكتاب المبين * انا انزلناه فى ليلة مباركة
والعصر * ان الانسان لفى خسر
- ۱۸۸

فهرست اعلام ولقبها وكنيهها وقبيلهها

		(۱)	
۱۶۴	اثبات الوصية		
۱۸۳، ۱۵۶	احمد بن محمد	۸۴، ۲۹	آدم عليه السلام
۱۵، ۱۴	ارميا	۸۳	ابان بن تغلب
۱۸۰	اسحق بن عمار	۶۰، ۶۷، ۲۰	ابراهيم عليه السلام
۱۱۸	اسرافيل	۱۱۸، ۱۲۵	
۱۳۰	اسكندر	۱۴۵، ۱۴۸	ابن طاوس : سيد
۹۷	اسماعيل		ابن عباس : عبد الله بن عباس
۱۳۸	اصبغ بن نباتة	۶۳	ابو بصير
۱۷۵	ام هاني	۸۷، ۱۳۷	ابوبكر
	(ب)	۱۳۷	ابوالحسن عليه السلام
		۱۵۴، ۱۷۹	ابو حمزه
		۳۴، ۱۰۸	ابو حنيفة
، ۲۷، ۱۰	امام محمد باقر عليه السلام	۱۳۷	ابو ذر غفاري
، ۵۱، ۴۵، ۴۰، ۳۹، ۳۵، ۳۰، ۲۸		۱۵۲	ابوسليمان
۱۱۲، ۹۳، ۸۶، ۸۱، ۷۵، ۶۷، ۵۵		۱۳۰	ابوطالب
، ۱۵۶، ۱۷۴، ۱۴۳، ۱۲۹، ۱۱۸		۱۳۸	ابولهب

۱۵۰ ، ۹۹ ، ۶۷ ، ۶۶ ، ۳۹ ، ۳۶ ، ۹	۱۸۹ ، ۱۸۳ ، ۱۷۷
۱۵۵ ، ۱۵۲	۱۴ ، ۱۳ ، ۱۲ بختنصر
۱۰۷ حسن بصری	۱۴۴ بغوی
۱۴۷ ، ۹۶ حسن بن سلیمان	۶۵ ، ۱۴ ، ۱۲ ، ۹ ، ۵ بنی اسرائیل
۱۸۳ حسن بن عباس بن حریش	۱۰۱ ، ۹۹ ، ۹۶ ، ۷۰ ، ۶۹ ، ۶۷
حسن بن علی العسکری علیهما السلام	۱۲۵ ، ۶۷ ، ۶۱ ، ۸۹ ، ۷۶ ، ۴۸ بنی امیه
۱۵۲ ، ۱۵۰ ، ۳۸ ، ۳۷	۱۶۱ بنی سعد ابن همام
۱۳۷ حسنی	۱۱۳ ، ۴۸ بنی عباس
۲۶ ، ۲۵ ، ۹ امام حسین علیه السلام	(ج)
۱۰۰ ، ۹۹ ، ۸۱ ، ۷۹ ، ۶۷ ، ۳۹ ، ۳۶	جابر بن عبدالله انصاری ۳۸ ، ۳۶
، ۱۵۲ ، ۱۵۰ ، ۱۲۶ ، ۱۲۱ ، ۱۱۸	۱۶۴ ، ۱۵۰ ، ۱۲۹ ، ۱۱۶ ، ۱۰۱ ، ۸۲
۱۷۶ ، ۱۷۴ ، ۱۷۳ ، ۱۷۲ ، ۱۵۵	۱۱۸ ، ۱۱۳ ، ۹۱ ، ۸۳ جبرائیل
۱۷۴ حسین بن حمدان	۱۵۴ ، ۱۲۹
۷۰ حکیمه خواتون	(ح)
(۵)	حارث اعور ۱۷۶
۱۱۹ دانیال	حجاج بن یوسف ۴۰ ، ۳۴
۷۸ داود علیه السلام	حجة بن الحسن العسکری علیهما
۹۴ دجال	السلام ۳۸ ، ۲۷ ، ۲۳ ، ۲۲
(۵)	حریز ۱۷۳
۸۸ ذوالقرنین	۱۱ حزقیل
	امام حسن مجتبی علیه السلام

(د)

شهر بن حوشب ٤١

امام رضا عليه السلام ٢٥ ، ٢٢ ، ١٨

(ص)

٩٠ ، ٢٧ ، ٢٦

امام صادق عليه السلام ١٢ ، ١١ ، ١٠

١٧٩

رفاعه

٣٦ ، ٣٤ ، ٣٣ ، ٢٩ ، ٢٤ ، ٢٣ ، ١٧

٦٨ ، ٦٥ ، ٦٣ ، ٦١ ، ٥٥ ، ٥٣ ، ٤٠

(ز)

١٠٨ ، ٩٧ ، ٩١ ، ٨٩ ، ٨٦ ، ٧٢

١٧٩

زرارة

١٥٤ ، ١٥٠ ، ١٣٩ ، ١١٤ ، ١٤١

١٣٠

زهري

١٨٧ ، ١٨٠ ، ١٧٩

امام زين العابدين عليه السلام ١٠٠ ، ٨٥

١٨٩ ، ٣٤ ، ٢٥ ، ٢٤ ، ٢٠ صدوق

(س)

١٦٠ ، ٤٤

صعصعه

(ع)

١٦

سام بن نوح

٣٤

عبدالله بن زبير

امام سجاد عليه السلام ١٠٧ ، ١٠١

١٨٤ ، ١٥٢

عبدالله بن عباس

١٤٢ ، ١٣٠ ، ١٢٥ ، ١١٣

١٣٠

عبد الملك

٩٦

سعد بن عبدالله

١٥٦

عبد الملك بن اعين

١١٣ ، ١١٢ ، ٨٩

سفياني

٨٧

عثمان

٨٨

سليمان

١٥ ، ١٤

عزير

١٨٣

سهل بن زياد

١٣٢ ، ١٠٥ ، ١٠١ علامه مجلسي

سيد الشهداء عليه السلام ٢٦ ، ١٨

١٦٣ ، ١٦١ ، ١٤٨ ، ٤٧

٧٣ ، ٥٠ ، ٩ ، ٨ علي عليه السلام

١١٦ ، ٧٨ ، ٧٠ ، ٦٨ ، ٦٦

١٣٠

سيف بن عميره

١٥٤ ، ١٥٢ ، ١٣٧ ، ١١٨ ، ٩٢ ، ٨٧ ، ٨٣

(ش)

١٧٦ ، ١٧١ ، ١٥٥

١٨٧

شرف الدين نجفي

۱۱۸ ، ۱۳۱ ، ۱۴۹ ، ۱۵۶ ، ۱۶۳

(ك)

۱۵۸ امام كاظم عليه السلام

۱۴۳ كعب الاحبار

۱۴۴ گنجی

(ل)

۱۰۴ لقمان

۱۵۷ لوط

(م)

۱۵ محدث كاشانی : فيض

محمد صلى الله عليه وآله وسلم

۶ ، ۸ ، ۹ ، ۸۱ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۴۸

۵۰ ، ۷۳ ، ۷۸ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۱۱۸ ،

۱۵۰ ، ۱۵۲ ، ۱۷۶

۱۸۳ محمد بن ابي عبدالله

محمد بن الحسن العسكري عليهما

السلام ۳۸

۱۸۳ محمد بن حسن

۶۹ محمد بن حمران

محمد بن علي : باقر عليه السلام

۳۶ ، ۱۵۰

۱۸۴ ، ۵۴ علي بن ابراهيم

علي بن الحسين عليهما السلام

۳۶ ، ۱۵۰

علي بن محمد عليهما السلام

۳۷ ، ۱۵۰

علي بن موسى الرضا عليهما السلام

۳۶ ، ۱۵۰

۹۳ ، ۱۵۵ عمار

۸۷ ، ۱۳۷ عمر

۳۵ ، ۴۰ ، ۵۱ ، ۶۱ ، ۶۸ ، عياشي

۸۵ ، ۸۶ ، ۱۴۱

۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ عيسى عليه السلام

۲۱ ، ۴۰ ، ۵۲ ، ۱۴۲

(ف)

۹ ، ۴۰ ، ۱۳۰ ، فاطمه عليها السلام

۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۷۶

۴۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۱۳ فرعون

(ق)

۱۸ ، ۱۳۸ قریش

۱۱۶ ، ۱۱۸ قطب راوندی

۸۱ ، ۹۱ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۱۰۵ ، ۱۱۲ قمی

	(ن)	محمد بن علي : جواد عليه السلام
١٣٩ ، ١١٩	نصاري	١٥٠ ، ٣٦
٤١	نصراني	١٨٢ ، ١٧٩ محمد بن مسلم
١٦٤	نعماني	١٨٣ محمد بن يحيى
٨٦ ، ١٦	نوح عليه السلام	١٤٦ مرتضى
	(هـ)	١٤٦ مصطفى
٩٨	هامان	١٣٧ ، ١٣٦ ، ١٣٢ مفضل بن عمر
٥٨	هود	٥٢ مقداد بن اسود
	(س)	٧٢ ، ٢٢ ، ٢١ مهدي عليه السلام
٨١ ، ٦٨	يزيد بن معاوية	٧٨ ، ٧٩ ، ٨١ ، ٨٦ ، ٩٨ ، ١٢٩
٤١	يعقوب عليه السلام	١٣٠ ، ١٣٢ ، ١٣٧ ، ١٤٢ ، ١٤٥
١٧٩	يعقوب	١٥٠ ، ١٥٣ ، ١٦١
٤١	يوسف	٣٦ موسى بن جعفر عليهما السلام
١١٩	يوشع	٤٩ ، ٨٠ ، ١٠٤ ، ١٥٠
٥٤	يونس	٥٠ ، ٤٨ ، ٤٦ ، ٤٨ ، ٥٠ موسى بن عمران
١٣٩ ، ١١٩ ، ٤١	يهود	٥٩ ، ٩٩ ، ١٠٠ ، ١٠١ ، ١٢١
		١١٨ ميكائيل

فهرست کتب

(ت)	(ا)
۱۸۹، ۱۸۷	۱۶ اثنا عشریه
۱۳۱، ۱۲۵، ۲۷	احتجاج ۱۵، ۱۸، ۴۴، ۵۰، ۸۷،
۹، ۶	۱۸۹، ۱۴۴، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۰۷، ۱۰۶
۱۰۰	۱۴۴ اختصاص
۱۴۶	۱۴۷، ۱۳۸، ۱۱۷، ۸۹ ارشاد
۸۳، ۴۴، ۳۸، ۳۴، ۲۲	۱۲۱ انوار مضمیته
۱۶۳، ۱۴۰، ۱۲۲، ۱۲۰، ۹۶، ۹۲	۱۵۲ ایضاح النواصب
۱۷۶، ۱۷۴، ۱۷۱، ۱۶۵	(ب)
۴۴، ۴۲	۱۸ بحار الانوار
۲۲، ۱۷، ۱۵، ۱۲	۹۷، ۸۲، ۷۳، ۲۹ بصائر الدرجات
۵۱، ۴۵، ۳۹، ۲۹، ۲۸، ۲۶، ۲۳	۱۵۷، ۱۱۴
۷۱، ۶۷، ۶۵، ۶۳، ۵۵، ۵۳، ۵۲	۸۳ بیضاوی
۱۷۱، ۱۲۹، ۹۳	

	(ذ)	١٧٦ ، ١٧٢	تفسير فرات
١٨٨	ذخيرة	٤٤ ، ٤٠ ، ٢٩ ، ١٥ ، ١٢	تفسير رقمي
	(ز)	٦٢ ، ٦٠ ، ٥٨ ، ٥٦ ، ٥٥ ، ٥٣ ، ٤٩	
١٤٨	زاد المعاد	٨٠ ، ٧٩ ، ٧٦ ، ٧٢ ، ٦٩ ، ٦٧ ، ٦٤	
٧٨	زبور	١٢٥ ، ١٢٠ ، ١٠٢ ، ٩٧ ، ٨٩ ، ٨٥	
	(س)	١٦٥ ، ١٦٠ ، ١٥٩ ، ١٥٨ ، ١٣٢ ، ١٢٨	
١٤٥	سعد السعود	١٨٧ ، ١٧٧ ، ١٧٦	
	(ع)	١٧٢	تفسير محمد بن عباس بن ماهيار
		١٥٦	تنزيل وتحريف
١٨٩ ، ١٤٥	عقد الدرر	١٨	توحيد : كتاب
١٠٨ ، ٧٢ ، ٣٤ ، ٢٥	علل الشرايع	٣٦	توراة
١٢٥		١٧٩	تهذيب
	(غ)		(ح)
١٥٠	غاية المرام	١٨٤ ، ١٧٨	حدائق
٩٨	غيبة صدوق	١٨	حياة القلوب
١٧٤ ، ١٥٧ ، ١٣٠	غيبة طوسي		(خ)
١٥٢ ، ١٣٩	غيبة فضل بن شاذان	٧٠	خراج
١٣٩ ، ١٣٨ ، ١٢٩	غيبة نعماني	١٨٩ ، ١٤٤ ، ٦٠ ، ٤٤	خصال
١٧٥ ، ١٧٤ ، ١٥٥ ، ١٥٤ ، ١٥٢ ، ١٤٢			(د)
	(ف)	١٦	الدرة البيضاء
١٧٨	فقيه	١٦	الدرة الغرية

مجمع البيان ٢٢ ، ٣٢ ، ٣٣ ، ٤٦ ،

٥١ ، ٥٢ ، ٥٨ ، ٧٦ ، ٧٨ ، ٨١ ، ٨٢ ،

٨٥ ، ٩٤ ، ٩٥ ، ١٠٥ ، ١١٣ ، ١٢٦ ،

مختصر البصائر ٩٦

المسائل النجفية ١٦ ، ٤٦

معاني الاخبار ٨٠ ، ٩٨ ، ١٢٥ ،

مناقب ١٠٤ ، ١٢٦ ،

مناقب ابن شاذان ١٧٢

منتخب البصائر ٣٠ ، ١٣٢ ،

(ن)

نجم الثاقب ١٢٩ ، ١٣٠ ، ١٣٨ ،

١٤١ ، ١٤٣ ، ١٥٠ ، ١٥٤ ، ١٥٦ ، ١٦٤ ،

١٧٢ ، ١٧٤ ، ١٧٦ ، ١٨٧ ، ١٨٨ ، ١٨٩ ،

١٩٠

(و)

واحد: كتاب ٣٠ ، ٨٤ ،

(ك)

كافي ١٠ ، ١٧ ، ٣٩ ، ٤٤ ، ٤٧ ، ٤٩ ،

٥٠ ، ٥٣ ، ٥٦ ، ٥٨ ، ٥٩ ، ٦٣ ، ٦٥ ،

٦٧ ، ٦٩ ، ٧٢ ، ٧٥ ، ٨٠ ، ٨٤ ، ٨٩ ،

٩٣ ، ١٢٢ ، ١٤١ ، ١٤٣ ، ١٥٦ ، ١٥٨ ،

١٦٣ ، ١٧٤ ، ١٧٥ ، ١٧٦ ، ١٧٨ ، ١٧٩ ،

١٨٠ ، ١٨٢ ، ١٨٤ ، ١٨٥ ،

كامل الزيارة ١٧٣

كتاب فضل بن شاذان ١٢١

كشف الحجاب ٤٧

كشف الغمه ١٤٤

كمال الدين ١٥ ، ٢٣ ، ٢٤ ، ٣٦ ، ٤٣ ،

٤٧ ، ٥٢ ، ٥٦ ، ٥٨ ، ٦٢ ، ٨٠ ، ٨٦ ،

٩٠ ، ٩٤ ، ٩٩ ، ١٠٤ ، ١٠٧ ، ١٢٩ ،

١٣٩ ، ١٤٣ ، ١٥٥ ، ١٥٦ ، ١٥٩ ، ١٦٥ ،

١٧١ ، ١٧٥ ، ١٨٨ ،

(م)

مجالس ٩٩

فهرست مکانها

۱۳۷	ديلم		(۱)
	(ر)	۱۳۰	اندلس
۱۳۸	رکن		(ب)
	(ش)	۱۱۳	بابل
۱۸۹ ، ۱۴۴ ، ۱۱۳	شام	۱۵۴ ، ۸۱ ، ۳۵ ، ۲۸	بدر
	(ص)	۱۵۵ ، ۱۵۴ ، ۱۱۹	بصره
۱۵۵	صفین	۱۱۳	بغداد
	(ع)	۱۴	بيت المقدس
۱۸۹ ، ۱۴۴ ، ۱۱۸ ، ۱۰۸	عراق	۱۱۳	بيداء
	(ق)		(ج)
۱۳۷	قزوین	۱۸	جيانه
	(ك)		(د)
۱۱۸	کربلا	۱۱۳	دمشق

۱۳۸	مقام	۱۱۲، ۳۴	کعبه
۱۰۸، ۸۲، ۷۸، ۳۵، ۲۳	مکه	، ۱۱۵، ۱۱۳، ۸۳، ۶۷، ۲۸	کوفه
	(ن)	۱۴۷، ۱۲۱	
۱۵۴، ۸۳، ۲۷	نجف		(م)
	(و)	۱۱۳، ۱۰۸	مدینه
		۱۳۸، ۱۱۹، ۱۱۵، ۶۱	مسجد کوفه
۸۳	وادی السلام	۱۵۰	

فهرست موضوعات

۳	مقدمه مؤلف کتاب
۵	در اثبات مطلق رجعت از آیات
۱۷	گفتاری پیرامون رجعت
۲۲	آیات رجعت حضرات معصومین علیهم السلام
۲۹	یاری پیغمبران پیغمبر و ائمه اسلام را
۴۹	گفتاری درباره حضرت حجت علیه السلام
۹۲	مراد از دابة الارض
۱۰۶	مراد از قری مبارکه که ائمه علیهم السلام است
۱۱۸	سلطنت روی زمین به اولیاء الله برمیگردد
۱۳۳	آیاتی که در «ساعت» وارد شده
۱۴۳	زنده کردن زمین پس از مرگ آن
۱۶۴	پیرامون علم غیب
۱۶۶	آیاتی که درباره «غیب» وارد شده
۱۷۲	بحثی درباره رجعت ائمه علیهم السلام
۱۷۸	شب قدر و فضائل آن

۱۹۳	فهرست آیات شریفه
۲۰۴	فهرست اعلام و لقبها و کنیه‌ها و قبیله‌ها
۲۰۹	فهرست کتب
۲۱۲	فهرست مکانها
۲۱۴	فهرست موضوعات
۲۱۶	تقدیر لازم

تقدیر لازم

این چاپ پنجم « تحفة المهدیه » و « تحفة الشیعه » بر چاپهای سابق این دو کتاب ترجیح و امتیاز دارد چه اینکه با اصل نسخه خطی مؤلف «ره» تطبیق شده و علاوه بر این چاپهای اول و چهارم نیز در اختیار مصحح محترم گذاشته شده بود و از جهت تصحیح اطمینان کامل حاصل شد .

استخراج آیات کریمه و احادیث شریفه و پاورقیهای لازم و فهرستهای آیات و اعلام و امکانه و جزاینها توسط یکی از علمای محترم حوزه علمیه قسم انجام یافت و زحمات ایشان مورد تقدیر شایان می باشد، و از ساحت مقدس امام عصر عجل الله فرجه الشریف مسئلت می نمائیم که معظم له را اجر جزیل و توفیق بیشتر در احیای امور دینی دهد .

سدس هزینه چاپ این کتاب از مرحوم حاج بابا هاشم نژاد است که وصیت شده این مبلغ در چاپ کتب دیگر مؤلف در گردش باشد و ضمناً دبیر محترم ستوده مرام با اعطاء دو هزار تومان در هزینه چاپ شرکت کرده اند و بقیه مخارج بصرمایه (کتابفروشی حقیری) و بهمت دوستان بزبور طبع آزاسته گردیده است. از مطالعه کنندگان گرامی توقع داریم که در حق بانیان سابق و لاحق از طلب آمرزش مضایقه نفرمایند . والسلام علی من اتبع الهدی .